

محمد علی رضایی اصفهانی

پرسش‌های قرآنی جوانان

بسم الله الرحمن الرحیم

پرسش‌های قرآنی جوانان

نویسنده:

محمد علی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پرسش‌های قرآنی جوانان

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : پرسشهای قرآنی جوانان ۷ روابط دختر و پسر ۱/جمعی از پژوهشگران ؛ زیرنظر محمدعلی رضایی اصفهانی

مشخصات نشر : قم: پژوهش های تفسیرو علوم قرآن، ۱۳۸۶

مشخصات ظاهری : ۳۰۴ص

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت : چاپ دوم

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۸۶۱۸۰

در آمد:

قرآن کریم نوری همواره تابان است که بر اندیشه‌ی بشر تابید و راه انسان‌ها را روشن ساخت، این کتاب منبع عظیم معرفتی و سفره‌ای الهی است «۱» که می‌تواند نسل‌های بشر را از زلال معرفت خویش سیراب سازد؛ و مقام دانش و دانشمندان را ارج می‌نهد و عالمان و جاهلان را مساوی نمی‌داند، «۲» بلکه با اشارات متعدد به مباحث کیهان‌شناسی، زیست‌شناسی، رویان‌شناسی و روح و روان انسان بلکه با اشاره به مسائل فرا روانشناسی، حسّ کنجکاوی و پرسشگری انسان را تحریک می‌کند و زمینه رشد علوم را فراهم می‌سازد. «۳»

پرسش کلید دانش است. «۴» و ذهن پرسشگر ارجمند است، و وظیفه دانشمندان دریافت پاسخ از منابعِ قرآن، حدیث، عقل و علوم تجربی و ارائه آن به تشنگان حقیقت است.

از این رو جمعی از پژوهشگران حوزه و دانشگاه گرد هم آمده و با تأسیس «واحد پاسخ به پرسش‌های تخصصی قرآن و علم»، و ارسال پرسش نامه به دانشگاه‌های مختلف، به گردآوری پرسش‌ها و ارائه پاسخ پرداخته‌اند و حاصل تلاش این عزیزان در این مجموعه گردآوری شده است.

---

(۱). عن النبی (ص): القرآن مأدبه اللّه فتعلّموا مأدتبه ما استعطتم. (بحار، ج ۹۲، ص ۱۹)

(۲). هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون. (زمر/ ۹)

(۳). نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، از نگارنده

(۴). عن علی (ع): العلم خزائن و مفاتیحها السئوال (غرر الحکم، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۳۰)

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۰

بنده که از آغاز با این عزیزان همراهی داشته‌ام، شاهد تلاش علمیِ همراه با تعهد آنها بوده‌ام، که در حد توان کوشیده‌اند پاسخ‌های مناسب و متین ارائه نمایند. البته برخی پرسش‌ها نیز از طریق شنوندگان محترم رادیو قرآن دریافت شده و در برنامه پرسش و پاسخ قرآنی آنجا پاسخ داده‌ایم که به این مجموعه اضافه شده است.

امیدوارم خدای متعال این خدمت علمی و قرآنی را از همه‌ی ما بپذیرد و در پرتو قرآن و اهل بیت (ع) پاداش نیک عطا فرماید!

از آنجا که واحد تخصصی پاسخ به پرسش‌های قرآن و علم، مشمول حمایت ویژه «ستاد پاسخگویی به مسائل مستحدثه دینی دفتر تبلیغات» بوده، بر خود لازم می‌دانیم از مسئولین محترم ستاد تشکر کنیم.

در ضمن از خوانندگان محترم درخواست داریم که ما را از راهنمایی و پیشنهادات و انتقادات خویش محروم نفرمایند و از جوانان عزیز می‌خواهیم که اگر پرسش‌هایی در زمینه قرآن و علم دارند، به آدرس ما ارسال فرمایند. «۱»

با سپاس

محمدعلی رضائی اصفهانی

قم- ۱/ ۳/ ۸۵

---

(۱). آدرس: قم، خیابان معلم، معلم ۹، جنب هتل یثرب، کوچه شهید محمدحسن احمدی، کوی نور، پلاک ۹۱

تلفن، پیام‌گیر، نمابر: ۰۲۵۱ ۷۷۳۹۰۰۲ ص. پ: ۴۱۶ - ۳۷۱۸۵- قم---infoquransc .com quranquransc: Email .com ---WWW .quransc .com

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۱

فصل اول: کلیات قرآن و علم

اشاره

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۳

پرسش:

مقصود از علم در قرآن چیست و به کدام علوم بیشتر توجه شده است؟

پاسخ:

مفهوم‌شناسی علم:

واژه «علم» در لغت به معنای «دانش» و «دانستن» است و در اصطلاح معانی متعدّد دارد. «۱» و در اینجا مقصود علوم تجربی است. یعنی «مجموعه قضایای حقیقی که از راه تجربه حسی قابل اثبات است.»

در مورد تقسیم‌بندی علوم نیز طرح‌های متعدّدی ارایه شده «۲» که ما به تقسیم‌بندی علوم بر اساس روش‌ها، بسنده می‌کنیم:

تقسیم‌بندی علوم براساس روش:

علوم را می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد:

الف: علوم تجربی «۳»: که شامل دو قسم می‌شود:

اوّل: علوم طبیعی «۴» مانند: فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و ...

---

(۱). در مورد تعاریف و تقسیم‌بندی‌های علم، نک: احصاء العلوم، فارابی، ص ۱۱۱- ۱۲۰ و آموزش فلسفه، محمدتقی مصباح یزدی، ج ۱، ص ۶۱ و مبانی حوزه و دانشگاه، ص ۹ و درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، ص ۱۵۱

(۲). همان‌ها

(۳). Experimental Sciences.

(۴). Natural Sciences.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۴

دوم: علوم انسانی «۱» مانند: جامعه‌شناسی، اقتصاد و ...

روش کسب این علوم، براساس مشاهده و تجربه حسی است.

ب: علوم عقلی: که آن نیز به دو دسته تقسیم می‌شود:

اول: علوم منطق و ریاضیات که تا قبل از برتراند راسل، گمان می‌شد ریاضیات اصل منطق است ولی او اثبات کرد که منطق، اصل ریاضیات است.

دوم: علم راجع به واقع، یعنی فلسفه که شامل فلسفه‌های مضاف (مانند فلسفه‌ی اخلاق، فلسفه‌ی تاریخ و ...) و فلسفه‌های غیر مضاف (مانند متافیزیک یا امور عامه) می‌شود.

ج: علوم نقلی: مانند علم تاریخ، لغت و ... که در آن‌ها از نقل استفاده می‌گردد (البته منظور در اینجا علوم تعبدی شرعی نیست)

د: علوم شهودی: که با علم حضوری، به دست می‌آید مانند: علوم پیامبران (ع) و عرفا و شاید این طبقه‌بندی، تاکنون کاملترین تقسیم‌بندی علوم باشد.

منابع و روش‌های علمی قرآن:

قرآن کریم به روش‌های علمی (یعنی چهار قسم علوم فوق) و منابع مختلف علم اشاره کرده است؛ یعنی: گاهی به شیوه عقلی توجّه دارد و انسان‌ها را به خردورزی و تفکّر فرامی‌خواند و تشویق می‌کند. «۲»

و گاهی توجه انسان را به طبیعت جلب و به کیهان‌شناسی و طبیعت‌شناسی و انسان‌شناسی و ... تشویق می‌کند. «۳»

---

(۱). Humanities Sciences.

(۲). در مورد تعقل نک: بقره/ ۷۳ و ۲۴۲، یوسف/ ۲، انبیاء/ ۱۰، مومنون/ ۸، زخرف/ ۳ و در مورد تفکر نک: بقره/ ۲۱۹، روم/ ۸، آل عمران/ ۱۹۱، نحل/ ۴۴، حشر/ ۲۱ و ..

(۳). نک: آیات سوره رعد، حج/ ۵، مومنون/ ۱۲- ۲۱، نحل/ ۳- ۱۷ و ...

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۵

و گاهی انسان را به عمق تاریخ می‌برد و داستان‌های عبرت‌آموز پیامبران و ملت‌های پیشین و یا وقایع تاریخی صدر اسلام (همچون جنگ‌ها و ...) را گزارش و بیان می‌کند. «۱»

و گاهی از وحی و الهامات الهی به انسان‌ها سخن می‌گوید؛ «۲» علم الهی را که از نزد خدا به برخی انسان‌ها می‌رسد (/ علم لدنی) گوشزد می‌کند. «۳»

هر چند هدف قرآن بیان جزئیات تمام علوم بشری نیست «۴» امّا می‌توان در قرآن اشاراتی به علوم مختلف یافت. به عبارت دیگر قرآن به روش تعقلی، تجربی، نقلی و شهودی توجه کرده و نمونه‌هایی از آن‌ها را در قرآن یادآوری نموده و همین توجّه قرآن به روش‌ها و منابع علوم، به معنای لزوم به کارگیری این منابع است.

کاربردهای علم در قرآن:

واژه «علم» در قرآن کریم به چند معنا به کار رفته است:

الف: علم به معنای خاص یعنی «الهیات»:

قرآن کریم هدف آفرینش جهان را آگاهی انسان از «علم و قدرت الهی» معرفی می‌کند. «۵» یعنی آگاهی از صفات خدا را به عنوان علم اعلی و هدف خلقت برشمرده است.

و نیز در برخی آیات، از علم «لدنی» یعنی دانشی که خدا به انسان آموزش می‌دهد سخن گفته شده است. «۶»

---

(۱). نک: سوره انبیاء، یونس، یوسف و کهف و ..

(۲). شوری/ ۵۱، مومنون/ ۲۷، طه/ ۳۸

(۳). وَ عَلَّمْنَاهُ مِن لَدُنَّا عِلْماً (کهف/ ۶۵)

(۴). در مباحث بعدی در این مورد توضیحات بیشتری خواهد آمد

(۵). طلاق/ ۱۲

(۶). «وَ عَلَّمْناهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْماً». (کهف/ ۶۵)

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۶

البته این معنای از علم، از مصادیق مهم دانش، بلکه بافضیلت‌ترین علم است، چرا که ارزش هر علم به معلوماتی است که انسان می‌آموزد، «۱» و هنگامی که معلومات یک علم، آگاهی از صفات خدای متعال باشد، آن علم ارزش بیشتری دارد، چرا که بهترین و با ارزش‌ترین معلومات جهان را می‌آموزد.

ب: علم به معنای عام:

قرآن کریم می‌فرماید: «هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَ الَّذِینَ لا یَعْلَمُونَ؛ «۲» آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند برابرند.»

به نظر می‌رسد مقصود از «علم» در این آیه مطلق علم و دانش است که همه‌ی اقسام علم مفید را شامل می‌شود. «۳»

و در آیه‌ی دیگر می‌فرماید: «یَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجاتٍ؛ «۴» خدا کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که به آنان دانش داده شده، به رتبه‌هایی بالا می‌برد.»

در این آیه نیز «ایمان و علم» به عنوان دو معیار جداگانه برای برتری افراد شمرده شده است. از این جداسازی روشن می‌شود که خود «علم» موجب فضیلت

---

(۱). همانطور که از امام علی (ع) حکایت شده: «قیمه کل امرء ما یعلمه» ارزش هر کس به چیزی است که می‌داند (مجمع البیضاء، فیض کاشانی، ج ۱، ص ۲۶.)

(۲). زمر/ ۹

(۳). صاحب تفسیر نمونه آیه را از جهت نابرابری مطلق می‌داند. (ج ۱۹، ص ۳۹۳) و علامه طباطبائی (ره) نیز علم در آیه را مطلق می‌داند لیکن با توجه به مورد آیه آن را منطبق بر علم به خدا می‌کند (ج ۱۷، ص ۲۵۷) و ذیل آیه نیز احادیثی از امام باقر (ع) حکایت شده که مقصود از دانایان در این آیه اهل بیت (ع) هستند (صافی، ج ۴، ص ۳۱۶) ولی برخی مفسران این‌گونه احادیث را حمل بر بیان مصداق کامل کرده‌اند وگرنه آیه شامل همه دانایان می‌شود. (نک: المیزان و اطیب البیان ذیل آیه)

(۴). مجادله/ ۱۱.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۷

افراد است، و این علم مقیّد به الهیّات نشده و مقصود مطلق علم است و شامل همه‌ی دانشمندان می‌شود. «۱»

و در آیه دیگر می‌فرماید: «إِنَّما یَخْشَی اللَّهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماءُ؛ «۲» از میان بندگان خدا، فقط دانشوران از او هراس دارند.»

در این آیه نیز از دانشورانی یاد شده که نشانه‌های خدا را می‌شناسند و عظمت و مقام او را در می‌یابند از این رو از نافرمانی او بیمناکند، «۳» امّا جالب این است که بخش قبلی آیه فوق و آیه‌ی پیشین سخن از نشانه‌های خدا در صحنه طبیعت همچون نزول

باران، رویش میوه‌های رنگارنگ، جاده‌های رنگارنگ کوهستانی و انسان‌ها و جنبندگان و دام‌ها با رنگ‌های مختلف است، سپس از دانشمندان فوق الذکر یاد می‌شود. این مطلب نشان می‌دهد که مقصود از علم، دانشوران در این آیه، علوم طبیعی نیز هست، یعنی دانشمندانی که از طبیعت‌شناسی به خداشناسی می‌رسند. «۴»

---

(۱). علامه طباطبایی (ره) بر آن است که آیه مومنان را به دو قسم عالم و غیر عالم تقسیم می‌کند پس آیه می‌فرماید علمای با ایمان دو درجه برتری دارند و مومنان یک درجه (المیزان، ج ۱۱، ص ۲۱۶) ولی آیت اللَّه مکارم شیرازی می‌نویسند: گرچه آیه در مورد خاصی نازل شده ولی با این حال مفهوم عامی دارد و نشان می‌دهد آنچه مقام آدمی را نزد خدا بالا می‌برد، دو چیز است: ۱. ایمان؛ ۲. علم. (نمونه، ج ۲۳، ص ۴۳۸)

(۲). فاطر / ۲۸

(۳). مقصود از خشیت «ترس از مسؤولیت توأم با درک عظمت مقام پروردگار است». (نمونه، ج ۱۸، ص ۲۴۵)

(۴). آیت اللَّه مکارم شیرازی پس از بیان ارتباط این بخش آیه ۲۸/ فاطر، با بخش‌های قبلی و آیات قبل، و لزوم مسئولیت‌پذیری دانشمندان می‌نویسند: «عالمان در منطق قرآن کسانی نیستند که مغزشان صندوقچه آراء و افکار این و آن، و انباشته از قوانین و فورمول‌های علما جهان و زبانشان گویای این مسائل و محل زندگی‌شان مدارس و دانشگاه‌ها و کتابخانه‌هاست. بلکه علما آن گروه از صاحب‌نظران و دانشمندانند که نور علم و دانش تمام وجودشان را به نور خدا و ایمان و تقوا روشن ساخته، و نسبت به وظائفشان سخت احساس مسئولیت می‌کنند و از همه پایبندترند. البته علامه طباطبائی (ره) بر آن است که مقصود از علما در اینجا عالمان باللَّه هستند. (المیزان، ج ۱۷، ص ۴۳)

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۸

کاربردهای علم در احادیث:

واژه «علم» در احادیث نیز به معنای اخص و اعم به کار رفته است، برای مثال:

۱. از امام صادق (ع) حکایت شده: «علم به کثرت آموختن نیست بلکه علم نوری است که خدا در دل هر کس که بخواهد او را هدایت کند قرار می‌دهد.» «۱»

۲. از امام باقر (ع) حکایت شده: «هر کس بدانچه می‌داند عمل کند، خدا دانش آنچه را نمی‌داند به او ارزانی می‌دارد.» «۲»

این‌گونه احادیث به علوم الهی اشاره می‌کند، یعنی علم را به معنای احص به کار برده است.

۳. از امام علی (ع) حکایت شده که: «علوم چهار قسم است: علم فقه برای ادیان و علم پزشکی برای بدن‌ها، و علم نحو (دستور زبان) برای زبان، و علم کیهان‌شناسی برای زمان‌شناسی» «۳»

مشابه این روایت با مضمون‌ها و تقسیم‌بندی‌های مختلف حکایت شده است که اشاره به علوم تجربی و دینی دارد. یعنی علم را به معنای اعم به کار برده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

از این مباحث روشن می‌شود که اگر در قرآن و احادیث، علم را معیار برتری معرفی می‌کند و دانشمندان را تشویق می‌کند، مقصود همه‌ی اقسام علوم مفید و دانشمندان همه رشته‌های علمی مفید است.

البته ارزش هر علم به معلومات و دانسته‌هایی است که افراد می‌آموزند، اگر دانش الهی باشد، آن علم ارزش بیشتری دارد.

---

(۱). بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۵

(۲). همان، ج ۷۸، ص ۱۸۹

(۳). همان، ج ۱، ص ۲۱۸.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۹

لازم به یادآوری است که دانش الهی نیز مراتب دارد، یعنی علوم تجربی که دارای جهت‌گیری الهی باشد و انسان را از راه طبیعت‌شناسی، کیهان‌شناسی، جنین‌شناسی و ... به خداشناسی بیشتر رهنمون شود، به نوعی از علوم الهی به شمار می‌آید.

علامه طباطبایی (ره) پس از اشاره به آیاتی که از علم تجلیل می‌کند، در مورد دعوت قرآن به علوم مختلف می‌نویسند:

«قرآن مجید در آیات بسیاری (که به سبب حجم گسترده آنها به نقل آن‌ها نپرداختیم) به تفکّر در آیات آسمان و ستارگان و اختلافات عجیبی که در اوضاع آنها پدید می‌آید و نظام متقنی که بر آن‌ها حکومت می‌کند دعوت می‌کند.

و به تفکّر در آفرینش زمین و دریاها و کوه‌ها و ...

به تفکّر در آفرینش شگفت‌آور نبات [/ گیاهان و نظامی که در زندگی آنان جریان دارد ... به تفکر در خلقت خود انسان و اسرار و رموزی که در ساختمان وجودش نهفته و ... و بدین ترتیب به تعلّم علوم طبیعی و ریاضی و فلسفی و فنون ادبی و بالاخره همه علومی که در دسترس فکر انسانی است و تعلم آنها به نفع جهان بشری و سعادت بخش جامعه انسانی می‌باشد دعوت می‌کند.

آری قرآن مجید به این علوم دعوت می‌کند به این شرط که به حق و حقیقت رهنما قرار گیرند و جهان‌بینی حقیقی را که سرلوحه آن خداشناسی می‌باشد در برداشته باشند. وگرنه علمی که انسان را سرگرم خود ساخته از شناختن حق و حقیقت باز دارد در قاموس قرآن مجید با جهل مرادف است.» «۱»

قرآن زمینه‌ساز پیدایش و رشد علوم:

همانطور که بیان شد تشویق دانش و دانشمندان، توسط قرآن، سرچشمه‌ی پیدایش و رشد بسیاری از علوم در جهان اسلام شد، بطوری که پس از دو

---

(۱). قرآن در اسلام، ص ۹۴.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۲۰

قرن تمدنی پویا و شکوفا بوجود آمد، اینک نگاهی گذرا به فهرست این علوم می‌اندازیم:

الف: علومی که قرآن به صورت مستقیم باعث پیدایش آن‌ها شده است:

در میان مسلمانان برخی علوم وجود دارد که موضوع آنها خود قرآن کریم است. یعنی بعد از نزول قرآن و در رابطه مستقیم با آن بوجود آمده و کم‌کم رشد و توسعه یافته و بصورت دانش مستقل درآمده است، که برخی از این علوم به الفاظ قرآن و برخی به معانی و معارف قرآن می‌پردازد، و در طول تاریخ در مورد هر کدام از آن‌ها کتاب‌های متعدّد نوشته شده است، از جمله:

۱. علم تجوید قرآن: که به کیفیت تلفظ حروف و حالات آن‌ها می‌پردازد و مبانی و فنون این امر را بررسی و بیان می‌کند.

۲. علم قرائات: که به ضبط قرائت‌های هفتگانه (یا دهگانه یا چهارده‌گانه) قرآن می‌پردازد و تاریخ و دلایل و قاریان آن‌ها را بیان می‌کند.

۳. دانش رسم الخط قرآن: که به قواعد نگارش خط عربی بطور عام و خط قرآن بصورت خاص می‌پردازد و اقسام خط (نسخ، کوفی و ...) و ویژگی‌های آن‌ها را بیان می‌کند.

۴. علوم قرآن: که در مورد اطلاعات مربوط به قرآن در حوزه‌ی محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، تاویل، باطن و ... می‌پردازد.

۵. فقه القرآن: دانشی که به مباحث آیات الاحکام و دیدگاه‌ها و دلایل آن‌ها می‌پردازد.

۶. علم تفسیر: دانشی که به بیان معانی و مقاصد آیات قرآن می‌پردازد و به دو صورت تفسیر ترتیبی و موضوعی انجام می گیرد و در طول تاریخ اسلام هزاران کتاب در مورد آن نگارش شده است.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۲۱

۷. علم حدیث: قرآن کریم، پیامبر اکرم (ص) را بیان کننده و مفسر قرآن معرفی می کند، «۱» از این رو سنّت ایشان نقش تفسیر قرآن را بعهده گرفت و احادیث تفسیری شکل گرفت و بعدها دهها کتاب تفسیر روائی در این زمینه نگارش یافت و روایات پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در زمینه‌ی قرآن جمع‌آوری شد. «۲»

ب: علومی که قرآن به صورت غیر مستقیم باعث پیدایش آنها شده است:

در میان مسلمانان علومی در پی تشویق قرآن به علم و یا برای فراگیری و خدمت‌رسانی به علوم دسته اول (مثل تفسیر) بوجود آمد و به مرور زمان رشد و توسعه یافت و بصورت دانش‌های مستقل پدیدار گشت؛ که در طول تاریخ اسلام کتاب‌های متعدّدی در این مورد به نگارش درآمد از جمله:

۱. علم درایه: برای بیان اصطلاحات مربوط به حدیث و تحولات آنها شکل گرفت.

۲. علم رجال: برای بیان حالات راویان و سند روایات شکل گرفت. «۳»

۳. علم کلام: دانشی که مباحث اعتقادی را بیان و از آن‌ها دفاع می کند، علم کلام اسلامی که ریشه در آیات اعتقادی و احادیث اسلامی دارد، و کم کم بصورت یک علم منسجم درآمد.

۴. علم فقه: که به استنباط قوانین شرعی از آیات الاحکام و احادیث فقهی می‌پردازد و کم کم بصورت علم مستقل و گسترده‌ای در جهان اسلام درآمد.

۵. علم اصول الفقه: که قوانین مربوط به استنباط از قرآن و حدیث را بیان می کند و در حقیقت منطق فهم آنهاست که بصورت مقدمه علم فقه نمودار شد

---

(۱). وَ أَنزَلْنا إِلَيْکَ الذِّکْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ (نحل/ ۴۴)

(۲). از جمله تفسیر عیاشی، تفسیر نور الثقلین، تفسیر البرهان، تفسیر صافی در شیعه و تفسیر الدر المنثور در اهل سنت

(۳). نک: قرآن در اسلام، علامه طباطبائی، ص ۷- ۹۶

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۲۲

اما در حقیقت مقدمه‌ی علم تفسیر و حدیث و فقه و ... است. این دانش در طول اعصار به یکی از پیشرفته‌ترین علوم مسلمانان تبدیل شد.

۶. علوم ادبی عرب: که شامل علم نحو، صرف، اشتقاق، معانی، لغت و وجوه و نظائر می‌شود. این علوم برای فهم بهتر و منضبط آیات قرآن و نیز برای تلفّظ صحیح آیات بنیان‌گذاری شد، «۱» ولی از آنجا که برای تمام علوم مفید بود و مقدمه فهم تلفظ و نوع متنی به شمار می‌آمد، به مرور بصورت علوم مستقل درآمد و میراث گرانبهایی برای ملّت عرب گردید، و دانشمندان و متخصّصان فارسی و ترکی و ... نیز از آن بهره‌مند گردیدند، و حتی بر ادبیات فارسی و ترکی و ... نیز تاثیرات مثبت گذاشت. «۲»

۷. علم تاریخ: این علم در اسلام از «قصص قرآن» و پیامبران و سیره پیامبر (ص) و احادیث شروع شد و سپس بصورت تاریخ قبل و بعد از اسلام و تاریخ جهان پدیدار شد و مورخان بزرگ و کتاب‌های تاریخ را بوجود آورد. «۳»

ج: علومی که قرآن باعث رشد آنها شده است.

برخی علوم در فرهنگ و تمدن ملت‌های مختلف وجود داشته و گاهی از یک ملّت به ملّت دیگر منتقل می‌شود و رشد و توسعه

می‌یابد و گاهی این جریان بر عکس است.

جامعه‌ی مسلمانان نیز از این قاعده مستثنی نبوده است؛ آنان برخی علوم را از یونانیان، ایرانیان و هند ترجمه کردند و بر عمق و وسعت آن‌ها افزودند، که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

---

(۱). نک: شیعه پایه‌گذار علوم اسلامی، سید حسن صدر، ترجمه سید محمد مختاری

(۲). پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، ص ۳۲۱ به بعد

(۳). نک: قرآن در اسلام، علامه طباطبائی، ص ۶- ۹۵.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۲۳

۱. فلسفه: در آغاز از یونان وارد کشورهای اسلامی شد و کم کم تحت تاثیر تفکر اسلامی قرار گرفت و تغییراتی یافت، بطوری که همه‌ی مسائل متن و براهین و ادله آنها را می‌توان در قرآن و حدیث پیدا کرد. «۱»

۲. منطق: هر چند که اصل این علم نیز از یونان به حوزه‌ی علوم مسلمانان راه یافت اما از آنجا که قرآن به برهان و استدلال و جدال نیکو «۲» و ... توجه خاص داشت، مسلمانان نیز به علم منطق توجه کردند و این علم در جامعه‌ی مسلمین پیشرفت زیادی کرد تا آنجا که کتاب‌های متعدّدی در این زمینه نگارش یافت.

۳. ریاضیات: این علم نیز با توجه به تشویق قرآن به علم در بین مسلمانان پیشرفت فراوانی کرد.

۴. علوم پزشکی: توجه قرآن به امور بهداشتی «۳» و نیز توجه احادیث به نظافت و پاکی و طهارت نقش بسزایی در توسعه و پیشرفت این علم داشت تا آنجا که بسیاری از مجهولات علم پزشکی توسط دانشمندان مسلمان کشف و تبیین گردید.

۵. کیهان‌شناسی (نجوم): قرآن کریم به ماه و خورشید و ستارگان و حرکت آن‌ها اشاره‌ی صریح دارد «۴» و از آنجا که مسلمانان برای جهت‌یابی قبله و نیز تشخیص طول ماه برای انجام فرایض دینی خود به این علم نیاز داشتند، کیهان‌شناسی در بین مسلمانان رشد زیادی یافت بطوری که رصدخانه‌های متعدّد بنا شد.

علامه طباطبایی (ره) در این زمینه می‌نویسند: «به جرئت می‌توان گفت: که عامل اصلی اشتغال مسلمانان به علوم عقلی از طبیعیات و ریاضیات و غیر آن‌ها

---

(۱). نک: قرآن در اسلام، علامه طباطبائی، ص ۹۷

(۲). نک: نحل/ ۱۲۵

(۳). نک: اعراف/ ۳۱ و ۱۷۵، انعام/ ۱۴۵، مائده/ ۱ و ۶ و ..

(۴). نک: یس/ ۳۸، رعد/ ۲، نمل/ ۸۹ و ..

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۲۴

بصورت نقل و ترجمه در آغاز کار و به نحو استقلال و ابتکار در سرانجام همان انگیزه فرهنگی بود که قرآن مجید در نفوس مسلمانان فراهم کرده بود.» «۱»

یادآوری ۱: البته در این مورد علوم و فنون دیگری نیز تحت تاثیر قرآن به وجود آمد و رشد و توسعه یافت که ذکر همه آن‌ها از حوصله‌ی این نوشتار خارج است.

یادآوری ۲: جهت مطالعه بیشتر در این زمینه به کتاب‌های ذیل مراجعه فرمایید:

۱. پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، وزارت امور خارجه.

۲. علوم اسلامی و نقش آن در تحول علمی جهان، آلدو میه‌لی، ترجمه محمدرضا شجاع رضوی و دکتر اسد اللّه علوی، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

۳. تاریخ التمدن اسلامی، جرجی زیدان.

۴. شیعه پایه‌گذار علوم اسلامی، سید حسن صدر، ترجمه محمد مختاری.

۵. کارنامه اسلام، دکتر عبد الحسین زرین کوب.

۶. علل پیشرفت و انحطاط مسلمین، زین العابدین قربانی.

---

(۱). قرآن در اسلام، ص ۹۸.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۲۵

پرسش:

آیا قرآن کتاب علمی است و آیا همه‌ی علوم بشری در قرآن وجود دارد؟

پاسخ:

در این مورد سه دیدگاه عمده وجود دارد که بصورت مختصر بدانها اشاره می‌کنیم و دلایل آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

دیدگاه اول: همه علوم بشری در قرآن وجود دارد:

این اندیشه برای اولین بار در کتاب «احیاء العلوم» و «جواهر القرآن» ابو حامد غزالی (م ۵۰۵ ق) مطرح شده است. او سعی کرد نشان دهد همه‌ی علوم را می‌توان از قرآن استخراج کرد. او می‌نویسد:

«پس علوم، همه آنها در افعال و صفات خدا داخل است و خداوند در قرآن، افعال ذات و صفات خود را توضیح می‌دهد و این علوم بی‌نهایت است و در قرآن به اصول و کلیات (مجامع) آنها اشاره شده است.» «۱»

سپس ابو الفضل المرسی (۶۵۵- ۵۷۰ ق) صاحب کتاب «التفسیر» این دیدگاه را بصورت افراطی می‌پذیرد و می گوید: «همه‌ی علوم اولین و آخرین در قرآن وجود دارد.» «۲»

آنگاه بدر الدین زرکشی (م ۷۶۴ ق) در «البرهان» این نظریه را می‌پذیرد. «۳»

---

(۱). احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۸۹، چاپ دار المعرفه، بیروت

(۲). ر. ك: التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۷۸- ۴۸۲

(۳). البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۸۱، چاپ دارالمعرفه، بیروت.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۲۶

و پس از او جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱ ق) در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» و «الاکلیل فی استنباط التنزیل» با پذیرفتن دیدگاه‌های غزالی و المرسی آن را تقویت می‌کند. «۱»

و مرحوم فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ ق) هم در مقدمه‌ی تفسیر «صافی» این دیدگاه را به صورت خاصی در قسمتی از علوم می‌پذیرد. «۲»

این دیدگاه در عصر جدید هم با پیشرفت علوم تقویت شد و کسانی مثل طنطاوی جوهری (متولد ۱۸۶۲ م) در تفسیر مشهور «الجواهر فی تفسیر القرآن» سعی کرد تا بسیاری از علوم جدید را به قرآن نسبت دهد.

و جدیدترین تمایل نسبت به این نظریه از طرف شخصی بنام رضا نیازمند در سال گذشته (۱۳۷۵ ش) اظهار شد که در مقاله‌ای نوشت:

«کسی که قرآن را قبول داشته باشد، باید قبول کند که مطالب آن شامل کلیه علوم هم هست و در آن هر چیز بر اساس دانش تفصیل داده شده است.» «۳»

دلایل دیدگاه اول:

۱. ظاهر برخی آیات قرآن دلالت بر این دارد که همه چیز در قرآن وجود دارد. مثل: «نَزَّلْنا عَلَيْكَ الْكِتابَ تِبْياناً لِكُلِّ شَيْءٍ» «۴» «و کتاب را بر تو نازل کردیم در حالی که بیان کننده هر چیز است.»

۲. آیاتی که اشاره به علوم مختلف می‌کند.

برای مثال: آیه‌ای که از حساب سخن می‌گوید اشاره به علوم ریاضی دارد. «وَ كَفى بِنا حاسِبِينَ» «۵»

---

(۱). الاکلیل فی استنباط التنزیل، ص ۲ و الاتقان، ج ۲، ص ۲۸۲ ۲۷۱، دار الکتب العلمیه، بیروت

(۲). تفسیر صافی، ج ۱، ص ۵۷

(۳). مجله بینات، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۲۱، تابستان ۱۳۷۵ ش

(۴). نحل/ ۸۹

(۵). انبیاء/ ۴۷.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۲۷

و از آیه «رَفِيعُ الدَّرَجاتِ» «۱» با حساب ابجد ۳۶۰ درجه بودن درجات دایره در هندسه استخراج می‌شود.

و علم پزشکی از آیه «وَ إِذا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ» «۲» بدست می‌آید.

۳. روایاتی که دلالت می‌کند همه علوم در قرآن کریم وجود دارد.

برای مثال: از امام باقر (ع) روایت شده که فرمودند: «ان اللّه تبارك و تعالى لم يدع شيئاً تحتاج اليه الامه الا نزله فى كتابه و بيّنه لرسوله» «۳»

«خداوند تبارک و تعالی هیچ چیزی را که مردم به آن محتاج باشند، فرو گذار نکرده است مگر آنکه آنها را در قرآن، نازل فرمود و برای پیامبر (ص) بیان کرده است».

۴. دلیل دیگر بر وجود همه‌ی علوم در قرآن، مسأله بطون آن است که در روایات متعددی وارد شده که قرآن دارای بطون مختلف است. «۴»

غزالی در «احیاء العلوم» به همین مطلب استشهاد کرده و تعداد علوم قرآن را تا هفتاد و هفت هزار و دویست علم ذکر کرده است. و بعد می‌گوید: این عدد چهار برابر می‌شود، چون هر کلمه ظاهر و باطن دارد و حد و مطلع دارد. «۵»

تذکر: دلایل این دیدگاه را در هنگام ذکر دلایل دیدگاه دوم و سوم مورد بررسی و نقد قرار می‌دهیم.

دیدگاه دوم: قرآن فقط کتاب هدایت و دین است و برای بیان مسائل علوم تجربی نیامده است.

---

(۱). غافر/ ۱۵

(۲). شعراء/ ۸۰

(۳). نور الثقلین، ج ۲، ص ۷۴

(۴). بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۹۵

(۵). احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۸۹.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۲۸

این دیدگاه را می‌توان از سخنان برخی از صاحب نظران و مفسران استفاده کرد.

برای مثال ابو اسحاق شاطبی (م ۷۹۰ ق) که اولین مخالف با نظریه غزالی و المرسی بود می‌گوید:

«قرآن برای بیان احکام آخرت و مسائل جنبی آن آمده است.» «۱»

نویسندگان تفسیرهای «مجمع البیان» و «کشاف» نیز می‌نویسند:

«منظور از بیان همه چیز در قرآن، مسائل مربوط به هدایت و دین است.» «۲»

تذکر ۱: دلایل این دیدگاه همراه با دیدگاه سوم بیان می‌شود.

تذکر ۲: سخنان این بزرگان قابل توجیه و تأویل است و نمی‌توان گفت که آنان متمایل به دیدگاه سوم نبوده‌اند. و گر نه ظاهر سخن آنان با ظواهر آیات قرآن ناسازگار است؛ چرا که در قرآن احکام و حدود و حتی قوانین ارث و دستورات جنگ و حکومت و اقتصاد و ... بیان شده است که مربوط به دنیای مردم است. «۳»

دیدگاه سوم: دیدگاه تفصیل؛ یعنی از طرفی همه علوم بشری در ظواهر قرآن وجود ندارد و هدف اصلی قرآن نیز هدایت‌گری بشر به سوی خداست. و از طرفی دیگر قرآن کریم دعوت به تفکر و علم می‌کند و برخی از مثال‌ها و مطالب علمی صحیح و حق را بیان می‌کند که بیانگر اعجاز علمی قرآن است.

دلایل و شواهد: در اینجا دلایل این دیدگاه را همراه با ردّ دلایل دیدگاه اول بیان می‌کنیم:

۱. قرآن کتاب هدایت، اخلاق، تربیت و دین است و انسان‌ها را به سوی فضیلت‌ها و خداشناسی هدایت می‌کند. بنا بر این ضرورتی ندارد که قرآن، همه‌ی

---

(۱). الموافقات، ج ۲، ص ۷۶- ۷۹ به نقل از التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۸۵

(۲). طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۸۹ و زمخشری، کشاف، ج ۲، ص ۶۲۸

(۳). آیات مربوط به آیات الاحکام حدود پانصد آیه است که در کتابهائی تحت همین عنوان جمع آوری شده است.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۲۹

مسائل علوم تجربی، عقلی و نقلی را با تفصیلات و فرمول‌های آنها، بیان کند. هر چند این موارد گاهی اشارات حق و صادقی دارد. این مطلب مورد تأکید مفسّران قدیمی «۱» و صاحب‌نظران معاصر «۲» است.

۲. ظهور آیاتی که می‌فرماید: «همه چیز در قرآن است» قابل اخذ نیست چرا که:

اوّلًا: این ظهور بر خلاف بداهت است و بسیاری از فرمول‌های شیمی و فیزیک در قرآن کریم نیست.

ثانیاً: ظهور این آیات مورد انکار صریح برخی از مفسّران قرار گرفته است و گفته‌اند که منظور وجود چیزهایی است که در هدایت انسان لازم است و اینها در قرآن وجود دارد. «۳» (کل شیء/ امور دینی)

ثالثاً: لفظ «کتاب» در آیات مورد بحث «نَزَّلْنا عَلَیْکَ الْکِتابَ تِبْیاناً لِکُلِّ شَیْءٍ» «۴» ممکن است به چند معنا باشد: «قرآن کریم، لوح محفوظ، اجل، علم خدا، امام مبین» «۵» پس نمی‌توان گفت: که حتماً مراد قرآن است و همه چیز در آن است.

و همین اشکال در مورد روایاتی که مورد استناد واقع شده بود نیز وارد است.

رابعاً: این آیات با دلیل عقل (قرینه لبّی) تخصیص می‌خورد و محدود می‌شود. چون عقل انسان حکم می‌کند که قرآن در مورد

هدف خود (هدایت معنوی انسان) بیان همه چیز باشد نه در اموری که خارج از حوزه‌ی هدف اوست.

---

(۱). ر. ک: مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۹۸ و کشاف، ج ۲، ص ۶۲۸

(۲). ر. ک: المیزان، ج ۱۴، ص ۳۲۵ و استاد مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۲۲۹ و تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۶۱- ۳۶۲

(۳). ر. ک: تفسیر القرآن الحکیم (معروف به المنار)، ج ۷، ص ۳۹۵ و تفسیر الجواهر، طنطاوی، ج ۸، ص ۱۳۰ و التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۸۹

(۴). نحل / ۸۹

(۵). ر. ک: مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۹۸ و ج ۶، ص ۳۸۰ و کشاف، ج ۲، ص ۶۲۸ و المیزان، ج ۱۴، ص ۳۲۵ و تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۸۱ و ...

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۳۰

۳. آیاتی از قرآن که اشاراتی به علوم طبیعی دارد هدف آنها کشف فرمولهای هندسه و شیمی و ... نیست؛ بلکه این اشارات بطور استطرادی و حاشیه‌ای این مباحث را مطرح کرده است. یعنی صرفاً ذکر مثال (البته حق و واقعی) است و هدف آن، آموزش علوم نیست.

علاوه بر آنکه برخی از آیاتی که مورد استشهاد طرفداران دیدگاه اوّل قرار گرفت از لحاظ موازین تفسیری قابل نقد است برای مثال: آیه «رَفِیعُ الدَّرَجاتِ» ربطی به درجات دایره ندارد. و حمل آیات بدون قرینه عقلی یا نقلی معتبر بر یک مطلب، موجب تفسیر به رأی می‌شود.

۴. مسأله بطون قرآن و علم أئمه (ع) از مورد بحث ما خارج است. چون موضوع بحث این است که آیا همه‌ی علوم بشری را می‌توان از ظواهر قرآن استخراج کرد یا نه؟

جمع بندی و نتیجه گیری:

بنا بر آنچه بیان کردیم به این نتیجه می‌رسیم که ظاهر آیات قرآن، بر تمام علوم بشری (با تمام فرمول‌ها و جزئیات آن) دلالت ندارد.

بلی در قرآن، اشاراتی به بعضی از علوم و مطالب علمی شده است که استطرادی و عرضی است ولی همه‌ی علوم بالفعل در قرآن مذکور نیست و آیاتی که در این زمینه است (مثل آیه ۸۹ سوره نحل و ۳۸ و ۵۹ سوره انعام) دلالت بر این دارد که تمام احتیاجات دینی و هدایتی مردم، در قرآن به طور تفصیل یا مجمل ذکر شده است. «۱»

---

(۱). برای اطلاعات بیشتر در این زمینه و بررسی تفصیلی دلایل طرفین ر. ک: در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، انتشارات اسوه، ۱۳۷۵ ش، قم.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۳۱

پرسش:

بهترین راه برای جمع بین علم و ایمان چیست؟

بطوری که نه از ساحت علم کم شود و نه از ساحت معرفت (دینی و معنویت)، چه پیشنهادی می‌کنید؟

پاسخ:

قرآن کریم همانطور که به معنویت و تعالی اعتقادی، روحی و اخلاقی انسان توجه دارد، به دانش افزایی بشر نیز توجّه کرده است. در قرآن کریم بیش از هفتصد بار ماده علم به کار رفته و بیش از هزار آیه به مباحث کیهان‌شناسی، پزشکی، زیست‌شناسی و ... اشاره دارد. که گاهی در حد اعجاز علمی مطرح شده است. «۱»

قرآن کریم علم آموزی را هدف آفرینش انسان معرفی می کند «۲» و دانشمندان و مومنان را برتر از دیگران می‌داند. «۳»

بنابراین قرآن کریم انسان را به جمع بین علم و ایمان، دانش و معنویت فرا می‌خواند و بین این دو مقوله تعارض و تضادی نمی‌بیند.

اما گاهی افراد، قلمرو دین و علم را به خوبی نمی‌شناسند یا رعایت نمی کنند، از این رو جمع بین آنها مشکل می‌نماید یا به توهم تعارض منتهی می‌شود.

---

(۱). نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی، انتشارات مبین

(۲). طلاق/ ۱۲

(۳). مجادله/ ۱۱.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۳۲

راهکارها:

جداسازی قلمرو علم و دین «۱» بهترین راهکار برای جلوگیری از چالش‌هاست. یعنی بدانیم که:

الف: پژوهش در حوزه طبیعت، مخصوص علم است و همگان باید به نتایج پژوهش‌های تجربی (که به حد قطعیات می‌رسد) احترام بگذارند.

ب: حوزه‌ی ماوراء طبیعت مثل خدا و فرشتگان و ... مخصوص حوزه‌ی دین است و حواس طبیعی بشر بصورت عادی راهی به سوی آنها ندارند، بنابراین اطلاعات بشر در این زمینه از راه علوم نقلی (مثل وحی قرآنی و احادیث) بدست می‌آید.

ج: حوزه‌ی انسان از جهتی موضوع پژوهش‌های تجربی و از جهتی موضوع احکام دینی است (البته در برخی موارد طبیعت نیز این گونه است)

برای مثال: جسم انسان موضوع تحقیقات پزشکی است ولی احکام و مقررات عبادی برای تعالی روحی بشر موضوعی دینی است. در این موارد نیز لازم است جهت گیری دین و علم کاملًا مشخص و متمایز و روشن شود تا از تداخل و تعارض جلوگیری گردد.

به عبارت دیگر دین در برخی موارد کلی قوانینی دارد که از طرف خالق بشر مقرّر شده پذیرش و احترام رعایت این قوانین موجب سعادت بشر است.

ولی راهکارهای اجرایی آنها توسط کارشناسان و متخصصان علوم مختلف تعیین می گردد.

---

(۱). نک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی، انتشارات اسوه.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۳۳

برای مثال: حفظ جان انسان از نظر دینی واجب است. اما راهکار علمی آن توسط پزشکان و متخصصان زیست محیطی و ... بیان می‌شود و نیز در امور سیاسی و تربیتی و اجتماعی و اقتصادی نیز دین اسلام خطوط کلی را مطرح کرده است که رعایت آنها سعادت انسان را تضمین می‌سازد مثل حرمت ربا در اقتصاد، حقوق والدین و فرزندان و زن و شوهر، حقوق شهروندان نسبت به همدیگر و ممنوعیت ظلم. لزوم نصب رهبران جامعه از طریق الهی و ...

به عبارت دیگر انسان دارای دو بعد جسمی و روحی است که برای هر یک هدف و سعادت و سیر تکاملی وجود دارد که قوانین و

مقررات و لوازم خاص خویش را می‌طلبد.

علوم بشری می‌تواند سعادت بعد جسمانی بشر را تا حدودی تامین سازد و دین، سعادت بعد روحی و معنوی بشر را تامین می‌کند و این دو با همدیگر تعارض ندارند.

البته گاهی اتّفاق می‌افتد برخی انسان‌ها از قدرت خود و طبیعت و علم بر ضد سعادت کل بشریت استفاده می‌کنند و دین در این موارد قوانین بازدارنده‌ای را تنظیم کرده است تا از تباهی و هلاکت بشریت جلوگیری کند.

برای مثال: نیروی هسته‌ای یکی از نعمت‌های الهی است که می‌توان از آن در خدمت بشریت برای تولید نیروی برق یا پزشکی هسته‌ای استفاده کرد. امّا برخی انسان‌های قدرت طلب از آن برای تولید سلاح هسته‌ای و کشتار انسان‌ها استفاده می‌کنند؛ دین با این پدیده‌ی شوم مخالف است چون بشریت را به سوی هلاکت می‌کشاند.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۳۴

البته عدم رعایت قلمرو علم و دین در طول تاریخ، ضربه‌ها و زیان‌های زیادی برای بشریت بوجود آورده است که نمونه‌ی آن را در قرون وسطی در اروپا می‌بینیم. «۱»

البته در تاریخ اسلام معمولًا علم و دین سازگاری دارند و همین مطلب عامل پیشرفت سریع مسلمانان در چند قرن اولیّه ظهور اسلام شد. «۲»

---

(۱). نک: رابطه علم و دین، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

(۲). نک: پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی، دکتر علی اکبر ولایتی.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۳۵

پرسش:

آیا در قرآن پیشگویی‌هایی وجود دارد که تحقق نیافته باشد؟

پاسخ:

قرآن کریم کتاب هدایت بشر به سوی خداست و کتاب پیشگویی نیست. امّا در راستای هدایت قرآنی، برخی از آیات قرآن به وقایع آینده بشریت اشاره دارد. که این آیات گاهی در حد رازگویی و نوعی اعجاز بشمار می‌آیند. این آیات به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف: پیشگویی‌ها و رازگویی‌هایی که در قرآن آمده و بعداً تحقّق یافته است.

برای مثال: وقتی در زمان پیامبر (ص) خبر پیروزی ایرانیان بر رومیان آمد، آیات آغازین سوره‌ی روم نازل شد و از شکست ایرانیان در آینده‌ی نزدیک خبر داد و این جریان پس از چند سال اتّفاق افتاد و این رازگویی اعجازآمیز قرآن ثابت شد. «۱»

«غُلِبَتِ الرُّومُ فِی أَدْنَی الْأَرْضِ وَ هُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَیَغْلِبُونَ فِی بِضْعِ سِنِینَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ وَ یَوْمَئِذٍ یَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ»

« (سپاه) روم در نزدیک‌ترین سرزمین شکست خورد؛ و [لی آنان بعد از شکستشان در [ظرف چند سال بزودی پیروز خواهند شد. کار [ها] قبل از

---

(۱). نک: تفسیر مجمع البیان، نور الثقلین، ابو الفتوح رازی، فخررازی، المیزان، ذیل آیه ۲- ۴/ روم و نمونه، ج ۱۶، ص ۳۶۵.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۳۶

(آن شکست)، و بعد از (این پیروزی)، فقط از آن خداست؛ و در آن روز مومنان از یاری الهی (و پیروزی دیگری) شاد می‌شوند.»

مثال دیگر: پیامبر پیروزی مسلمانان را بر مشرکان مکه در خواب دید و به مردم خبر داد سپس آیه‌ای در مورد آن نازل شد و این مطلب واقع شد و مسلمانان وارد مسجد الحرام شدند. «۱»

این مطلب در آیه ۷- ۲ سوره‌ی فتح آمده و پیشگویی کرد که خواب پیامبر تحقّق خواهد یافت، و این رازگویی اعجاز آمیز نیز محقّق شد.

«لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرامَ إِنْ شاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُسَكُمْ وَ مُقَصِّرِينَ لا تَخافُونَ فَعَلِمَ ما لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذلِكَ فَتْحاً قَرِيباً» «۲»

«بیقین خدا به فرستاده‌اش در خواب بحق راست گفت که اگر خدا بخواهد قطعاً با امنیت وارد مسجد الحرام می‌شوید درحالی‌که سرهایتان را تراشیده و (یا) کوتاه کرده‌اید (و از کسی) نمی‌ترسید؛ و (خدا) می‌دانست آنچه که نمی‌دانستید؛ و جز این، پیروزی نزدیکی (برای شما) قرارداده است.»

ب. پیشگویی‌های قرآن که هنوز واقع نشده است.

در این مورد چند مثال بیان می‌کنیم:

مثال اول: پیش‌گویی پیروزی نهایی دین اسلام بر همه‌ی ادیان:

«هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ»* «۳»

«او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند؛ و گر چه مشرکان ناخشنود باشند.»

---

(۱). نک: مجمع البیان ذیل آیه ۲۷/ فتح و صافی، ج ۵، ص ۳۳ و نمونه، ج ۲۲، ص ۱۰۳- ۱۰۲

(۲). فتح/ ۲۷

(۳). توبه/ ۳۳.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۳۷

مشابه این آیه در سوره فتح/ ۲۸ و صف/ ۹ آمده است.

ولی این پیشگویی قرآن هنوز واقع نشده است و در احادیث حکایت شده که این پیروزی نهایی اسلام در زمان امام مهدی (عج) تحقّق خواهد یافت. «۱»

مثال دوم: پیش‌گویی دو سرکشی بزرگ یهود در طول تاریخ:

در آیات قرآن در مورد یهودیان (بنی اسرائیل) این‌گونه آمده است:

«وَ قَضَیْنا إِلی بَنِی إِسْرائِیلَ فِی الْکِتابِ لَتُفْسِدُنَّ فِی الْأَرْضِ مَرَّتَیْنِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا کَبِیراً. فَإِذا جاءَ وَعْدُ أُولاهُما بَعَثْنا عَلَیْکُمْ عِباداً لَنا أُولِی بَأْسٍ شَدِیدٍ فَجاسُوا خِلالَ الدِّیارِ وَ کانَ وَعْداً مَفْعُولًا. ثُمَّ رَدَدْنا لَکُمُ الْکَرَّةَ عَلَیْهِمْ وَ أَمْدَدْناکُمْ بِأَمْوالٍ وَ بَنِینَ وَ جَعَلْناکُمْ أَکْثَرَ نَفِیراً» «۲»

«و در کتاب (تورات) به بنی اسرائیل (/ فرزندان یعقوب) اعلام کردیم که: قطعاً دو بار در [روی زمین فساد خواهید کرد، و حتماً با سرکشیِ بزرگی برتری خواهید نمود.

و هنگامی که نخستین وعده (از آن) دو فرا رسد، (گروهی از) بندگان سخت نیرومند (و جنگ آور) مان را بر شما بشورانیم، و میان خانه‌ها (یتان برای سرکوبی شما) به جستجو در آیند؛ و [این و عده‌ای واقع شده است.

سپس دوباره، (پیروزیِ) بر آنان را به شما باز گردانیم، و شما را بوسیله اموال و پسران امداد رسانیم، و نفرات شما را بیشتر (از

دشمن) قرار دهیم.»

در این آیات به دو سرکشی عظیم یهود در طول تاریخ اشاره شده است که برخی موارد سرکوب شد و سرکشی دوم را برخی مفسّران همین تسلط مجدد یهود بر بیت المقدس می‌دانند که بوسیله‌ی مسلمانان سرکوب خواهد شد. ولی هنوز واقع نشده است. «۳»

---

(۱). نک: تفاسیر قرآن ذیل آیه ۲۸/ فتح و ۳۳/ توبه و ۹/ صف از جمله تفسیر صافی، نمونه و ..

(۲). اسراء/ ۴- ۶

(۳). نک: نمونه، ج ۱۲، ص ۳۰ (البته در مورد این آیه تفاسیر دیگری نیز حکایت شده است)

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۳۸

مثال دیگر: نظریه‌پردازی‌های قرآن در مورد گسترش جهان در سوره‌ی ذاریات/ ۴۷ و مانند آن است، که هنوز دانشمندان به این مطالب علمی قرآن بطور کامل دست نیافته‌اند.

مثال دیگر: مساله‌ی رجعت است که از برخی آیات (مثل آل عمران/ ۸۱ و ۸۲ و نساء/ ۱۵۹ و ... و انعام/ ۱۵۸ و اعراف/ ۱۲۸ و ...) و روایات استفاده می‌شود «۱» که در آن زمان مومنان خالص دوباره زنده می‌شوند «۲» ولی هنوز تحقّق نیافته است.

---

(۱). نک: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۱ و برهان ج ۱، ص ۲۹۵ و نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۵۹ و بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۱ و ۵۰ و ۶۱. و نیز مجمع البیان برهان و صافی و قمی ذیل آیات فوق الذکر

(۲). نک: همان‌ها و نیز کتاب رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی (ع)، محمد خادمی.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۳۹

پرسش:

در تعارض قرآن و علم چه کنیم؟

پاسخ:

یکی از دغدغه‌های اندیشمندان سازگاری یا ناسازگاری بین منابع متعدّد معرفتی است که از آن جمله، ناسازگاری یا سازگاری بین «علم و دین» است.

به نظر می‌رسد حل مسئله‌ی تعارض «علم و دین»، پاسخی به راه حل تعارض «قرآن و علم» هم خواهد بود، ولی به جهت رعایت اختصار و تمرکز بر این پرسش، به طور مستقیم به راه کارهای تعارض زدایی قرآن و علم می‌پردازیم.

ابتدا لازم است نکاتی را مورد توجه قرار دهیم تا زودتر به پاسخ برسیم:

نکات:

اوّل: با توجّه به آنکه قرآن، کلام خداوندی و آفریننده‌ی جهان است، میان قرآن و علم تعارض واقعی رخ نمی‌دهد. زیرا خدای جهان به آنچه آفریده است آگاهی دارد و برای اطلاع رسانی از حقایق هستی، شناخت کافی دارد و قرآن که کلام الهی است برای هدایت و آگاه نمودن انسان به حقایق هستی می‌باشد.

در نتیجه آنچه در قرآن آمده از اتقان و واقعیت برخوردار است و با واقعیات جهان ناسازگاری ندارد. به عبارت دیگر «کتاب تشریع» و «کتاب تکوین» (جهان) هر دو از یک آفریننده است و بر یکدیگر مطابقت دارد.

چنانکه گالیله نیز به همین نکته اشاره کرده و گفته است: هم آیات کتاب مقدس و هم آیات طبیعت، هر دو کلمةالله‌اند، و ایان

باربور در ادامه‌ی سخن

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۴۰

گالیله می‌نویسد: گالیله طبیعت و متن مقدس را، دو راه همطراز و رهنمون به خدا می‌دانست. «۱»

دوم: قرآن که نازل شده از علم نامتناهی خداست- علمی که هیچ خطا و تغییری در آن راه ندارد- بدون هیچ تحریفی به دست انسان‌ها رسیده است. بنابراین همان گونه که علم خالق هستی با واقعیات مطابق و هماهنگ است، قرآن نیز با واقعیات ناسازگار نخواهد بود. البته مسئله‌ی تحریف ناپذیری قرآن که از مسلمات اسلام است در جای خود مورد تحلیل قرار گرفته است. «۲»

سوم: علم، کاربردهای متعددی دارد یکی از معانی «علم» عبارت است از: دانش‌های مطابق با واقع که از هر گونه خطا دورند.

اگر مراد از «علم» در «تعارض قرآن با علم» این معنا باشد با توجه به آنچه در دو نکته‌ی پیشین گذشت، هیچ گاه میان قرآن و علم صحیح، تعارض رخ نمی‌دهد.

از آنجا که قرآن دارای مصونیت از تحریف است و نازل از علم الهی و مصون از خطاست، با علم صحیح هماهنگ و سازگار خواهد بود.

البته یکی از معانی «علم»، عبارت است از دانش‌های تجربی بشر است که در این صورت امکان تعارض میان قرآن و علم وجود دارد.

علم به معنای «دانش تجربی بشر» از آن رو که برخاسته از حواس و فعالیت سایر ابزارهای معرفتی آدمی است گاهی دچار خطا می‌شود که تحولات دانش بشری و بطلان پاره‌ای از نظریه‌ها یا مدل‌های علمی، شاهد خوبی بر این ضعف است.

---

(۱). ایان باربور، علم و دین، مترجم: بهاء الدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲، ص ۳۶

(۲). نک: مصونیت قرآن از تحریف، محمد هادی معرفت، مترجم، محمد شهرابی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶، چ اول، همچنین: سلامه القرآن من التحریف، فتح الله المحمدی (نجارزادگان)، ۱۴۲۴ ه-.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۴۱

نتیجه آنکه تعارض میان قرآن با دانش تجربی بشر، تعارضی ظاهری و زدودنی است و می‌توان به امکان رفع تمامی تعارضات علمی با قرآن قائل بود. البته رفع این تعارضات و حل آنها راه کارهایی دارد و نمی‌توان بدون ضابطه به این کار اقدام کرد. که راهکارهای چگونگی رفع تعارض قرآن با علم را خواهیم گفت.

چهارم: هر چند قرآن نازل از علم الهی و مصون از تحریف است اما در اینجا با فهم قرآن و تفسیر قرآن روبرو هستیم.

مفسران و مخاطبان قرآن، در فهم محکمات قرآنی و نصوص قرآنی همداستان هستند و در این موارد خطا رخ نمی‌دهد و مسلمات قرآنی که بسیارند کاملا- قابل اطمینان خواهند بود اما در کنار آیات محکم و نصوص قرآنی، متشابهات و ظواهر قرآنی نیز وجود دارد، که گاه به دلیل خطا در فهم آنها، ممکن است به تفسیری نادرست یا درکی اشتباه مبتلا شویم.

البته برای اینکه به این مشکل و اشتباه دچار نشویم، راه کارهایی وجود دارد که کتاب و سنت به آن پرداخته‌اند و ما نیز بدان اشاره قرار خواهیم کرد.

با توجه به این نکته‌ی سوم ممکن است ناسازگاری «قرآن و علم» تصوّر شود و باید توجّه داشت که در واقع این ناسازگاری ناشی از فهم قرآنی ما و علم بشری است.

در این گونه موارد باید میان فهم قطعی ما از نصوص قرآنی و فهم ظنی ما که از ظواهر آیات پیدا شده، فرق نهاد و با هر یک به گونه‌ای دیگر برخورد کرد.

چگونگی برخورد با این موارد را متذکر خواهیم شد.

از این سه نکته می‌توان نتیجه گرفت که میان علم واقعی و قرآن هیچ گاه تعارضی ندارد بلکه گاه تعارض میان علم تجربی بشر و برداشت ما از معارف قرآنی رخ می‌دهد و از این رو تعارض ظاهری، زدودنی است که برای رفع این تعارضات می‌توان به شرح ذیل عمل نمود:

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۴۲

راههای رفع تعارض قرآن و علم:

برای رفع تعارض باید بین مسلّمات علمی و فرضیات و نظریات علمی فرق نهاد. اگر معرفت قرآنی ما با مسلمات علمی قرآنی ناسازگار باشد؛ می‌توان در ظاهر آیات بازاندیشی کرد، چون علم قطعی قرینه‌ی فهم آیات است و علم قطعی، بر ظن مقدم است بنابراین می‌توان متناسب با مورد تعارض، یکی از دو راه زیر را برگزید:

۱. تصرف لفظی در آیات:

مفسر گرانسنگ علامه طباطبایی (ره) در مواردی که میان ظاهر برخی آیات و یافته‌های علمی ناسازگاری رخ داده است از این روش استفاده کرده‌اند؛ برای نمونه می‌توان به تفسیر ایشان در ذیل آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی نوح اشاره کرد: «وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِساطاً»

در گذشته اخترشناسان به مسطح بودن زمین معتقد بودند و کروی بودن آن را باور نداشتند.

به پیروی از آنها مفسران قرآن نیز جهت نشان دادن سازگاری قرآن با این دیدگاه به این آیه‌ی شریفه استدلال می‌کردند و حتی برخی مانند فخررازی از براهین عقلی جهت اثبات کروی نبودن زمین در تفسیر آیه شریفه استفاده می‌کردند ولی پس از چند قرن که کروی بودن زمین اثبات گردید و نادرستی دیدگاه مسطح بودن زمین آشکار گردید، برخی آیه‌ی شریفه را ناسازگار با علم جدید خواندند.

نخستین راه حل علامه برای رفع این ناسازگاری، تصرف در ظاهر آیه‌ی مذکور است، در آیه «یک «کاف تشبیه» در تقدیر می‌گیرد و می‌نویسد:

«مراد از بساط، کالبساط می‌باشد. خداوند می‌خواهد بفرماید: زمین را مثل فرش برای شما گستراندیم تا بتوانید به آسانی در آن گردش کنید و از ناحیه‌ای

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۴۳

به ناحیه‌ی دیگر منتقل شوید. نه اینکه مراد این باشد که «زمین را مسطح آفریدیم.» تا با دیدگاه کروی بودن زمین ناسازگار باشد. «۱»

۲. تصرف معنوی:

یکی دیگر از راه کارهای رفع تعارض، بازنگری در معنای آیه می‌باشد. که با مسلّمات علمی در تعارض قرار گرفته است.

علامه طباطبایی (ره) گاه از این روش نیز استفاده کرده است چنانکه در تفسیر آیات ۱۵ و ۱۶ سوره‌ی نوح می‌فرماید: «أَ لَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَماواتٍ طِباقاً وَ جَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُوراً وَ جَعَلَ الشَّمْسَ سِراجاً» دیدگاه زمین مرکزی، از یافته‌های اخترشناسی کهن به شمار می‌رود. براساس این دیدگاه، بسیاری گمان می‌کردند کره‌ی ماه، همه‌ی آسمان را نور می‌دهد و این آیات شریفه را شاهد آن ذکر می‌کردند ولی پس از آن که دیدگاه زمین مرکزی باطل گردید و خورشید مرکزی جایگزین آن گردید و کهکشان‌های دور دست، یکی پس از دیگری شناسایی شدند و معلوم شد که کره‌ی ماه نمی‌تواند تمام آسمان‌ها را نور بدهد، آیه‌ی مذکور با دستاوردهای جدید ناسازگار تلقّی شد و از همین رو علامه برای رفع این ناسازگاری در معنای آیه تصرّف می‌نماید

و می‌نویسد:

«منظور آیه‌ی شریفه این است که: ماه در ناحیه‌ی آسمان‌ها قرار دارد، نه این که همه آسمان‌ها را نور می‌دهد؛ مثل این که ما می‌گوییم: در این خانه‌ها یک چاه آب هست، با این که چاه در یکی از آنهاست ولی می‌گوییم:

«در این خانه‌ها»؛ زیرا وقتی در یکی از آنها باشد مانند این است که در همه باشد.

مثال دیگر: مانند این که می‌گوییم من به میان بنی تمیم رفتم، با اینکه به خانه بعضی از آنها رفته‌ام.» «۲»

---

(۱). طباطبایی، محمدحسین، المیزان، قم، موسسه اسماعیلیان، ج ۲۰، ص ۳۳

(۲). همان، ج ۲۰، ص ۳۳.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۴۴

یادآوری:

۱. البته باید توجّه داشت که اوّلًا از آنجا که علم ظنی است و گاه ممکن است حتّی آنچه در علم مسلّم شمرده شده است؛ خطا بودنش آشکار شود. از این رو نباید این تفسیر را برای ظاهر قرآن تفسیری قطعی برشمرد چنانکه نباید مرعوب علم گشت و مسلمات علمی را قطعی پنداشت.

۲. و از طرفی تصرف در ظاهر آیات الهی باید با ضابطه و روشمند باشد و بی‌ضابطه نمی‌توان در معانی آیات قرآن تصرّف کرد.

۳. علم ظنی و ظواهر قرآن:

این دو گونه تصرف در صورتی بود که ما با مسلمات علمی که اطمینان‌آور است مواجه باشیم، ولی اگر قرآن با فرضیه‌ها یا نظریات نامسلّم علمی ناسازگاری نمود در این صورت نباید در ظاهر آیات تصرّفی کرد، بلکه این فرضیات و نظریات، به خاطر عدم اعتبار علمی و ظنی بودنشان، نمی‌توانند مخالف جدی آیات به شمار آیند.

برای مثال در قرآن سخن از هفت آسمان آمده است. (بقره/ ۲۹ و ...)

ولی علوم کیهان‌شناسی یک آسمان را شناسائی کرده‌اند.

آیا می‌توان گفت که نظریه یک آسمان نفی آیات هفت آسمان است؟ خیر، زیرا نظریه‌ی یک آسمان، تئوری ظنی است که قطعی نشده و وجود آسمان‌های دیگر را نفی نمی‌کند. پس نمی‌توان از ظاهر آیات دست برداشت.

بنابراین تحوّل‌پذیری علم، و ظنی بودن آن، موجب می‌شود که ما نتوانیم به علم اطمینان کامل کنیم. بنابراین باید جنبه‌ی احتیاط را از دست ندهیم و ظواهر قرآنی را به آسانی با تحوّلات علمی متغیّر نسازیم، و در مواردی هم که به تصرّف در ظاهر آیات قرآنی اقدام می‌کنیم احتمال خطا بودن این اقدام را از یاد نبریم.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۴۵

نتیجه‌گیری:

تعارض علم و دین به دو معنا می‌آید: ۱. تعارض واقعی قرآن و علم. ۲. تعارض ظاهری قرآن و علم.

تعارض واقعی قرآن و علم به معنای ناسازگاری قرآن با علم، محال است یعنی محال است دو گزاره‌ی علمی و دینی هر دو قعطی و ناسازگار با هم باشند. ولی تعارض ظاهری «علم و دین» یا «قرآن و علم» رخدادنی است ولی قابل رفع و زدودنی می‌باشد. «۱»

معرفی کتاب:

جهت مطالعه‌ی بیشتر مراجعه فرمایید به:

۱. کتاب درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات اسوه.

۲. علم و دین، همان، پژوهشکده فرهنگ و اندیشه.

---

(۱). نک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات اسوه، ۱۳۷۵، چ اول، ص ۲۲۹- ۲۳۰.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۴۷

پرسش:

لطفاً در مورد نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن توضیح داده و تفاوت آن با چالش‌های علمی و ادله آن را بیان کنید؟

پاسخ:

در قرآن کریم حدود ۱۳۲۲ آیه وجود دارد که به مطالب علمی اشاره دارد که گاهی در حد اعجاز علمی و گاهی در حد شگفتی‌های علمی و گاهی در حد اشارات اندیشه‌آور علمی است در این مورد دو مبحث عمده دیگر وجود دارد، یعنی نظریه پردازی علمی قرآن و چالش قرآن و علم، که با توضیح، تفاوت آنها نیز روشن می‌شود.

الف: نظریه‌پردازی‌های علمی قرآنی:

برخی از آیات علمی قرآن مطالبی را بیان می‌کند که علم هنوز بدانها دسترسی پیدا نکرده و هر چند از نظر علوم تجربی به اثبات نرسیده است اما دلیلی نیز برای نفی آن مطلب قرآنی نداریم و از آنجا که وحی نوعی دانش قطعی و از سرچشمه‌ی الهی است در صحیح بودن آن شکی نیست هر چند برای اثبات آنها فعلًا شواهد تجربی در دست نداریم و ممکن است مثل برخی موارد دیگر از پیشگویی‌های علمی قرآن (مثل نیروی جاذبه طبق آیه ۲/ رعد و ۱۰/ لقمان و ...) در آینده اثبات شود. این موارد را می‌توان بعنوان نظریه‌های علمی قرآنی مطرح نمود، و همچون دیگر تئوری‌های علمی بدنبال شواهد تجربی آنها بود.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۴۸

مثال‌ها:

۱. نظریه وجود موجودات زنده در آسمان‌ها: این نظریه از برخی آیات قرآن همچون آیه ۲۹/ شوری قابل استفاده است که می‌فرماید:

«وَ مِنْ آیاتِهِ خَلْقُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَثَّ فِیهِما مِنْ دابَّةٍ»

«و از نشانه‌های اوست، آفرینش آسمان‌ها و زمین و آنچه از جنبندگان در آنها منتشر ساخته است.»

هر چند برخی نشانه‌های کیهان‌شناختی برای وجود موجودات زنده و با شعور در کرات دور دست ادعا شده است اما دانشمندان کیهان‌شناخت هنوز نظریه‌ی قطعی در این زمینه ابراز نکرده‌اند و چیزی ثابت نشده است؛ ولی این مطلب را می‌توان بعنوان یکی از نظریه‌های علمی قرآنی، مبنای تحقیقات تجربی کیهان‌شناختی وسیع قرار داد. «۱»

۲. نظریه‌ی گسترش آسمان‌ها: این دیدگاه از برخی آیات قرآن همچون آیه ۴۷/ ذاریات قابل استفاده است، که می‌فرماید:

«وَ السَّماءَ بَنَیْناها بِأَیْدٍ وَ إِنَّا لَمُوسِعُونَ»

«و ما آسمان را با دست (قدرت) بنا کردیم و همواره آن را گسترش می‌دهیم.»

در مباحث علمی فیزیک کیهانی دو دیدگاه در مورد آسمان‌ها وجود دارد: یکی دیدگاه انبساط جهان و دیگری دیدگاه انقباض جهان. «۲» و برای هر کدام شواهدی مطرح گردیده ولی اثبات نشده است. از آیه‌ی فوق دیدگاه انبساط جهان قابل برداشت است. «۳» و می‌تواند بعنوان یک نظریه علمی قرآنی مبنای تحقیقات کیهان‌شناسی قرار گیرد.

---

(۱). نک: تفاسیر قرآن ذیل آیه ۲۹/ شوری مثل نمونه، الجواهر الطنطاوی و قرآن و علم امروز، عبد الغنی الخطیب

(۲). نک: تاریخچه زمان، استفن هاوکینگ، ترجمه داد فرما، ص ۵۸

(۳). نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی، ج ۱، ص ۱۴۲ به بعد.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۴۹

۳. نظریه‌ی هفت آسمان: در قرآن کریم بارها از «هفت آسمان» یاد شده است، از جمله در سوره بقره/ ۲۹، اسراء/ ۴۴، مومنون/ ۱۷ و ۸۶، فصلت/ ۱۲، طلاق/ ۱۲، نوح/ ۱۵، نبأ/ ۱۲.

در حالی که علوم کیهان‌شناسی از یک آسمان با هزاران کهکشان و ستاره و سیاره سخن می‌گویند و در مورد آسمان‌های دیگر سکوت می‌کنند. چون وسایل ستاره‌شناسی فعلی بشر و سفرهای فضایی توانایی کشف بیش از این را ندارد؛

قرآن کریم مساله هفت آسمان را به صورت قاطع مطرح کرده است و این مساله نیز می‌تواند به عنوان یک نظریه علمی قرآنی مبنای مطالعات کیهان‌شناختی وسیعی قرار گیرد. البته در مورد هفت آسمان معانی و دیدگاههای مختلفی وجود دارد که در تفسیر آیات فوق باید به آنها توجّه کرد، و مطلب فوق براساس آن بود که عدد هفت واقعی و مقصود از آسمان‌ها، محل کرات باشد. «۱»

۴. نظریه‌ی آفرینش مستقیم انسان از خاک: مساله‌ی آفرینش نخستین آدم از خاک در کتاب‌های آسمانی به ویژه قرآن کریم مطرح شده است و برخی آیات قرآن بر آفرینش انسان از خاک و گل دلالت دارد. مثل: انعام/ ۹۸، آل عمران/ ۵۹، الرحمن/ ۱۴، (هر چند برخی آیات دلالت‌های دیگری نیز دارد) و سال‌هاست که نظریه تکامل توسط لامارک و داروین ابراز شده که قائل به بوجود آمدن انسان از نسل حیوانات قبلی است.

معمولًا دانشمندان و مفسران خود را بین این دو دیدگاه محصور می‌دیدند. و یکی را انتخاب و دیگری را نفی می‌کنند و در این مورد کتاب‌های متعددی نیز نوشته شده است. «۲»

---

(۱). نک: رازهای آسمان‌های هفت‌گانه، ایمان مرادی، هفت آسمان، محمدباقر بهبودی و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی، ج ۱، ص ۱۲۶ به بعد

(۲). نک: خلقت انسان، یدالله سحابی در اثبات تکامل، و نظریه تکامل از دیدگاه قرآن از مسیح مهاجری در ردّ تکامل.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۵۰

پرسش‌های قرآنی جوانان ۹۷

ولی می‌توان نظریه سومی را که شاید وجه جمع دو دیدگاه باشد مطرح کرد و آن اینکه تکامل زیستی در موجودات (اگر با شواهد قطعی اثبات شود) پذیرفتنی است و حتی ممکن است انسان‌هایی از نسل میمون بوجود آمده ولی بعداً منقرض شده باشند ولی حضرت آدم به عنوان پدر بشر فعلی به صورت استثنایی از خاک بطور مستقیم (و لو در زمان طولانی) آفریده شده است.

البته اینکه بسیاری از ویژگی‌های انسان فعلی در میمون‌ها موجود نیست بلکه در نظریه تکامل حلقه‌ی مفقوده‌ای بین میمون و انسان وجود دارد؛ می‌تواند شاهدی برای این دیدگاه باشد.

این نظریه می‌تواند به عنوان یک نظریه علمی قرآنی در آفرینش انسان مبنای پژوهش‌های زیست‌شناسی باشد و در کنار نظریه تکامل و فیکسیم مطرح گردد و بدنبال شواهد تجربی آن از باستان‌شناسی و زیست‌شناسی باشیم. البته قرآن کریم در مورد نظریه تکامل مباحث مفصلی وجود دارد و آیات موافق و مخالف نظریه تکامل و دیدگاه مفسران نیازمند بحث گسترده است که در برخی کتاب‌ها آمده است. «۱»

۵. نظریه‌پردازی‌های قرآن در زمینه علوم انسانی، مثل مبانی مدیریت در قرآن، مبانی و اصول اقتصاد در قرآن، مبانی سیاست در

قرآن و مبانی اصول علوم تربیتی در قرآن، که اگر این گونه موارد به خوبی مورد توجه و کاوش قرار گیرد، می‌تواند انقلابی در جهان علوم انسانی پدید آورد، و چهره جهانی را در قرن بیست و یکم تغییر دهد، و به سلطه فرهنگی غرب بر شرق پایان بخشد.

---

(۱). نک: تکامل در قرآن، علی مشکینی؛ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی، جلد دوم و ...

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۵۱

ب: چالش‌های قرآن و علم:

گاهی ظاهر برخی آیات قرآن با نظریه‌های علمی ناسازگار به نظر می‌رسد، که این را چالش قرآن و علم یا تعارض ظاهری قرآن و علم می‌نامند.

اما از آنجا که نصوص قرآنی و مطالب قطعی علمی هر دو بیان واقعیت و حقیقت است و هر دو وسیله‌ی معرفت و شناخت حقیقت است و حقیقت یکی بیش نیست بنابراین تعارض واقعی قرآن و علم محال است. زیرا به تناقض (وجود و عدم حقیقت واحد) منتهی می‌شود.

تعارض ظاهری آیات و مطالب علمی نیز با تأمّل در آنها قابل رفع و اصلاح است زیرا ممکن است خطای مفسّر در فهم ظاهر آیه و یا خطای دانشمند علوم تجربی در مقدمات نظریه‌ی خویش باعث این تعارض شده باشد که با دقّت در آنها و فهم صحیح از قرآن و طبیعت، مشکل حل می‌شود.

برای مثال در مورد هفت آسمان قرآن و یک آسمان علم و یا در مورد نظریه تکامل و آیات آفرینش انسان، توهم تعارض می‌شد که با دقت در مساله بر طرف گردید. چون علم یک آسمان را ثابت می‌کند ولی هفت آسمان را نفی نمی‌کند، همانطور که نظریه تکامل داروین بصورت قطعی اثبات نشده است تا بتواند با ظاهر آیات آفرینش آدم تعارض جدی و واقعی داشته باشد. «۱»

---

(۱). نک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات اسوه، مبحث قلمرو، رابطه و تعارض علم و دین.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۵۳

پرسش:

چگونه می‌توان اعجازهای علمی و اشارات علمی قرآن را تشخیص داد؟

پاسخ:

اشارات علمی قرآن:

قرآن کریم در بیش از هزار آیه به مباحث علوم مختلف اشاره کرده است. «۱»

این آیات به سه بخش تقسیم می‌گردد.

الف: اشارات علمی اعجازآمیز قرآن:

معنای اعجاز علمی قرآن:

مقصود از اعجاز علمی قرآن آن است که آیاتی در قرآن وجود دارد که در آن نوعی رازگویی علمی وجود دارد. یعنی مطلبی علمی را که کسی قبل از نزول آیه از آن اطلاع نداشته، بیان می‌کند، و مدّت‌ها بعد از نزول آیه آن مطلب علمی توسط دانشمندان علوم تجربی کشف می‌شود، و این مطلب علمی بطوری است که با وسایل عادی که در اختیار بشر عصر نزول بوده، قابل اکتساب نباشد.

پس اگر قرآن مطلبی علمی را بیان کند که در کتاب‌های آسمانی گذشته بدان اشاره شده و یا در مراکز علمی یونان، ایران و ... در لابلای کتاب‌های علمی و

---

(۱). شمارگان این آیات را برخی نویسندگان ۱۳۲۲ آیه شمرده‌اند و آنها را در زمینه علوم مختلف لیست کرده‌اند. (نک: العلوم فی القرآن، مجهد جمیل الحبّال و مقداد مرعی الجواری، ص ۳۶- ۳۵)

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۵۴

آرای دانشمندان آمده است و احتمال می‌رود که از راهی به محیط حجاز عصر نزول راه یافته و یا مطلبی بوده که بطور طبیعی با وسایل آن زمان و یا بصورت غریزی قابل فهم بوده است، این امور معجزه‌ی علمی بشمار نمی‌آید. «۱»

تاریخچه:

هر چند تفسیر علمی قرآن عمری دراز دارد و از قرن سوم و چهارم هجری قمری در آثار مکتوب بوعلی سینا (۳۷۰- ۴۳۸ ق) دیده می‌شود. «۲» و با فراز و نشیب‌هایی تا قرن حاضر ادامه یافته است اما مبحث اعجاز علمی قرآن که از دل تفسیر علمی متولّد شد، عمری کوتاه دارد، یعنی در قرن اخیر (قرن بیستم میلادی، چهاردهم و پانزدهم هجری قمری) مورد توجّه مسلمانان و غیر مسلمانان قرار گرفته است و بسیاری از دانشمندان مسلمان در این مورد کتاب‌ها نوشته و ادعای اعجاز علمی کرده‌اند. «۳»

در میان خاورشناسان، «دکتر موریس بوکای» از کسانی است که در کتاب «مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم» رویکردی مثبت به اشارات علمی قرآن دارد و در برخی موارد به صراحت اذعان می‌کند: قرآن مطالبی علمی را که تا قرن‌ها بعد، برای انسان ناشناخته بوده بیان کرده است. «۴»

---

(۱). نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۸۵

(۲). نک: رسائل ابن سینا، ص ۱۲۸ – ۱۲۹ و التفسیر و المفسرون، دکتر ذهبی، ج ۲، ص ۴۱۹ و درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، رضایی‌اصفهانی، ص ۲۹۳ به بعد

(۳). به مبحث پایانی نوشتار، منابع جهت مطالعه بیشتر مراجعه فرمایید

(۴). مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه مهندس ذبیح اللَّه دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، سال ۱۳۶۵ ش، ص ۷- ۲۲۶، (این کتاب به زبان‌های متعدد ترجمه و با چاپ‌های گوناگون منتشر شده است.)

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۵۵

مواردی که ادعای اعجاز علمی شده عبارتند از:

۱. نیروی جاذبه:

«اللَّهُ الَّذِی رَفَعَ السَّماواتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها» (رعد/ ۲)

«او خدایی است که آسمان‌ها را بدون ستون دیدنی آفرید.»

این نکته در دو آیه قرآن (رعد/ ۲ و لقمان/ ۱۰) بیان شده که خدا آسمان‌ها را بدون ستون دیدنی برافراشته و آفریده است. «۱»

برخی دانشمندان و مفسران آیات فوق را اشاره به نیروی جاذبه و اعجاز علمی قرآن دانسته‌اند، «۲» چرا که نیروی جاذبه توسط ابو ریحان بیرونی (۴۴۰ ق) «۳» و طبق مشهور توسط نیوتن (۱۶۴۳- ۷۲۷ م) در قرن هفدهم میلادی کشف شد «۴» پس اشاره‌ی قرآن به ستون‌های نامریی بین کرات آسمانی نوعی رازگویی علمی قرآن است.

---

(۱). البته این تفسیر بنا بر این که جمله «ترونها» را صفت «عمد» بدانیم ولی اگر بغیر عمد متعلق به ترونها باشد معنا می‌شود: (همان گونه که) می‌بینید آسمانها را بدون ستون آفرید.» بنابراین معنای دوم آسمانها اصلًا ستون ندارد تا دیده شود. ولی معنای اول با ظاهر آیه سازگارتر است چون تقدیم و تأخیر لازم نمی‌آید و توسط روایت امام رضا (ع) (ثم عمد و لکن لا ترونها- برهان، ج ۲، ص ۲۷۸) تقویت می‌شود

(۲). همچون آیت‌اللَّه مکارم شیرازی (نمونه، ج ۱۷، ص ۲۹ و ج ۱۰، ص ۱۱۰- ۱۱۱ و پیام قران، ج ۸، ص ۱۴۶ و آیت‌اللَّه حسین نوری (دانش عصر فضا، ص ۵۵- ۵۶)

البته برخی صاحب نظران نیز آیات فوق را اشاره به نیروی جاذبه دانسته‌اند اما نسبت به اعجاز علمی آن سکوت کرده‌اند: نک: معارف قرآن، استاد مصباح یزدی، ص ۲۴۷ – ۲۴۸ و مطالب شگفت‌انگیز قرآن، گودرز نجفی، ص ۴۱- ۴۶ و المعجزه القرآنیه، دکتر محمد حسن هیتو، ص ۱۸۰ و التمهید فی علوم القران، آیت‌اللَّه معرفت، ج ۶، ص ۱۲۲- ۱۲۸ و نگرشی بر علوم طبیعی در قرآن، لطیف راشدی، ص ۵۰

(۳). مطالب شگفت‌انگیز قرآن، پیشین، ص ۴۱

(۴). تاریخ علوم، ص ۲۶۴، (البته برخی نویسندگان در اینکه مبتکر نیروی جاذبه نیوتن باشد و در صحت داستان سیب تردید می کنند، نک: دانش عصر فضا، ص ۴۴.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۵۶

و برخی دانشمندان نیز آیات دیگر قرآن (مرسلات/ ۲۵ و فاطر/ ۴۱) را اشاره‌ای به نیروی جاذبه دانسته‌اند. «۱»

با توجه به اینکه واژه‌ی «عمد» جمع و به معنای «ستون‌ها» است ممکن است نیروی جاذبه یکی از مصادیق آیه باشد. یعنی نیروها (/ ستون‌ها) ی متعدّد دیگری بین کرات آسمانی وجود داشته باشد که هنوز کشف نشده است.

البته پذیرش دلالت آیات (رعد/ ۲ و لقمان/ ۱۰) بر نیروی جاذبه متوقف بر آن است که واژه‌ی «سماوات» به معنای کرات آسمانی باشد. چون این واژه در قرآن دارای معانی متعدد (مانند: جهت بالا، جوّ زمین، کرات آسمانی، آسمان معنوی و ...) «۲» است، در اینجا می‌توان کرات آسمانی را از مصادیق آیات فوق دانست.

بنابراین می‌توان گفت: آیات (رعد/ ۲ و لقمان/ ۱۰) به نیروی جاذبه اشاره دارد و با توجه به عدم آگاهی مردم و دانشمندان عصر نزول قرآن، از نیروی جاذبه، عظمت بیانات قرآن و رازگویی و اعجاز علمی آن روشن می‌شود. «۳»

۲. حرکت‌های خورشید:

«وَ الشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَها ذلِکَ تَقْدِیرُ الْعَزِیزِ الْعَلِیمِ» (یس/ ۳۸)

«و خورشید تا قرار گاهش روان است؛ این اندازه‌گیری (خدای) شکست‌ناپذیر داناست.»

قرآن در آیات متعددی (یس/ ۳۸ و انبیاء/ ۳۳ و رعد/ ۲ و فاطر/ ۱۳ و زمر/ ۵ و لقمان/ ۲۹ و ابراهیم/ ۳۳) به حرکت‌های خورشید اشاره دارد و برخی

---

(۱). اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، یداللَّه نیازمند شیرازی، ص ۸۸- ۹۹ و الفرقان فی تفسیر القران دکتر صادقی، ج ۲۱، ص ۳۴۱ و مطالب شگفت‌انگیز قرآن، گودرز نجفی، ص ۴۳ و دانش عصر فضا، نوری، ص ۵۵ و نمونه، ج ۱۸، ص ۱۸۷

(۲). نک: التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مصطفوی، ماده سمو. و نمونه، ج ۱، ص ۶۵ و پژوهش در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۱۲۶

(۳). نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۱۵۵.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۵۷

صاحب‌نظران این آیات را اعجاز علمی قرآن دانسته‌اند زیرا به حرکت‌های مختلف خورشید اشاره دارد که بر خلاف تصورات رایج در محافل علمی عصر نزول بوده است. آنان آیات فوق را اشاره به حرکت‌های زیر می‌دانند:

الف: حرکت انتقالی مستقیم خورشید درون کهکشان راه شیری، یعنی حرکت طولی خورشید به سمت معین یا ستاره‌ای دور دست. «۱» البته در این تفسیر الشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَها، (یس/ ۳۸) «لام» به معنای «الی» (/ به سوی) و «مستقر» اسم مکان می‌باشد. «۲» مفسران و صاحب‌نظران متعددی این حرکت انتقالی خورشید را از قرآن برداشت کرده‌اند «۳» و برخی دیگر آن را اعجاز علمی قرآن دانسته‌اند؛ زیرا اخترشناسان جدید همچون کوپر نیک (۱۵۴۴ م) و کپلر (۱۶۵۰ م) و گالیله به ثابت بودن خورشید معتقد بودند «۴» و حتی در ادعا نامه‌ای که علیه گالیله در دادگاه

---

(۱). نام این ستاره را «وِگاه» (نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۲) یانس ثابت (المیزان، ج ۱۷، ص ۸۹ و مطالب شگفت‌انگیز قرآن، گودرز نجفی، ص ۲۵- ۲۶) و یا مجموعه نجوم هر کپل یا ستاره‌ای بر ران راست «جائی» (اسلام و هیئت، ص ۱۸۱) بیان کرده‌اند

(۲). لام در آیه (لِمُسْتَقَرٍّ لَها) ممکن است به معنای الی- فی- تأکید باشد و «مستقر» می‌تواند مصدر میمی، اسم زمان یا اسم مکان باشد (نک: المیزان، ج ۱۷، ص ۷۹ و ص ۸۹ و اسلام و هیئت ص ۱۸۴ و نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۲

(۳). المیزان، نمونه، اسلام و هیئت، همان‌ها و دانش عصر فضا، پیشین، ص ۲۵- ۳۶ و الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی، ج ۹، ص ۱۷۲ و زنده جاوید و اعجاز قرآن، مهندس محمدعلی سادات، ص ۲۸- ۳۹ و قرآن و آخرین پدیده‌های علمی، مهندس جعفر رضایی‌فر، ص ۱۳۱ و القرآن الکریم و العلم الحدیث، دکتر منصور محمد حسب النبی، ص ۲۶۴

(۴). نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۹ ۶؛ مطالب شگفت‌انگیز قرآن، پیشین، ص ۲۴ و راه تکامل، احمد امین، ج ۵، ص ۹ و اسلام و هیئت، شهرستانی، ص ۱۷۹. و نیز نک: مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دکتر موریس بوکای، ترجمه دبیر، ص ۲۱۵- ۲۱۶ و دانش عصر فضا، حسین نوری، ص ۲۶ و ص ۳۵- ۳۶ و معارف قرآن، مصباح یزدی، ص ۲۵۲.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۵۸

قرائت شد او را متهم به اعتقاد به سکون خورشید کردند. (که بر خلاف گفته کتاب مقدس بود که می‌گفت: (خورشید) مثل پهلوان از دویدن در میدان، شادی می‌کند.) «۱» و گالیله حاضر نشد حرکت خورشید را بپذیرد. «۲»

ولی سالهای بعد حرکت‌های واقعی متعدد (حرکت انتقالی- وضعی- درونی) خورشید به اثبات رسید.

و «فلک» به معنای مجرای کرات آسمانی «۳» یا مسیر دورانی آنها اطلاق می‌شود، «۴» یعنی کرات آسمانی در مسیری دورانی شناورند. «۵»

البته این مطلب قرآن (حرکت خورشید بر مدار) بر خلاف دیدگاه هیئت بطلمیوسی «۶» است که در عصر نزول در محافل علمی رایج بوده و تا هفده قرن بر فکر بشر سایه افکنده بود. بر اساس هیئت قدیم افلاک حرکت می‌کنند و ستارگان در فلک ثابت هستند ولی از آیه استفاده می‌شود که خورشید حرکت دورانی دارد و مداری شناور است.

ب: حرکت وضعی خورشید، یعنی خورشید به دور خود می‌چرخد و در قرارگاه خود جریان دارد. الشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَها، (یس/ ۳۸) البته این معنا

---

(۱). کتاب مقدس، مزامیر، زبور داود، مزمور ۱۹/ ۵

(۲). خوابگردها، آرتور کوستلر، ترجمه منوچهر روحانی، ص ۵۹۰

(۳) مفردات راغب، ماده فلک

(۴). نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۷

(۵). مفردات راغب، ماده سبح

(۶). بطلمیوس، از دانشمندان قرن دوم میلادی (فرهنگ دانستنیها، محمدنژاد، ج ۱، ص ۷۵۲) البته برخی یادآور شده‌اند که در تاریخ سه دانشمند یونانی به نام بطلمیوس خوانده می‌شدند که عبارتند از: بطلمیوس غریب، بطلمیوس داس و بطلمیوس قلوذی که این سومی همان است که هیئت بطلمیوسی به نام اوست و متولد ۱۴۰ قبل از میلاد است (اسلام و هیئت، گفتار سوم (کج) و ص ۵.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۵۹

بنابراین است که «لام» به معنای «فی» (/ در) باشد و «مستقر» به معنای اسم مکان باشد.

برخی صاحب‌نظران همین معنا را از آیات برداشت کرده «۱» و برخی دیگر «۲» این مطلب را اعجاز علمی قرآن شمرده‌اند. زیرا حرکت وضعی خورشید از مطالبی است که در عصر نزول قرآن کشف نشده بود.

ج: ادامه‌ی حیات خورشید تا زمان معین، یعنی عمر خورشید بر اثر انفجارات هسته‌ای و سوخت مواد درونی آن تا چند میلیارد سال دیگر به پایان می‌رسد. «۳»

از این رو برخی مفسّران كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى،* (رعد/ ۲) را اشاره به همین مطلب علمی دانسته‌اند. «۴»

د: حرکات درونی خورشید، یعنی در خورشید دائماً انفجارات هسته‌ای صورت می‌گیرد تا انرژی نور و گرما تولید کند، و همین انفجارات باعث زیر و رو شدن مواد مذاب داخل خورشید و گاهی تا کیلومترها پرتاب می‌شود. «۵»

---

(۱). نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۲ و اسلام و هیئت، ص ۱۸۶ و دانش عصر فضا، ص ۲۶ و ص ۵- ۳۶ و پیشگوئیهای علمی قرآن، مصطفی زمانی، ص ۳۴

(۲). القرآن و العلم، احمد محمد سلیمان، ص ۶- ۳۵

(۳). عمر خورشید را کلًا ده میلیارد سال تخمین می‌زنند که پنج میلیارد سال آن سپری شده است (نک: فیزیک نوین، دکتر اریک اوبلاتر، ص ۲۱- ۲۰، ترجمه بیضاوی و ...)

(۴). دانش عصر فضا، پیشین، ص ۳۵

(۵). در خورشید هسته‌های اتم‌های هیدروژن به هلیوم تبدیل می‌شود که ذوب هسته‌ای با جوشش هسته‌ای نام دارد. خورشید در هر دو ساعت و چهل دقیقه سطح آن با سرعت شش کیلومتر به داخل و خارج می‌رود و قطر آن ده کیلومتر تغییر می‌کند و این تپش خورشید است و در اثر میدان‌های مغناطیسی اطراف لکه‌ها بوجود می‌آید و با سرعت ۱۶۰۰۰۰۰ کیلومتر در ساعت از خورشید فوران می‌کند و به سرعت خاموش می‌شود. (نک: فیزیک نوین، پیشین، ص ۲۰ و مجله اطلاعات علمی، ش ۱۹۳).

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۶۰

برخی محققان از تعبیر «تجری» به معنای جریان داشتن و تفاوت آن با «تحرك» از آیه ۳۸/ یس استفاده کرده‌اند که خورشید نه تنها حرکت می‌کند جریان هم دارد. یعنی همچون آب در حال حرکت، زیر و رو می‌شود و این نکته‌ی علمی لطیفی است که قرآن بدان اشاره دارد و در عصر جدید کشف شده است و می‌تواند اعجاز علمی قرآن باشد. البته اگر «تجری» را کنایه از شناور بودن در فضا بدانیم. «۱»

برخی محققان با نقد موارد فوق به این نتیجه رسیده‌اند که اشارات قرآن به حرکت‌های خورشید نوعی رازگویی علمی است، اما در بخشی که قبلًا توسط کتاب مقدس گزارش شده بود یعنی حرکت انتقالی دورانی خورشید، اعجاز علمی نیست. اما در بخش‌هایی

که بر خلاف هیئت بطلمیوسی رایج در زمان نزول بیان داشته است (مثل حرکت انتقالی مستقیم، حرکت وضعی و حرکت تا زمان معین و حرکت درونی خورشید) اگر به قطعیت برسد، اعجاز علمی قرآن به شمار می‌آید. «۲»

۳. زوجیّت:

«وَ مِنْ کُلِّ الثَّمَراتِ جَعَلَ فِیها زَوْجَیْنِ اثْنَیْنِ» (رعد/ ۳)

«و از تمام میوه‌ها یک جفت آفرید»

در آیات متعددی به زوجیت میوه‌ها و گیاهان و انسان‌ها اشاره شده است (رعد/ ۲ و شعراء/ ۷ و یس/ ۳۶ و همین مضمون در حج/ ۵ و لقمان/ ۱۰ و ق/ ۷ و طه/ ۵۳ و اعراف/ ۱۸۹) و در برخی آیات به زوجیت چیزهایی اشاره می‌کند که انسان اطلاعی ندارد (یس/ ۳۶) و در برخی آیات سخن از زوجیّت همه موجودات است:

---

(۱). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ج ۱، ص ۱۶۸

(۲). همان، ص ۱۶۹.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۶۱

«وَ مِنْ کُلِّ شَیْ‌ءٍ خَلَقْنا زَوْجَیْنِ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ» (ذاریات/ ۴۹).

«و از هر چیز، جفت آفریدیم باشد که متذکّر شوید.»

واژه‌ی زوج در عالم حیوانات به نر و ماده گفته می‌شود و در غیر حیوانات هر دو چیزی که قرینه یکدیگرند را زوج می‌نامند و به چیزهای مقارن مشابه و متضاد نیز زوج اطلاق می‌شود. «۱» از این رو برخی واژه‌ی زوج را در مورد ذرات درون اتم (الکترون و پروتون) و نیروهای مثبت و منفی به کار برده‌اند. «۲»

بسیاری از مفسّران و صاحب‌نظران با شگفتی، آیات فوق را از اشارات علمی قرآن به مسأله‌ی زوجیت گیاهان و زوجیّت عام موجودات دانسته‌اند «۳» و برخی دیگر این مطلب را اعجاز علمی قرآن دانسته‌اند «۴» چرا که انسان‌ها از قدیم از زوجیّت برخی گیاهان مثل «نخل» با خبر بوده‌اند و مسأله زوجیّت گیاهان توسط کارل لینه (۱۷۰۷- ۱۷۸۷ م) گیاه‌شناس معروف سوئدی در سال ۱۷۳۱ م) ابراز شد.

بنابراین مردم عصر نزول قرآن از زوجیّت همه گیاهان اطلاع نداشتند.

ولی قرآن نه تنها به این مطلب اشاره کرده. (رعد/ ۳، شعراء/ ۷ و ...) بلکه به

---

(۱). نک: مفردات راغب اصفهانی، ماده زوج و نمونه، ج ۱۸، ص ۳۷۷- ۳۷۸

(۲). نک: نمونه، همان و اعجاز قرآن، علامه طباطبایی، ص ۱۵ ویراسته علیرضا میرزا محمد، رابطه علم و دین، عباسعلی سرفرازی، ص ۳۵- ۳۶ و مطالب شگفت‌انگیز قرآن، پیشین، ص ۵۷ و ۶۰ و القرآن و الطب، دکتر دیاب و دکتر قرقوز، ص ۲۷ و ۲۸ و زنده جاوید و اعجاز جاویدان، پیشین، ص ۳۹- ۴۳ و نگرشی بر علوم طبیعی در قرآن، پیشین، ص ۲۴

(۳). نک: نمونه، همان و اعجاز قرآن، علامه طباطبایی، ص ۱۵ ویراسته علیرضا میرزا محمد، رابطه علم و دین، پیشین، ص ۳۵- ۳۶ و مطالب شگفت‌انگیز قرآن، پیشین، ص ۵۷ و ۶۰ و القرآن و الطب، دکتر دیاب و دکتر قرقوز، ص ۲۷ و ۲۸ و زنده جاوید و اعجاز جاویدان، پیشین، ص ۳۹- ۴۳ و نگرشی بر علوم طبیعی در قرآن، پیشین، ص ۲۴

(۴). تفسیر نوین، محمدتقی شریعتی، ص ۱۱.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۶۲

زوجیّت همه موجودات نیز اشاره دارد (ذاریات/ ۴۹) که تا قرن اخیر کسی از آن اطلاع نداشت. «۱»

در نتیجه، اشاره‌ی علمی قرآن به زوجیت گیاهان و زوجیت عام موجودات نوعی رازگویی قرآن است که حکایت از اعجاز علمی این کتاب مقدس دارد.

البته برخی محققان برآنند که هر چند این اشارات علمی قرآن می‌تواند اعجاز علمی بشمار آید اما تطبیق آیه (ذاریات/ ۴۹) با مواردی همچون الکترون‌ها، پروتون‌ها و کوارک‌ها قطعی نیست و حد اکثر این موارد ممکن است از مصادیق آیه مذکور بشمار آید. «۲»

۴. لقاح (بارور کردن گیاهان و ابرها توسط بادها):

«وَ أَرْسَلْنَا الرِّیاحَ لَواقِحَ فَأَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً» (حجر/ ۲۲)

«و بادها را بارور کننده (ابرها و گیاهان) فرستادیم، و از آسمان آبی فرو فرستادیم.»

مفسّران و صاحب‌نظران آیه‌ی فوق را به دو صورت تفسیر کرده‌اند:

الف: این آیه به لقاح گیاهان اشاره دارد یعنی ابرها فرستاده می‌شوند تا گرده‌های گیاهان نر را به گیاهان ماده برسانند و آنان را بارور کنند، «۳» و برخی صاحب‌نظران این مطلب را اعجاز قرآن دانسته‌اند زیرا بشریت در اواخر قرن

---

(۱). وجود ذرات درون اتم با بار منفی و پروتون با بار مثبت، را ماکس پلانک فیزیکدان نامی قرن بیستم کشف کرد. (نک: ماکس پلانک، تصویر جهان در فیزیک جدید، ترجمه مرتضی صابر، ص ۹۵)

(۲). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۲۸۳

(۳). منهج الصادقین، ملا فتح اللّه کاشانی، ج ۵، ص ۱۵۸ و رابطه علم و دین، پیشین، ص ۳۶ و رهبران راستین، عبد الکریم هاشمی‌نژاد، ص ۲۵۶- ۲۶۳ و فروغ دانش جدید در قرآن و حدیث، م، حقیقی، ج ۲، ص ۲۳ و مرزهای اعجاز، سید ابو القاسم خوئی، ترجمه جعفر سبحانی، ص ۱۱۸ و الفرقان و القرآن، خالد عبد الرحمن العک، ص ۵۱۱.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۶۳

هیجدهم یا اوایل قرن نوزدهم به مسأله‌ی تلقیح پی برد، درحالی‌که قرآن قرن‌ها قبل بدان اشاره داشته است. «۱»

ب: برخی صاحب‌نظران و مفسّران دیگر آیه‌ی فوق را اشاره به لقاح ابرها و بارور شدن آنها دانسته‌اند «۲» چرا که در ادامه آیه مسأله نزول باران را مطرح می‌کند که نتیجه لقاح ابرهاست و «احمد امین» این آیه را یک معجزه‌ی جاودانی می‌داند که حدود هزار و سیصد و نود سال پیش موضوعی را بیان کرده که عصاره و نتیجه تحقیقات جدید است و منظور آیه همان تأثیری است که باد در اتحاد الکتریسته مثبت و الکتریسته منفی در دو قطعه ابر و آمیزش و لقاح آنها دارد. «۳»

البته می‌توان آیه فوق را اشاره به لقاح ابرها و گیاهان مرده نیز دانست «۴» زیرا بخش اوّل آیه یک مطلب کلی را (بارورسازی بادها) که اعم از لقاح ابرها و گیاهان است مطرح می‌کند ولی در ادامه‌ی آیه یکی از نتایج این لقاح را تذکّر می‌دهد که همان نزول باران از ابر است. همانطور که لقاح گیاهان نیز یکی از مصادیق آنها است. «۵»

اشاره‌ی علمی قرآن به لقاح ابرها، اعجاز علمی قرآن به شمار می‌آید زیرا این مطلب تا سالهای اخیر برای بشر کشف نشده بود. امّا اشاره‌ی قرآن به لقاح گیاهان هر چند شگفت‌انگیز است؛ اما اعجاز علمی قرآن بشمار نمی‌آید زیرا انسان‌های صدر اسلام بطور اجمالی از تأثیر گرده‌افشانی برخی گیاهان (همچون خرما) اطلاع داشته‌اند. «۶»

---

(۱). القرآن و الطب، ص ۲۴- ۲۶ و نمونه، ج ۱۱، ص ۶۱ و قرآن و آخرین پیامبر، ص ۱۷۹

(۲). مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۳۴ و باد و باران در قرآن، مهندس بازرگان، ص ۵۹ و ۱۲۶ و نمونه، ج ۱۱، ص ۶۱ و التفسیر العلمی فی المیزان، احمد عمر ابو حجر، ص ۴۶۱- ۴۶۳

(۳). راه تکامل، احمد امین، ص ۵۷

(۴). مطالب شگفت‌انگیز قرآن، پیشین، ص ۶۲ و پیشگوئی‌های علمی قرآن، مصطفی زمانی، ص ۹۱- ۹۳

(۵). نک: زنده جاوید و اعجاز جاویدان، پیشین، ص ۳۵ و ۳۶

(۶). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص ۲۹۳، پیشین.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۶۴

۵. چینش مراحل آفرینش انسان:

«وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ سُلالَةٍ مِنْ طِینٍ* ثُمَّ جَعَلْناهُ نُطْفَةً فِی قَرارٍ مَکِینٍ* ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظاماً فَکَسَوْنَا الْعِظامَ لَحْماً ثُمَّ أَنْشَأْناهُ خَلْقاً آخَرَ فَتَبارَکَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخالِقِینَ» (مومنون/ ۱۲- ۱۴)

«و بیقین انسان را از چکیده‌ای از گِل آفریدیم؛* سپس او را آب اندک سیّالی در جایگاه استوار [/ رحم قرار دادیم؛* سپس آب اندک سیّال را بصورت [خون بسته آویزان آفریدیم، و [خون بسته آویزان را بصورت (چیزی شبیه) گوشت جویده شده آفریدیم، و گوشت جویده شده را بصورت استخوان‌هایی آفریدیم؛ و بر استخوان‌ها گوشتی پوشاندیم؛ سپس آن را بصورت آفرینش دیگری پدید آوردیم؛ و خجسته باد خدا، که بهترین آفرینندگان است!»

قرآن کریم در آیات متعددی از آفرینش انسان و مراحل آن یاد کرده است (مؤمنون/ ۱۲- ۱۴ و حج/ ۵ و غافر/ ۶۷ و قیامت/ ۳۷- ۳۹ و علق/ ۲ و طارق/ ۶ و دهر/ ۲ و سجده/ ۶- ۹ و ...) از این آیات می‌توان استفاده کرد که مراحل زندگی انسان پانزده مرحله است که عبارتند از:

۱. مرحله‌ی خاک (یعنی تراب و طین، حج/ ۵ و مؤمنون/ ۱۲ و غافر/ ۶۷)؛ «۱»

۲. مرحله‌ی آب (یعنی ماء، ماء دافق، ماه مهین، طارق/ ۶، سجده/ ۶- ۹)؛ «۲»

---

(۱). در مورد آفرینش انسان از خاک، دو احتمال وجود دارد، یکی اینکه منظور آفرینش انسان اولی (/ آدم) از خاک باشد یا تشکّل انسان از خاک یعنی عناصر خاک در بدن انسان وجود دارد. (نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، نگارنده، ج ۲، ص ۴۳۴ به بعد و نیز تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۱۶۵ و ج ۱۴، ص ۲۳)

(۲). در مورد آفرینش انسان از آب، چند احتمال وجود دارد، یکی اینکه حیات همه موجودات زنده بستگی به آب دارد و یا اینکه قسمت عمده بدن انسان و بسیاری از حیوانات را آب تشکیل می‌دهد و یا اینکه مقصود آفرینش انسان اولیه (آدم) از آب بوده است. (نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، نگارنده، ص ۴۳۸ به بعد و نیز تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۹۶ و ج ۱۵، ص ۱۲۶ و معارف قرآن، مصباح یزدی، ص ۳۲۹ و ص ۳۳۰)

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۶۵

۳. مرحله‌ی منی (نطفه من منی، قیامت/ ۳۷- ۳۹)؛

۴. مرحله‌ی نطفه مخلوط (نطفه امشاج، دهر/ ۲)؛

۵. مرحله‌ی علقه (مؤمنون/ ۱۲- ۱۴، حج/ ۵، غافر/ ۶۷)؛

۶. مرحله‌ی مضغه (مؤمنون/ ۱۲- ۱۴ و حج/ ۵)؛

۷. مرحله‌ی تنظیم و تصویر و شکل‌گیری (سجده/ ۶- ۹)؛

۸. مرحله‌ی شکل گیری استخوان‌ها (مؤمنون ۱۲- ۱۴)؛

۹. مرحله‌ی پوشاندن گوشت بر استخوان‌ها (همان)؛

۱۰. مرحله‌ی آفرینش جنس جنین (قیامت/ ۳۷- ۳۹)؛

۱۱. مرحله‌ی آفرینش روح یا دمیدن جان در انسان و پیدایش گوش و چشم (سجده/ ۶- ۹ و مؤمنون/ ۱۴)؛

۱۲. مرحله‌ی تولد طفل (غافر/ ۶۷)؛

۱۳. مرحله‌ی بلوغ (مؤمنون/ ۱۲- ۱۴، حج/ ۵ و غافر/ ۶۷)؛

۱۴. مرحله‌ی کهنسالی (حج/ ۵ و غافر/ ۶۷)؛

۱۵. مرحله‌ی مرگ (همان‌ها)؛ «۱»

البته هر کدام از این مراحل بر اساس آیات قرآن و علوم پزشکی نیاز به شرح و توضیح دارد. این آیات اشارات علمی ارزنده‌ای را در بردارد که برخی پزشکان را به حیرت آورده است و آنها را دلیل اعجاز علمی قرآن بلکه اعجاز بلاغی قرآن دانسته‌اند. «۲»

---

(۱). این دسته‌بندی را از کتاب پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۴۳۲ آوردیم ولی برخی از مفسران و پزشکان آیات و مراحل فوق را به گونه‌ای دیگر دسته‌بندی کرده‌اند و مراحل خلقت انسان را هفت مرحله دانسته‌اند (نک: نمونه، ج ۲۰، ص ۱۶۵ و ج ۱۴، ص ۲۳ و الفرقان و القرآن، پیشین، ص ۴۹۳ و التمهید فی علوم القرآن، محمدهادی معرفت، ج ۶، ص ۸۰

(۲). طب در قرآن، دکتر دیاب و دکتر قرقوز، ترجمه علی چراغی، ص ۸۴.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۶۶

برخی صاحب‌نظران غربی همچون دکتر موریس بوکای معتقدند:

«باید همه بیانات قرآنی را با معلومات اثبات شده‌ی عصر جدید مقایسه کرد، موافق بودنشان با اینها واضح است لیکن همچنین بی‌نهایت مهم است که آنها را با عقاید عمومی که در این خصوص در جریان دوره وحی قرآنی شایع بود مواجهه داد تا معلوم گردد انسان‌های آن زمان تا چه اندازه از نظراتی شبیه آنچه در قرآن درباره این مسائل عرضه شده دور بوده‌اند.

در واقع این فقط در جریان قرن نوزدهم است که دید تقریباً روشنی از این مسائل پیدا می‌کنیم. در تمام دوران قرون وسطی، اساطیر و نظرات صوری بی‌پایه، منشأ متنوع‌ترین آراء شد که تا چندین قرن پس از آن ساری و جاری بود.

آیا می‌دانید که مرحله‌ای اساسی در تاریخ جنین‌شناسی تصدیق «هاروی» «۱» در سال ۱۶۵۱ م بود مشعر به اینکه «هر چیزی که می‌زاید در آغاز از تخمی می‌آید.» و جنین بتدریج بخشی پس از بخشی درست می‌شود؟ [...] این بیش از هزاره‌ای پیش از آن عصر است، که در آن عقایدی تخیلی شایع بود و انسان‌ها قرآن را می‌شناختند. بیانات قرآن در باب تولید مثل انسان، حقایق اساسی را که انسان‌ها قرونی چند برای کشف آن گذراندند، با اصطلاحات ساده اشعار داشته است.» «۲»

برخی محققان نیز برآنند که هر چند بیان هر یک از این مراحل آفرینش انسان به تنهایی نمی‌تواند دلیل مستقلی بر اعجاز علمی قرآن باشد ولی با توجه به گواهی دانشمندان بر عدم آگاهی مردم عصر نزول قرآن، از این مطلب، نظم و چینش مراحل آفرینش انسان نوعی رازگویی علمی است که می‌تواند اعجاز علمی قرآن بشمار آید. «۳»

---

(۱). Harvey پزشک انگلیسی (۱۵۷۶- ۱۶۵۷ م)

(۲). مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۲۷۶- ۲۷۷ با تلخیص

(۳). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۵۶۴.

پرسش های قرآنی جوانان، ص: ۶۷

ب: اشارات علمی شگفت‌آور قرآن:

برخی آیات قرآن به مطالب علمی جهان و قوانین آنها اشاره می کند که، شگفتی هر خواننده‌ای را بر می‌انگیزد. زیرا نوعی مخالفت با دیدگاهها و نظریه‌های مشهور در علوم آن عصر بشمار می‌آید که شگفت‌آور است و دلالت بر عظمت علمی قرآن دارد. «۱»

آری عرب صدر اسلام از مراکز علم و تمدن آن عصر (جندی شاپور ایران و یونان) دور بودند و اطلاعات علمی قابل توجهی نداشتند بلکه در عصر جاهلیت به سر می‌بردند.

اما قرآن کریم در همان محیط به مباحث کیهان‌شناسی، زمین‌شناسی، علوم پزشکی و ... اشاره کرده است، که برخی مطالب علمی آن تا صدها سال بعد مورد پذیرش عموم مراکز علمی جهان نبود. برای مثال به موارد زیر توجه کنید:

۱. آغاز جهان و چگونگی پیدایش آن جهان از توده‌ای به هم پیوسته و گازی شکل:

«ثُمَّ اسْتَوی إِلَی السَّماءِ وَ هِیَ دُخانٌ» (فصلت/ ۱۱)

«سپس به آفرینش آسمان پرداخت، در حالی که بصورت دود بود.»

بسیاری از دانشمندان مطالب قرآن در مورد آغاز جهان را از اخبار غیبی و مطالب شگفت‌انگیز علمی قرآن می‌دانند، «۲» زیرا با نظریه‌ی انفجار بزرگ (مهبانگ) «۳»

---

(۱). البته از آنجا که این مطالب بصورت دیدگاه‌های غیر مشهور در مراکز علمی توسط برخی دانشمندان مطرح شده بود، اعجاز علمی قرآن بشمار نمی‌آید

(۲). طنطاوی (الجواهر، ج ۱۰، ص ۹۹) عبد الرزاق نوفل (القرآن و العلم الحدیث، ص ۲- ۱۶۳) و احمد محمد سلیمان (القرآن و العلم، ص ۳- ۵۴) و محمد سامی محمد علی (الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، ص ۳۴) و محمد کامل عبد الصمد (الاعجاز العلمی فی الاسلام (القرآن الکریم) ص ۴۷)

(۳). برای اطلاع از نظریه مهبانگ و دیدگاه مقابل آن نک: تاریخچه زمان، استفن ویلیام هاولینگ، ترجمه دادفرما، ص ۱۴۵- ۱۴۹، انتشارات کیهان، ۱۳۷۲ ش.

پرسش های قرآنی جوانان، ص: ۶۸

و جدا شدن جهان آسمان و زمین از همدیگر و توده گازی شکل بودن (دخان) هماهنگ است.

ظاهر آیات قرآن با نظریه مشهور مهبانگ بطور شگفت‌انگیزی همخوان است و برخی مفسران بدان اذعان دارند. «۱» امّا برخی محققان اعجاز علمی قرآن را در این مورد نمی‌پذیرند زیرا نظریه‌ی مهبانگ قطعی نیست و نظریه‌های رقیب (همچون نظریه مهبانگ و جهان پلاسما و حالت پایدار) در این مورد وجود دارد. «۲» و در مورد آیات فوق تفسیرها و روایات دیگری نیز وجود دارد. «۳»

۲. حرکت زمین:

«وَ تَرَی الْجِبالَ تَحْسَبُها جامِدَةً وَ هِیَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحابِ» (نمل/ ۸۹)

«و کوهها را می‌بینی و آنها را ساکن و جامد می‌پنداری.»

برخی مفسران از این آیه حرکت زمین را برداشت کرده و آن را از آیات علمی و اعجازآمیز قرآن دانسته‌اند. «۴»

و برخی و صاحب‌نظران از آیات دیگر قرآن (زخرف/ ۱۰، طه/ ۵۳، نبأ/ ۶) حرکت زمین. «۵» و برخی دیگر از سوره‌ی شمس/ ۴ و نازعات/ ۳۰ حرکت‌های وضعی و انتقالی زمین را برداشت کرده‌اند. «۶»

---

(۱). نمونه، ج ۲۰، ص ۲۲۸ و ج ۱۳، ص ۳۹۴- ۳۹۵ و التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۱۲۹- ۱۳۹

(۲). نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، نگارنده، ص ۵- ۱۰۴

(۳). نک: المیزان، ج ۱۴، ص ۲۷۸- ۲۷۹ و صافی، ج ۳، ص ۳۴۷ و نمونه، ۱۳، ص ۳۹۶

(۴). نمونه، ج ۱۵، ص ۵۶۸- ۵۶۹

(۵). نک: مرزهای اعجاز، پیشین، ص ۱۱۹، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، پیشین، ص ۳۵- ۳۶، اعجاز قرآن، پیشین، ص ۱۳، القرآن یتجلی من عصر العلم، شیخ نزیه القمیحا، ص ۱۴۹ و ..

(۶). پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی، ج ۲، ص ۱۱۰.] و برخی دیگر از سوره مرسلات/ ۳۵ حرکت‌های متعدد زمین را استفاده کرده‌اند. [اعجاز قرآن، از نظر علوم امروزی، پیشین، ص ۸۰ به بعد.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۶۹

صرف‌نظر از اشکالاتی که به برداشت‌های فوق از آیات گرفته شده، «۱» قرآن بر خلاف نظریه حاکم و مشهور عصر نزول، از حرکت زمین خبر داده است زیرا نظریه‌ی بطلمیوس مبنی بر سکون و مرکزیت زمین در محافل علمی عصر نزول مشهور «۲» و حاکم بود «۳» و این بیانگر عظمت قرآن است.

۳. پیدایش حیات از آب:

«وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ» (انبیاء/ ۳۰)

«و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم.»

برخی صاحب‌نظران با استناد به سوره نور/ ۴۵ که منشأ پیدایش موجودات را آب معرفی می‌کند، آن را مطلب شگفت‌انگیز بلکه اعجازآمیز علمی قرآن می‌دانند. «۴» و گروهی دیگر از مفسّران و دانشوران نیز به انطباق یافته‌های علوم تجربی با این آیات اعتراف کرده‌اند. «۵» البته مفسران در مورد این آیات معانی متعددی بیان کرده و گفته‌اند ممکن است مقصود از «آب» در این اینجا منی و نطفه یا ماده اصلی بدن موجودات زنده، یا مایع آب گونه‌ای که خلقت جهان از آن پدید آمده یا منشأ پیدایش نخستین موجود از آب باشد. «۶»

---

(۱). نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۱۷۰ به بعد

(۲). قبل از اسلام برخی دانشمندان همچون فیثاغورس، فلوته‌خوس، ارشمیدس، استرخوس ساموسی و کلیانتوس آسوسی که قبل از بطلمیوس زندگی می‌کرده‌اند قائل به حرکت زمین بوده‌اند. (اسلام و هیئت، سید هبهٔ الدین شهرستانی، ص ۴۴.)

(۳). تاریخ علوم، پی‌یر روسو، ص ۱۹۳ به بعد و خوابگردها، آرتور کوستلر، ص ۱۶۱ به بعد

(۴). التمهید فی علوم القرآن، پیشین، ج ۶، ص ۳۴، فروغ دانش جدید در قرآن و حدیث، پیشین، ج ۱، ص ۱۰۴

(۵). نک: اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، پیشین، ج ۱، ص ۱۳۵- ۱۴۴ و فی ظلال القرآن، سید قطب، ج ۶، ص ۱۱۱

(۶). نک: نمونه، ج ۱۳، ص ۳۹۶ و ج ۱۴، ص ۵۰۸- ۵۰۹ و الکون و الانسان بن العلم و القرآن، بسام دفضع، ص ۱۲۲- ۱۲۳، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۲۴۲.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۷۰

البته قبل از اسلام برخی فلاسفه‌ی یونان (مثل تالس) «۱» یادآور شده بودند که اصل هستی از آب است. پس مطالب آیات فوق شگفت‌انگیز بوده و عظمت قرآن را می‌رساند ولی اعجاز علمی آن را اثبات نمی‌کند. «۲»

۴. ممنوعیت شرابخواری و اعلام زیان‌ها:

«یَسْئَلُونَکَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَیْسِرِ قُلْ فِیهِما إِثْمٌ کَبِیرٌ وَ مَنافِعُ لِلنَّاسِ وَ إِثْمُهُما أَکْبَرُ مِنْ نَفْعِهِما» (بقره/ ۲۱۹)

«درباره شراب و قمار از تو سوال می‌کنند، بگو در آنها گناه (و زیان) بزرگی است، و منافعی برای مردم در بردارد. [ولی گناه آن‌ها از نفعشان بیشتر است.»

در برخی آیات قرآن ممنوعیت نوشیدن شراب به صراحت اعلام شده. (مائده/ ۹۱- ۹۰) و در برخی به ضررهای آن اشاره شده (بقره/ ۲۱۹) و در برخی به اشاره از آن نهی شده است. (نحل/ ۶۷ و نساء/ ۴۳)

بسیاری از پزشکان، صاحب‌نظران و مفسّران در مورد زیان‌های شراب و شرابخواری مطالب فراوانی نوشته و با شگفتی از این مطلب قرآن یاد کرده‌اند «۳» زیرا قبل از اسلام شرابخواری یک عادت بشری بوده همانطور که در عصر حاضر در بسیاری از کشورهای غیر مسلمان این‌گونه است و حتی تورات و انجیل کنونی نیز به نوعی شرابخواری را تشویق کرده است. «۴» ولی اسلام با این پدیده زیان‌آور برخورد کرد و این یکی از خدمات اعجازآمیز قرآن به بشریت بود.

---

(۱). فلسفه یونان، محمد غلاب، ج ۱، ص ۸ و قرآن و علم امروز، عبد الغنی الخطیب، ترجمه مبشری، ص ۶۹- ۷۰

(۲). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۲۴۳

(۳). نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۳۴۷

(۴). نک: کتاب مقدس، سفر تثنیه، باب ۱۴، شماره ۲۶ و انجیل متی، باب ۲۶، شماره ۲۹.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۷۱

۵. ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهیانه:

«وَ یَسْئَلُونَکَ عَنِ الْمَحِیضِ قُلْ هُوَ أَذیً فَاعْتَزِلُوا النِّساءَ فِی الْمَحِیضِ وَ لا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّی یَطْهُرْنَ فَإِذا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَیْثُ أَمَرَکُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ التَّوَّابِینَ وَ یُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِینَ» (بقره/ ۲۲۲)

قرآن کریم در آیه‌ی فوق به مردان دستور می‌دهد در حالت عادت ماهیانه از نزدیکی با زنان دوری کنید و آن را زیانبار معرفی می‌کند.

برخی از پزشکان، صاحب‌نظران و مفسران نیز زیان‌های این کار را برشمرده و با دیده‌ی اعجاب به قرآن نگریسته‌اند. «۱»

۶. برخی موارد دیگر از آیات قرآن نیز اشاره علمی شگفت‌آمیزی در بردارد؛ از جمله: در مورد واژه‌ی «صمد» (توحید/ ۲) و ارتباط آن با فضای خالی داخل اتم‌ها، «۲» و نیز نکته‌ی شگفت‌آمیز علمی قرآن در مورد صفت «لطیف» و خلق موجودات ریز که با چشم درک نمی‌شوند، «۳» نکته‌ی اعجازآمیز علمی قرآن در مورد آتش درون شاخه‌های سبز درختان (یس/ ۸۰) «۴» و نکته علمی قرآن در مورد اینکه آسمان دنیا محل کرات آسمانی است که بر خلاف دیدگاه هیئت بطلمیوسی بوده است «۵» و در مورد تشبیه شرح صدر به صعود در آسمان و تنگی نفس در اثر کمبود هوا (انعام/ ۱۲۵)، «۶» در مورد اینکه کوهها همچون میخ و زره محکم زمین را از لرزش حفظ می‌کنند؛ «۷» (نحل/ ۱۵) اشاره نمود.

---

(۱). تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۹۳- ۹۴ و طب در قرآن، ص ۵۰- ۵۱

(۲). نمونه، ج ۲۷، ص ۴۴۰

(۳). همان، ج ۵، ص ۶- ۳۸۷

(۴). همان، ج ۱۸، ص ۴- ۴۶۶

(۵). همان، ج ۱۹، ص ۱۶- ۱۷

(۶). همان، ج، ص ۴۳۵

(۷). همان، ج ۱۱، ص ۱۸۳.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۷۲

یادآوری: موارد فوق مطالب و اشارات علمی شگفت‌آمیزی است که در محیط عرب جاهلی صدر اسلام و توسط یک پیامبر درس ناخوانده بیان شده است، از این رو تعجب هر خواننده‌ای را بر می‌انگیزد و او را به تحسین قرآن وامی‌دارد.

ج: اشارات علمی اندیشه‌ساز قرآن:

آیاتی که اشاره به آسمان، زمین، انسان، حیوانات و طبیعت می‌کند و انسان را به تفکر در آنها دعوت می‌کند و گاهی آنها را نشانه‌ی خدا و معاد می‌شمرد. ولی مطلب شگفت‌آمیز یا اعجازآمیزی از ظاهر آیات قابل استفاده نیست، این‌گونه آیات توجه انسان را به نمودهای آفرینش زیبای الهی جلب می‌کند و زمینه را برای رشد علمی بشر، بویژه در علوم تجربی، فراهم می‌سازد.

مثال: «أَ فَلا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ» «۱»

«و آیا به شتر نظر نمی‌کنند که چگونه آفریده شده است؟!»

و نیز در آیات ۵- ۶- ۷- ۱۰- ۱۱- ۱۳- ۱۴/ سوره‌ی نحل به منافع حیوانات، نزول باران، رویش گیاهان رنگارنگ، دریاها و کشتی‌رانی در آنها و فواید غذایی و زیور آلاتی که از آنها بدست می‌آید، به عنوان نشانه‌هایی برای اندیشمندان اشاره می‌کند تا به آفرینشگر جهان پی ببرند و سپاسگزاری کنند. «۲»

---

(۱). غاشیه/ ۱۷

(۲). البته در میان آیات ۵- ۱۷ سوره نحل برخی نکات علمی شگفت‌آور دیگری نیز وجود دارد.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۷۳

پرسش:

آیا معجزه یک قانون علمی است؟

پاسخ:

برای پاسخ به این پرسش به دو بُعد رابطه معجزه با قانون می‌پردازیم.

الف. معجزه و قانون علمی:

صرف نظر از اینکه در فلسفه‌ی علم در جهان امروز قانون علمی داریم یا نه، قانون علمی دو ویژگی اساسی دارد:

اول آنکه «Low» قانون قاعده‌ای قابل تکرار است. دوم آنکه برگرفته از تجربه است از این رو علم تجربی به شمار می‌آید.

معجزه قانونمند است اما قانون علمی (به معنای علم تجربی) نیست. یعنی تنها وجه مشترک معجزه با قوانین علوم تجربی قانونمندی است اما چند تفاوت اساسی با آنها دارد:

۱. معجزه توسط انسان‌های دیگر قابل تکرار نیست و اصلًا معجزه بودن معجزه به آن است که دیگران از آوردن مثل آن عاجز باشند، اما قانون علمی تجربه‌ای قابل تکرار است.

۲. منشأ معجزه اراده‌ی الهی است در حالی که قانون علمی از تجربه‌ی انسانی به دست می‌آید.

۳. معجزه کاری بر خلاف قانون طبیعی عادی است هر چند که خود تابع قانون علیت است و نفی علت نمی‌کند. (همانطور که در ادامه می‌آید) اما قانون علمی بر طبق روند عادی طبیعت است.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۷۴

ب. معجزه و قانون علیت:

برای تبیین این مطلب باید نخست معجزه را مفهوم‌شناسی کنیم تا عناصر اصلی آن و رابطه‌ی آن با مقولات دیگر مثل علیت، کرامت و سحر روشن شود.

ماهیت معجزه و تفاوت آن با امور خارق العاده دیگر:

مقدمه: (تاریخچه)

در طول تاریخ همیشه بشر با اعمال خارق العاده‌ی برخی انسانها روبرو می‌شده است. این اعمال خارق العاده همواره برای انسان اعجاب و تحسین برانگیز بوده و گاه موجب ایمان او به کسی یا چیزی و یا بی‌ایمانی او شده است.

پیامبران الهی از این اعمال خارق العاده به عنوان آیه و معجزه یاد می‌کردند و دیگران را به مبارزه برای آوردن مثل آن (تحدّی) دعوت می‌کردند و آن را شاهد صدق نبوت خویش می‌شمردند. امّا در مقابل این مردان حق طلب، کسانی بودند که اعمال خارق العاده‌ای انجام می‌دادند که سحر نامیده می‌شد. و گاهی امر بر مردم مشتبه می‌گشت که کدامیک حق است. از این رو مخالفان ادیان الهی به پیامبران تهمت سحر می‌زدند.

تاریخ دقیقی از اولین معجزه در دست نیست امّا می‌دانیم که پیامبران الهی معمولًا معجزه داشته‌اند به طوری که مردم از هر پیامبر جدیدی معجزه می‌طلبیدند.

امّا براستی ماهیت معجزه چیست؟ و چه تفاوتی با کرامت و سحر دارد؟ پاسخ به این پرسشها موضوع این نوشتار است.

معجزه و واژه‌های قرآنی آن:

قرآن کریم واژه‌ی «آیه» و «بیّنه» و «برهان» و «سلطان» را در مورد امور خارق عادت و معجزات پیامبران بکار برده و از واژه‌ی «معجزه» در این موارد استفاده نکرده امّا اصطلاح رایج و مشهور در این مورد واژه‌ی «معجزه» است.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۷۵

ما در این بخش ابتدا معانی لغوی و اصطلاحی این واژه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

اول: معنای لغوی واژه‌ها:

الف: «آیه»:

واژه‌ی «آیه» در لغت به معنای «علامت و نشانه» است و آن چیز ظاهری و ملازم با چیز غیر ظاهری است. «۱»

و برخی لغت‌شناسان گفته‌اند: آیه چیزی است که مورد توجّه و قصد به سوی مقصود واقع شود. و وسیله‌ای برای رسیدن به مقصود است. «۲»

قرآن کریم واژه «آیه» را در مورد معجزات انبیاء به کار برده است. مثال:

«بَلْ قالُوا أَضْغاثُ أَحْلامٍ بَلِ افْتَراهُ بَلْ هُوَ شاعِرٌ فَلْيَأْتِنا بِآيَةٍ كَما أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ» «۳»

«بلکه گفتند خوابهای شوریده است، [نه بلکه آن را بر بافته، بلکه او شاعری است. پس همان گونه که برای پیشینیان هم عرضه شد، باید برای ما نشانه‌ای [معجزه‌ای بیاورد.»

«وَ رَسُولًا إِلى بَنِي إِسْرائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْراً بِإِذْنِ اللَّهِ ...» «۴»

«و [او را به عنوان پیامبری به سوی بنی اسرائیل [می‌فرستد، که او به آنان می‌گوید:] در حقیقت من از جانب پروردگارتان برایتان نشانه [معجزه آورده‌ام. من از گِل برای شما [چیزی به شکل پرنده می‌سازم آنگاه در آن می‌دمم، پس به اذن خدا پرنده‌ای می‌شود.»

(۱). مفردات راغب اصفهانی، واژه آی

(۲). ر. ک: مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، واژه «آیه»

(۳). انبیاء/ ۵

(۴). آل عمران/ ۴۹.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۷۶

ب: «بیّنه»:

واژه «بیّنه» در لغت به معنای «دلیل واضح» آمده است چه عقلی یا محسوس باشد. «۱»

برخی لغویین گفته‌اند: که (از ریشه بَیّن) معنی حقیقی آن انکشاف و وضوح بوسیله جدا کردن و تفریق است و «آیه» و «بیّنه» بمعنی امری است که کشف شده و از بین امور عادی جدا شده است. «۲»

قرآن کریم در مواردی از معجزات انبیاء تعبیر به «بیّنه» کرده است، مانند:

«وَ إِلی ثَمُودَ أَخاهُمْ صالِحاً قالَ یا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ما لَکُمْ مِنْ إِلهٍ غَیْرُهُ قَدْ جاءَتْکُمْ بَیِّنَةٌ مِنْ رَبِّکُمْ هذِهِ ناقَةُ اللَّهِ لَکُمْ آیَةً» «۳»

«و به سوی [قوم ثمود، صالح، برادرشان را [فرستادیم گفت: ای قوم من، خدا را بپرستید، برای شما معبودی جز او نیست، در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان دلیلی آشکار آمده است. این ماده شتر خدا برای شماست که پدیده‌ای شگرف است.»

«أَ لَمْ یَأْتِکُمْ نَبَؤُا الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَ عادٍ وَ ثَمُودَ وَ الَّذِینَ مِنْ بَعْدِهِمْ لا یَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَیِّناتِ» «۴»

«آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند: قوم نوح و عاد و ثمود و آنان که بعد از ایشان بودند [و] کسی جز خدا از آنان آگاهی ندارد، به شما نرسیده است. فرستادگانشان دلایل آشکار برایشان آوردند.»

ج: «برهان»:

واژه «برهان» در لغت به معنای بیان، حجت و وضوح آن می‌آید. «۵»

---

(۱). مفردات راغب اصفهانی، واژه بین

(۲). مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۳۶۶- ۳۶۷، واژه بین

(۳). اعراف/ ۷۳

(۴). ابراهیم/ ۹

(۵). مفردات راغب اصفهانی، ماده برهن و نیز زمخشری، اساس البلاغه و فیّومی، مصباح المنیر.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۷۷

و برخی لغت‌شناسان بر آنند که اصل کلمه «برهان» از مصدر بَرَه به معنی «ابیض» است. و به هر کلام روشنی که ابهام ندارد و امر واضحی که خفاء ندارد، گویند. برهانان (قصص/ ۳۲) به معنی دو امر روشن و دو آیه واضح (دو معجزه) برای اثبات دعوت حضرت موسی (ع) است. «۱»

واژه‌ی «برهان» به معنای «دلیل» هم می‌آید که یک اصطلاح منطقی است «۲» و خارج از معنای لغوی است.

قرآن کریم در برخی موارد واژه‌ی «برهان» را در مورد معجزات انبیاء به کار برده است.

برای مثال در سوره‌ی قصص پس از آنکه عصای موسی (ع) و ید بیضاء را مطرح می‌کند می‌فرماید:

«فَذانِکَ بُرْهانانِ مِنْ رَبِّکَ إِلی فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ» «۳»

«این دو [نشانه دو برهان از جانب پروردگار تو است [که باید] به سوی فرعون و سران [کشور] او [ببری »

و در سوره نساء می‌فرماید:

«يا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جاءَكُمْ بُرْهانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكُمْ نُوراً مُبِيناً» «۴»

«ای مردم در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستاده‌ایم.»

---

(۱). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۶۲- ۲۶۳ ماده برهن

(۲). ر. ک: مظفر، المنطق

(۳). قصص / ۳۲

(۴). نساء / ۱۷۴.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۷۸

مفسّران در این آیه دو احتمال را در مورد کلمه «برهان» مطرح کرده‌اند، یکی قرآن و دیگری پیامبر (ص). «۱» و این در حالی است که قرآن معجزه پیامبر اسلام (ص) است.

د: «سلطان»:

سلطان از نظر لغوی به معنای تسلّط قهری است و به دلیل و حجت نیز سلطان گویند؛ چون بر قلوب افراد مسلّط می‌شود. «۲» قرآن کریم در برخی آیات تعبیر «سلطان» را در مورد معجزه به کار برده است، مانند:

«قالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَ لكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلى مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ ما كانَ لَنا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ...» «۳»

«پیامبرانشان به آنها گفتند درست است که ما بشری همانند شما هستیم ولی خداوند بر هر کس از بندگانش بخواهد (و شایسته ببیند) نعمت می‌بخشد (و مقام رسالت عطا می‌کند) و ما هرگز نمی‌توانیم معجزه‌ای جز به فرمان خدا بیاوریم.» «۴»

ه-: «معجزه»:

این واژه از ریشه‌ی «عجز» است. و لغت‌شناسان معانی و استعمالات متعددی برای آن شمرده‌اند:

۱. برخی ریشه‌ی این لغت را به معنای «تأخّر از چیزی» می‌دانند و از این رو در مورد آخر و پشت هر چیزی به کار می‌رود. «۵»

---

(۱). المیزان، ج ۵، ص ۱۶۰

(۲) مفردات راغب، ماده سلط

(۳). ابراهیم / ۱۱

(۴). تفسیر نمونه نیز کلمه سلطان را در این آیه به معنای معجزه دانسته‌اند (نمونه، ج ۱۰، ص ۲۹۳)

(۵). ر. ک: مفردات راغب اصفهانی و نیز ابن فارس، مقاییس اللغه، این معنا را در یکی از دو معنای اصلی بیان می‌کند.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۷۹

۲. گروهی دیگر اصل این لغت را به معنای «ضعف» می‌دانند. «۱» لغت «عاجز» از همین معناست و به زنان کهن سال نیز «عجوزه» گویند.

۳. برخی آن را به معنای فوت (از دست رفتن) چیزی می‌دانند. «۲»

۴. برخی لغت‌شناسان آن را به معنای «یافتن ضعف در دیگری» دانسته‌اند. «۳»

۵. برخی دیگر آن را به معنای «ایجاد ضعف در دیگری» دانسته‌اند. «۴»

نتیجه: به نظر می‌رسد ریشه‌ی اصلی لغت «عجز» همان «ضعف» در مقابل قدرت است. و این ضعف دارای مراتبی است. و به همین

لحاظ زنان کهن سال را عجوزه گویند چون ضعیف شده و طراوت و تحرک و زایش خود را از دست داده‌اند؛ به مؤخّر و پشت انسان نیز «عَجُز» گویند چون که پست و ضعیف است و اعجاز ایجاد عجز یا یافتن عجز در دیگران است.

در قرآن کریم لغت «معجزه» به معنای اصطلاحی (عمل خارق العاده که گواه نبوت باشد) یافت نمی‌شود امّا در موارد متعددی این لغت به شکل‌های گوناگون به کار رفته است.

مثال: «عجوز» (هود/ ۷۲ و صافات/ ۱۳۵) که مقصود همان ضعف و عجز در تولید فرزند است.

«أعجزت» (مائده/ ۳۱) که مقصود همان ضعف و نفی اقتدار است.

«معاجزین» (سبأ/ ۳۸) که استمرار حالت عجز است.

«معجزی اللّه» (توبه/ ۲) که مقصود آن است که خدا ضعیف نمی‌شود.

---

(۱). مفردات راغب این را به معنای ثانوی لغت عجز می‌داند ولی مقاییس آن را یکی از دو معنای اصلی می‌داند

(۲). ر. ک: فیومی، مصباح اللغه و اقرب الموارد، ج ۲، ماده عجز، (این معنا در هنگامی است که در مورد- اشیاء بکار رود- اعجزه شیء)

(۳). همان (این معنا هنگامی است که در باب افعال به کار رود- أعجزت زیداً)

(۴). همان (این معنا هنگامی است که باب تفعیل به کار رود- عجّزته تعجیزاً).

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۸۰

«معجزین» (انعام/ ۱۳۴- فصلت/ ۳۱- نور/ ۵۷- عنکبوت/ ۲۲)

«لیعجزه» (فاطر/ ۴۴) که مقصود ایجاد عجز است.

«اعجاز» (قمر/ ۲۰- حاقه/ ۷) که مقصود ریشه‌های درخت خرماست که بعد از کنده شدن از زمین حالت محرومیت از مواد غذایی پیدا می‌کند.

نکته‌ی اوّل: «اعجاز» به هر صورت که باشد ملازم با تأثیر و تسلّط و تفوق و حکومت است. «۱»

نکته‌ی دوم: جالب اینکه لغت «معجزه» در روایات اهل بیت (ع) به معنای اصطلاحی به کار رفته است و معلوم می‌شود که این لغت از زمان ائمه (ع) کاربرد داشته و به جای «آیه» به کار می‌رفته است.

برای مثال به این روایت توجّه کنید:

عن الصادق (ع): «المعجزه علامه للّه لا یعطیها الّا انبیاءه و رسله و حججه لیعرف به صدق الصادق من کذب الکاذب» «۲»

«معجزه علامتی الهی است که آن را به غیر از انبیاء و رسولان و حجت‌های خویش عطا نمی‌کند تا بوسیله آن راستگویی راستگویان از دروغگویی دروغ‌گویان باز شناخته شود.»

دوم: معنای اصطلاحی معجزه:

بحث معجزه حد اقل در چهار علم؛ تفسیر، علوم قرآن، اصول و کلام مطرح شده است.

گویند برخی از قدماء آن را جزئی از علم اصول می‌دانسته‌اند. (مثل شیخ طوسی و طبرسی) «۳»

---

(۱). حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۳۹

(۲). بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۷۱، و نیز میزان الحکمه، ج ۶، ص ۶۶

(۳). ر. ک: تفسیر تبیان، ص ۳ و شیخ طوسی، زندگی نامه، ص ۱۱۰ و علامه طباطبایی (ره) اعجاز قرآن، مقدمه علیرضا میرزا

محمد، ص ۹. (شاید مقصود آنان همان علم اصول اعتقادات یعنی کلام باشد. نه اصول الفقه).

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۸۱

و برخی دیگر (مانند خواجه طوسی و علامه حلی در تجرید الاعتقاد، صاحب نثر طوبی و ملا فتح اللّه کاشانی) «۱» آن را در علم کلام (عقاید) مطرح کرده‌اند.

و بعضی مفسران (مثل علامه طباطبائی در المیزان و آیه الله طیب در اطیب البیان و ...) «۲» آن را در لابلای تفسیر قرآن و به مناسبت معجزات انبیاء مطرح کرده‌اند.

امّا گروهی نیز (مثل سیوطی در الاتقان و آیت اللّه معرفت در التمهید) «۳» آن را در علوم قرآن مطرح کرده‌اند.

ما در این نوشتار قصد بیان جایگاه حقیقی این بحث را نداریم امّا شاید طرح مبحث اعجاز در علوم مختلف از ابعاد گوناگون این بحث ناشی شده باشد. که هر گروهی از زاویه‌ای خاص بدان نظر کرده‌اند.

و از این رو، تعریفهای متفاوتی نیز از آن ارائه شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. خواجه طوسی (ره) معجزه را این‌گونه تعریف کرده‌است:

«راه شناخت راستگویی پیامبر این است که توسط او معجزه‌ای ظاهر شود و آن عبارت است از ثبوت چیزی که معتاد نباشد و یا نفی چیزی که معتاد باشد در صورتی که خرق عادت بوده و مطابق ادعا واقع شود.» «۴»

و سپس علامه حلی در شرح این کلام چندین شرط را مقرر می‌کند:

الف: امّتِ شخصِ معجزه‌گر از آوردن مثل آن عاجز باشند.

ب: معجزه از طرف خدا یا با امر او باشد.

---

(۱). ر. ک: منهج الصادقین، ج ۱، ص ۱۴ و نثر طوبی، ج ۲، ص ۱۱۹

(۲). ر. ک: اطیب البیان، ج ۱، ص ۴۰- ۵۹ و المیزان، ج ۱، ص ۷۳ به بعد

(۳). ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۴ و سیوطی، الاتقان، ج ۳، ص ۳

(۴). خواجه طوسی و علامه حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۵۰ نشر اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۸۲

ج: معجزه در زمان تکلیف باشد.

د: معجزه بعد از ادعای نبوت ظاهر شود و در زمان معجزه‌گر، مدعی نبوت دیگری نباشد. «۱»

و: آن عمل خارق عادت باشد.

۲. سیوطی در الاتقان معجزه را این‌گونه تعریف کرده است: «امر خارق عادتی که همراه با تحّدی و سالم از معارضه باشد.» «۲»

۳. آیت اللّه خویی (ره) در تعریف معجزه می‌نویسد:

«معجزه چیزی است که مدعی منصب الهی می‌آورد به طوری که خرق عادت (خرق نوامیس طبیعت) باشد و دیگران از آوردن مثل آن عاجز بوده تا شاهد صدق ادعای آن منصب الهی باشد.»

و سپس ایشان چند شرط را برای صدق ادعا مشخص می‌سازد:

الف: امکان صادق بودن ادعا باشد (محال عقلی نباشد، مثلا ادعای خدایی نکند).

ب: آنچه می‌گوید بر طبق آن انجام دهد.

ج: عمل او از مقوله‌ی سحر و علوم دقیقه (غریبه) نباشد.

د: تحّدی (مبارزه طلبی) کند. «۳»

۴. علامه طباطبایی (ره) در تعریف معجزه می‌فرماید:

«معجزه عبارت است از امری خارج عادت که دلالت کند ما وراء طبیعت در طبیعت و امور مادی تصرّف کرده است. و این به آن معنا نیست که معجزه مبطل امر عقلی و ضروری است.» «۴»

---

(۱). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۵۰، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق

(۲). سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۳

(۳). البیان، ص ۱۰۳

(۴). المیزان، ج ۱، ص ۷۲.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۸۳

ایشان در جای دیگر می‌نویسد:

«معجزه» یا آیه معجزه (بر حسب اصل تسمیه) چنانکه از لفظش پیداست امر خارق العاده‌ای است که برای اثبات حق و مقارن با تحّدی (دعوت به مقابله) تحقّق پیدا می‌کند ... معجزه هر چه بوده باشد و به هر شکل و صورتی اتفاق بیفتد بالاخره امری است خارق العاده، و بیرون از نظام علل و معلولات و اسباب و مسبباتی که عادتاً ما با آنها انس گرفته‌ایم و آنها را می‌شناسیم.» «۱»

۵. ایجی که از متکلمان اهل سنت است در تعریف معجزه می‌نویسد:

«معجزه بر حسب اصطلاح در نزد ما عبارت است از آنچه بوسیله آن قصد شود که راستگویی مدعی نبوت را ظاهر کند.»

و سپس هفت شرط برای معجزه بیان می‌کند: کار خدا باشد- خارق عادت باشد- کسی نتواند با آن معارضه کند- توسط مدعی نبوّت انجام شود- موافق ادعای او باشد- معجزه او را تکذیب نکند (بر خلاف ادعای او سخن نراند)- معجزه قبل از ادعای نبوت نباشد. «۲»

۶. استاد مصباح یزدی می‌نویسد:

«معجزه عبارت است از، امِر خارق العاده‌ای که با اراده خدای متعال از شخص مدعی نبوت ظاهر شود و نشانه صدق ادعای وی باشد. «۳»

۷. برخی از نویسندگان در مورد معجزه نوشته‌اند:

«دلیلی که برای صدق پیامبر در ادعایش آورده می‌شود، معجزه نام دارد و آن عبارت است از تغییر در وجود- کوچک یا بزرگ- که قوانین طبیعی را که از طریق حس و تجربه بدست می‌آید به مبارزه می‌طلبد. «۴»

---

(۱). علامه طباطبایی (ره)، اعجاز قرآن، ص ۱۱۵ و ۱۱۶

(۲). ایجی، شرح مواقف، ص ۵۴۷

(۳). آموزش عقاید، ص ۲۶۳ (دوجلدی)

(۴). سید محمد باقر حکیم، علوم القرآن، ص ۱۲۷ که این مطلب را از شهید صدر (ره) نقل کرده است.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۸۴

نقد و بررسی:

بررسی و نقد همه‌ی تعاریف از حوصله‌ی این نوشتار خارج است امّا می‌توان گفت برخی تعاریف ناقص و برخی دیگر قابل نقض

است. (جامع و مانع نیست) در اینجا به پاره‌ای از اشکالات آنها اشاره می کنیم:

۱. یکی از شرایطی که علامه حلّی در کشف المراد بیان کرده این بود که:

مدعی نبوت دیگری در زمان او نباشد. تا معلوم شود معجزه از او صادر شده است. در حالی که برخی پیامبران همزمان بوده‌اند مثل حضرت ابراهیم و لوط، و ممکن است هر دو معجزاتی داشته‌اند.

۲. در تعریف‌های علامه طباطبایی (ره) از معجزه قیدهای دیگری هم لازم بود مثل اینکه «معجزه مغلوب واقع نمی‌شود- دیگران از آوردن مثل آن عاجز باشند و ...»

۳. در تعریف ایجی آمده بود که «معجزه کار خدا باشد.»

در حالی که این عین ادعایی است که معجزه می‌خواهد آن را اثبات کند که لازمه آن صدق نبوت است. پس نمی‌تواند خود این مطلب شرط معجزه باشد.

و از طرف دیگر گفته بود که معجزه راستگویی (صدق) نبوت را ظاهر می کند در حالی که معجزه منحصر به اثبات ادعای نبوت نیست بلکه هر منصب الهی (مثل امامت) را نیز اثبات می کند.

جمع بندی و نتیجه گیری:

معجزه (آیه، بیّنه، برهان) عبارت از چیزی (کار- سخن- شیء) است که این ویژگی‌ها و عناصر را داشته باشد:

الف: خارق عادت باشد. یعنی قوانین عادی طبیعت را نقض کند.

البته معجزه به معنی انجام محال عقلی نیست بلکه ارتکاب محال عادی است و نیز معجزه به معنی شکستن قانون علیت نیست چرا که تحت قانون علیت عام است و فقط علت آن امری غیر مادی و غیر عادی است.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۸۵

ب: از مدعی منصب الهی و پس از ادعای آن واقع شود.

پس اگر چیز خارق عادت قبل از ادعای نبوت واقع شده باشد نمی‌تواند دلیل ادعای نبوت باشد. و نیز اگر کار خارق عادت بدون ادعای منصبی از مناصب الهی واقع شود کرامت خوانده می‌شود و معجزه‌ی اصطلاحی نیست.

پ: همراه با تحّدی و مبارزه طلبی باشد؛ یعنی دیگران را دعوت کند که مثل آن را بیاورند.

ت: مغلوب واقع نشود و دیگران نیز از آوردن مثل آن عاجز باشند.

یعنی مثل سحر و اعمال مرتاضان و ... نباشد که تحت تأثیر اراده قوی‌تر نقض شود و یا از بین رود.

ث: برای اثبات اموری باشد که غیر ممکن نباشد.

پس معجزه نمی‌تواند برای اثبات محال عقلی (مثل ادعای خدایی) یا محال نقلی (مثل ادعای نبوت بعد پیامبر اسلام (ص)) باشد.

ج: از امور شر نباشد که موجب ضرر به دیگران شود چون با هدف معجزه (هدایت) سازگار نیست.

چ: معجزه گواه صدق مدعی باشد.

یعنی آنچه که ادعا شده همان واقع شود. برای مثال اگر ادعا کرده، کور را شفا می‌دهد به جای آن کر شفا پیدا نکند و نیز آن معجزه، آورنده خود را تکذیب نکند. مثلا به سخن آید و بگوید این مدعی دروغگو است.

به عبارت دیگر در معجزه سه حیثیت و جهت وجود دارد:

اول: جهت معجزه گر است (که باید مدعی منصب الهی و تحدّی کننده و ... باشد و هدف او هم اثبات امر محالی نباشد.)

دوم: جهت خود معجزه است. (که باید خارق عادت بوده و گواه صدق ادعا باشد و از امور شرّ هم نباشد.)

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۸۶

سوم: جهت مردمی که برای آنها معجزه صورت می گیرد (که باید از آوردن مثل آن معجزه ناتوان باشند.)

تفاوت‌های معجزه با خوارق عادات دیگر:

معجزه یک عمل خارق عادت است و مثل بقیه اعمال خارق عادت علّتی برتر از علل طبیعی دارد. که علامه طباطبایی از آن تعبیر به «اراده» می کرد. حال بر ماست که تفاوت معجزه را با خوارق عادات دیگر مثل سحر، کرامت و ... بیان کنیم:

الف: تفاوت معجزه با سحر و اعمال مرتاضان:

قرآن کریم (بقره/ ۱۰۲ و طه/ ۶۶) به سحر و جادو اشاره کرده است. و این عمل خارق العاده در شریعت اسلام حرام شمرده شده است «۱» و در قوانین اسلامی، ساحر محکوم به اعدام می‌شود. تفاوت‌های اساسی سحر با معجزه عبارتند از:

۱. معجزه قابل تعلیم و تعلّم نیست بلکه عنایتی الهی و باذن خداست. امّا سحر قابل تعلیم و تعلّم است. یعنی انسان می تواند نزد استاد فرا گیرد و به دیگران بیاموزد. در قرآن کریم نیز اشاره‌ای به قابل تعلیم بودن سحر شده است «يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ». «۲»

۲. معجزه سببی غیر مغلوب دارد چون متّکی به قدرت نامحدود خداست یعنی امری نامحدود و حق است که کسی بر آن مسلّط نمی‌شود و باطل نمی گردد.

امّا سحر و ساحر مراتبی دارند و هر جادویی با جادوی برتر مغلوب و باطل می گردد. یعنی امری محدود و باطل است. چون متّکی بر قدرت محدود انسان است. علامه طباطبایی (ره) تفاوت اصلی سحر و معجزه را همین مطلب می‌داند. «۳»

---

(۱). ر. ک: امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۷۷ مسأله ثالث و تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۷۹

(۲). بقره/ ۱۰۲

(۳). المیزان، ج ۱، ص ۸۲ و نیز ر. ک: استاد مصباح، آموزش عقاید، ص ۲۶۵ (دو جلدی).

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۸۷

۳. معجزه همراه با تحّدی (مبارزه طلبی) است یعنی معجزه گر دیگران را دعوت می کند که مثل آن معجزه را بیاورند. و همین که نتوانند مثل آن معجزه را بیاورند و عاجز شوند حقانیت آن معجزه و معجزه گر به اثبات می‌رسد.

قرآن کریم نیز به عنوان یک معجزه این مبارزه‌طلبی را در موارد متعدّدی اعلام می کند. «۱»

۴. معجزه می‌تواند ماهیت چیزی را عوض کند امّا سحر ماهیت چیزی را عوض نمی کند (قلب ماهیّت نمی کند) یعنی جادوگر، شعبده‌باز و ... با مهارت در قوه بینایی یا خیال افراد تصرّف می کنند و چیزی را بر خلاف واقعیت آن نمایش می‌دهند. برای مثال کاغذی را تبدیل به اسکناس درشت می کنند. و پس از ساعاتی همان کاغذ اصلی در دست شماست. قرآن کریم نیز به خیالی بودن سحر اشاره کرده است. «۲» امّا در معجزه این گونه نیست مثلًا اگر انسانی مسخ شد واقعاً تغییر ماهیت می‌دهد و کاذب نیست.

۵. سحر ممکن است به دیگران ضرر بزند و اختلاف بین زن و شوهر بیندازد همانطور که قرآن کریم نیز به این مطلب اشاره‌ای دارد. «۳» و از این رو علامه طباطبایی (ره) در مورد سحر و کهانت و ... تعبیر «شرور» را بکار می‌برد. «۴» امّا معجزه خیر و برای هدایت بشر است و اگر برای دیگران ضرر داشته باشد، نقض غرض می‌شود و خلاف حکمت الهی است و بنابراین معجزه موجب ضرر به دیگران نیست.

---

(۱). «إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنا عَلى عَبْدِنا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ وَ ...» (بقره/ ۲۳)

(۲). «فَإِذا حِبالُهُمْ وَ عِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّها تَسْعى (طه/ ۶۶)

(۳). «فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُما ما يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ» (بقره/ ۱۰۲)

(۴). المیزان، ج ۱، ص ۸۲.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۸۸

۶. معجزه قابل تکرار نیست چون اختیار آوردن آن بدست انسان نیست بلکه باذن خدا است. امّا سحر قابل تکرار است چون این ساحر است که تصمیم می‌گیرد آن عمل انجام شود یا نشود.

۷. تفاوت در هدف: معجزه هدفی عالی و تربیتی دارد یعنی هدف آن اصلاح جامعه و عقاید مردم است.

امّا سحر و ساحران معمولًا اهداف بی‌ارزش و دنیایی دارند. و گاهی بی‌هدف هستند. «۱»

۸. تفاوت در پدیده آورنده: حالات و صفات پدید آورندگان معجزه و سحر متفاوت است.

معجزه‌گران انبیاء الهی هستند که دارای صفات عالی انسانی مثل پاکدامنی، حق طلبی و پارسایی می‌باشند و برای پول و ثروت و مقام و منافع شخصی کار نمی‌کنند. بلکه هدف آنها هدایت مردم و اصلاح جامعه است.

امّا ساحران افرادی منحرف و اغفال‌گر و سودجو هستند. که هرگز روی رستگاری نمی‌بینند (وَ لا یُفْلِحُ السَّاحِرُونَ). «۲» «۳»

تذکر: همین تفاوت‌ها غالباً در مورد تفاوت معجزه با اعمال مرتاضان نیز صادق است.

مرتاضان با نوعی ورزش جسمی- روحی توانایی انجام کارهای خارق عادت را پیدا می‌کنند که در آن موارد نیز اراده شخص مرتاض همراه با اسباب غیر عادی در کار است. «۴»

ب: تفاوت معجزه و کرامت:

معجزه و کرامت هر دو عمل خارق العاده است که متکی بر نیروی ماوراء طبیعی است. امّا چند تفاوت دارند:

---

(۱). برای اطلاع بیشتر ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۵۸- ۳۵۹

(۲). یونس/ ۷۷

(۳). برای اطلاع بیشتر ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۵۸- ۳۵۹

(۴). ر. ک: علامه طباطبائی (ره)، اعجاز قرآن، ص ۱۲۲.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۸۹

۱. معجزه همراه با تحدّی (مبارزه طلبی) است امّا کرامت این‌گونه نیست. از این رو کراماتی که از اولیاء الهی صادر می‌شود. مثل شفا دادن بیماران توسط امام رضا (ع) همراه با تحدّی نیست.

۲. معجزه همراه با ادعای نبوت یا منصبی الهی است امّا کرامات این‌گونه نیست و صاحب کرامت ممکن است هیچ گونه ادعایی نداشته باشد.

۳. کرامات از اولیاء الهی صادر می‌شود چه پیامبر یا امام باشند یا نباشند. امّا معجزه از کسی صادر می‌شود که منصبی الهی (نبوت یا امامت) داشته باشد.

تذکر: البته معجزه و کرامت هر دو از امور خارق العاده الهی شمرده می‌شود که قابل تعلیم و تعلّم نیست و تحت تأثیر نیروی قوی‌تری واقع نمی‌شود و مخصوص بندگان خاص خداست. «۱» پس انسان‌هایی که پیامبر یا امام نیستند هم می‌توانند اعمال خارق عادت داشته باشند که به آنها کرامت می‌گوییم.

قرآن کریم به دو نمونه از این کرامات اشاره کرده که مورد استدلال متکلمان و مفسران نیز واقع شده است. یکی کرامات حضرت مریم (س) (مریم/ ۱۶ به بعد) و دوم داستان آصف و آوردن تخت بلقیس برای سلیمان (نمل/ ۳۸- ۴۰). «۲»

تناسب معجزه با زمان:

پیامبران الهی هنگام مبعوث شدن مطابق شرایط زمانی و مکانی و سطح علمی مردم مطالبی در خور فهم آنان می‌آوردند و بیان می‌کردند. حتی معجزات انبیاء متناسب با علوم پیشرفته زمان خودشان بود. تا مردم فرزانه زودتر و بهتر معجزات آنان را درک کنند و ایمان آورند.

---

(۱). برای اطلاعات بیشتر ر. ک: استاد مصباح یزدی، آموزش عقاید، ص ۲۶۵ و نیز تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۵ و کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، علامه حلی و خواجه طوسی، ص ۳۵۱

(۲). همان‌ها.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۹۰

یعنی هر پیامبری با خارق عادتی، از نوع پیشرفته‌ترین علوم زمان خویش مجهّز بوده است تا ارتباط او با عالم ماوراء طبیعت روشن‌تر گردد. و دانشمندان عصر در برابر آن خضوع و به حقانیت آن اعتراف کنند.

در حدیثی آمده که از امام رضا (ع) پرسیدند: که چرا هر پیامبری نوعی از معجزات داشته است. حضرت فرمودند:

«در عصر موسی سحر غالب بود و موسی (ع) عملی انجام داد که همه‌ی ساحران در برابر آن عاجز ماندند در زمان مسیح و محیط دعوت او پزشکان مهارت فوق العاده‌ای در معالجه بیماران داشتند، عیسی با درمان بیماران غیر قابل علاج، بدون استفاده از وسایل مادی، حقانیت خود را به ثبوت رساند.

و در عصر پیامبر اسلام (ص) غالب بر اهل زمان ادبیات (خطبه‌ها، کلام و شعر) بود. و پیامبر (ص) از طرف خدا مواعظ و حکمت‌هایی آورد که سخنان آنان را باطل کرد و حجّت بر آنها تمام شد.» «۱»

البته معنای این حدیث این نیست که قرآن کریم فقط از جهت فصاحت و بلاغت معجزه است بلکه از آنجا که معجزه‌ای جاویدان و برای همه زمان و مکان‌ها و مردم تا قیامت است. ابعاد اعجاز قرآن متنوع است و برای هر مردمی جنبه‌ای از اعجاز آن تبلور می‌یابد و درخشش دارد.

---

(۱). کافی، ج ۱، ص ۴- ۵ و علامه مجلسی (ره)، بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۹ و ج ۱۷، ص ۲۱۰ و نیز استاد مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۱۸- ۴۱۹.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۹۱

پرسش:

منابعی در زمینه قرآن و علم و سیر مطالعاتی آن معرفی کنید.

پاسخ:

سیر مطالعاتی در زمینه قرآن و علم

مرحله اول: آشنایی با مطالب قرآن و علم: ۱. رابطه علم و دین، عباسعلی سرفرازی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲. پیشگوئی‌های علمی قرآن، مصطفی زمانی، انتشارات پیام اسلام.

۳. مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دکتر موریس بوکای، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۴. آشنایی با تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضایی و ناصر رفیعی، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه‌ی علمیه.

۵. شگفتی‌هائی از اعجاز در قرآن کریم، محمد جمال الدین الفندی، ترجمه حسین میردامادی، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس

رضوی.

۶. استعانت از قرآن کریم در شفای جسمانی- علیرضا نیکبخت نصرآبادی، نشر قبله.

۷. قرآن و علم امروز، عبد الغنی خطیب، ترجمه دکتر اسد الله مبشری، موسسه مطبوعاتی عطایی.

۸. آموزه‌های تندرستی در قرآن، حسن رضا رضایی، انتشارات مشهور.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۹۲

مرحله دوم: شناخت اعجاز علمی قرآن و نقد و بررسی موارد و مبانی آن:

۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (دو جلد)، دکتر محمدعلی رضایی‌اصفهانی، انتشارات مبین.

۲. اشارات علمی اعجازآمیز قرآن، همان، نشر معارف.

۳. اعجاز قرآن، سید محمدحسین طباطبایی، بنیاد فکری علامه طباطبایی.

مرحله سوم: شناخت تاریخچه تفسیر علمی و رابطه علم و دین و حوزه‌ها و قلمرو و تعارضات ادعایی و راهکارهای آنها:

۱. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی‌اصفهانی، انتشارات اسوه.

۲. تفسیر علمی قرآن، دکتر ناصر رفیعی محمدی.

۳. رابطه علم و دین، محمدعلی رضائی اصفهانی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۴. التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، دکتر عمر ابو حجر، دارقتیبه، بیروت.

۵. قرآن و علوم طبیعت، دکتر مهدی گلشنی، امیرکبیر.

مرحله چهارم: شناخت عمیق رابطه قرآن و یکی از علوم انسانی یا طبیعی:

۱. طب در قرآن، دکتر دیاب و دکتر قرقوز، ترجمه علی چراغی، انتشارات صحفی.

۲. داروینیسم یا تکامل انواع، جعفر سبحانی، انتشارات توحید.

۳. تکامل در قرآن، علی مشکینی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۴. دانش عصر فضا، حسین نوری، نشر مرتضی.

۵. قرآن و روان‌شناسی، محمد عثمان نجاتی، ترجمه عباس عرب، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

۶. الالوان فی القرآن الکریم، عبد المنعم الهاشمی، ابن حزم.

۷. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر سید رضا پاک نژاد، چاپ اسلامیه.

۸. فلسفه احکام، احمد اهتمام، چاپخانه اسلام، اصفهان.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۹۳

۹. اعجاز قرآن، تحلیل آماری حروف مقطعه، رشاد خلیفه، سازمان چاپ دانشگاه شیراز.

۱۰. اسلام و طب جدید یا معجزات علمی قرآن، عبد العزیز اسماعیل پاشا، سید غلامرضا سعیدی، انتشارات برهان.

۱۱. نگاهی قرآنی به فشار روانی، اسحاق حسینی کوهساری، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۹۵

پرسش:

لطفاً نشانی پایگاههای شبکه جهانی (اینترنت) و نرم افزارهای قرآنی را معرفی کنید.

پاسخ:

برخی از پایگاه‌های قرآنی با رویکرد تفسیری و پژوهشی در موضوعات قرآنی:

۱. دایره‌المعارف قرآن در پایگاه حوزه:

نشانی:WWW .hawzeh .net قرآن و ترجمه، علوم قرآنی، تفسیر موضوعی و ترتیبی، دایره المعارف قرآن و اهل بیت و ...

زبان: فارسی

۲. پایگاه مرکز جهانی آل البیت (ع):

نشانی:WWW .quran - al .shia .com جستجو در قرآن، ارائه متن تفاسیر، طرح مباحث مختلف پیرامون قرآن و ... زبان: فارسی (و ۲۳ زبان دیگر)

۳. قرآن در پایگاه غدیر:

نشانی:WWW .qhadeer .org متن کامل ترجمه تفسیر المیزان، تفسیر نمونه، آثار تفسیری شهید مطهری و ... زبان: فارسی

۴. مرکز فعالیت‌ها و پژوهش‌های قرآن و عترت:

نشانی:WWW .tasnimnet .net

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۹۶

معرفی هزار پایان‌نامه دکترا و ارشد با موضوع قرآن

زبان: فارسی، عربی و انگلیسی

۵. قرآن در جست و جو گر پایگاه‌های شیعی

نشانی:WWW .shiasearch .com در بخش قرآن کریم معرفی ۱۳۴ پایگاه اسلامی و قرآنی اینترنت به صورت کاملًا تفصیلی و با فهرست جزئیات هر پایگاه. زبان: فارسی، عربی، انگلیسی، اردو.

۶. پایگاه قرآن کریم:

نشانی:WWW .holyquran .net تفسیر قرآن، مقالاتی در زمینه قرآن و ... زبان: عربی

۷. کتابخانه‌ی قرآنی:

نشانی:WWW .al - shia .com /html /far /qur /kotob .htm ارائه تعداد زیادی از کتاب‌های تفسیری و علوم قرآنی

زبان: فارسی

۸. قرآن برای نوجوانان:

نشانی:WWW .playandlearn .org /quran /inde .htm شامل کتاب‌های کوچک و جذاب قرآنی برای کودکان و نوجوانان زبان: انگلیسی

۹. پایگاه قرآن و علم: (مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی)

نشانی:

WWW. quransc. com Email: info

quransc. com

quran

quransc. com پرسش‌های قرآنی جوانان ۱۴۹

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۹۷

معرفی چند نرم افزار قرآنی:

۱. جامع التفاسیر

لوح فشرده اختصاصی در موضوع تفسیر و علوم قرآنی، در بردارنده ۶۰ دوره منبع تفسیری، همراه امکانات جانبی صوت، نمایش قرآن و ...

۲. صراط

دارای موضوع نگاری ۲۰ دوره تفسیر، گزارش موضوعات تفاسیر به روش الفبایی- موضوعی، شناخت تفاسیر، سبک تفسیری و ...

۳. نور الانوار (۲)

دارای ۹ تفسیر فارسی و عربی، با قابلیت جست و جوی واژه‌ها در متن تفاسیر.

منبع جهت مطالعه:

فصلنامه پژوهش و حوزه شمارگان ۱۹ و ۲۰، سال پنجم، شماره‌ی سوم و چهارم، دو مقاله‌ی پژوهشگاه‌های قرآنی در اینترنت و نگاهی به نرم افزارهای پژوهشی قرآنی، اثر محمد خامه‌گر.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۹۹

پرسش:

فهرستی از موضوعات تحقیقی در مورد قرآن و علم همراه با منابع ارائه فرمایید؟

پاسخ:

اول: کلیات

۱. قرآن و علم (رابطه، قلمرو، توهم تعارض و راهکارها)

۲. شمارگان آیات علمی قرآن و تقسیم‌بندی‌های دلالت آنها

۳. اعجاز علمی قرآن (تعریف و موارد آن)

۴. مبانی تفسیر علمی قرآن

۵. نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن (وجود موجودات در آسمان‌ها- گسترش جهان و ...)

۶. سیر تاریخی تفسیر علمی و اعجاز علمی قرآن

۷. بررسی ادعاهای جدید در مورد اعجاز علمی قرآن

۸. کتاب‌شناسی توصیفی تفسیر علمی

۹. اعجازهای علمی قرآن در تفسیر نمونه

۱۰. تفسیر آیات علمی قرآن در تفسیر نمونه

۱۱. تفسیر علمی در احادیث تفسیری فریقین

۱۲. آسیب‌شناسی تفسیر علمی قرآن در تفاسیر قرن سیزدهم- قرن چهاردهم

۱۳. نقد و بررسی برخی کتاب‌های تفسیر علمی و اعجاز علمی

۱۴. نقد و بررسی تفسیر الجواهر طنطاوی

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۰۰

۱۵. نقد و بررسی تفسیر القرآن هو الهدی و الفرقان (سر سید احمد خان هندی)

۱۶. روش‌شناسی تفسیر علمی قرآن

۱۷. بررسی تاثیرات تفسیر علمی و اعجاز علمی قرآن در هدایت افراد

۱۸. ترجمه و بررسی مقاله قرآن و علم در دائره المعارف قرآن لیدن

۱۹. ترجمه و نقد دو مقاله تفسیر در عهد باستان و تفسیر در عهد جدید دائره المعارف قرآن لیدن

۲۰. تفسیر علمی قرآن از منظر خاورشناسان.

۲۱. سرچشمه‌های تفسیر علمی در احادیث اهل بیت (ع)

دوم: علوم طبیعی

۱. قرآن و کیهان‌شناسی

الف. بررسی آیات و احادیث کیهان‌شناسی

ب. بررسی هفت آسمان در قرآن و حدیث

۲. قرآن و زمین‌شناسی

۳. قرآن و زیست‌شناسی

۴. قرآن و گیاه‌شناسی

۵. قرآن و علوم پزشکی

الف. بررسی احادیث طبی

ب. مراحل آفرینش انسان

ج. اسرار علمی غذاهای حرام در قرآن

د. اسرار علمی غذاهای حلال (طیّب) در قرآن

هـ. تغذیه از منظر قرآن

و. شراب از منظر قرآن، حدیث و علم

۶. قرآن و محیط زیست

۷. قرآن و فیزیک (موضوع نیروی جاذبه و رنگ و نور در قرآن)

۸. قرآن و علوم فرا روان‌شناسی (هپنیوتیزم، تله پاتی، سحر، چشم زخم و ...)

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۰۱

۹. بررسی اعجاز ریاضی قرآن

۱۰. قرآن و نظریه تکامل

۱۱. آفرینش جهان از منظر قرآن و علم

۱۲. پایان جهان از منظر قرآن و علم

۱۳. بهداشت جسمی در قرآن

الف. بررسی بهداشت جسمانی در قرآن و حدیث

۱۴. شفا بودن عسل

سوم: علوم انسانی

۱. قرآن و مدیریت

۲. قرآن و اقتصاد

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۰۲

الف. مبانی سیاست در قرآن

ب. نظام سیاسی از منظر قرآن

ج. آیات سیاسی قرآن

۲۶. قرآن و انقلاب (انقلاب موسی و ...)

۲۷. قرآن و معرفت‌شناسی

۲۸. قرآن و علم کلام

۲۹. قرآن و فلسفه

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۰۳

کتاب‌شناسی قرآن و علم

جهت مطالعه علاقه‌مندان به مباحث قرآن و علوم تجربی

نمایش‌تصویر

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۰۴

نمایش‌تصویر

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۰۵

نمایش‌تصویر

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۰۶

نمایش‌تصویر

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۰۷

نمایش‌تصویر

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۰۹

فصل دوم: قرآن و علوم پزشکی

اشاره

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۱۱

پرسش:

چند آیه در قرآن کریم، اختصاص به مسائل پزشکی دارد؟ و کدامیک از آنها دارای اعجاز علمی هستند؟ لطفاً منابعی برای مطالعه معرفی نمایید.

پاسخ:

آیاتی را که درباره‌ی پزشکی وارد شده، می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. آیاتی که به اعجاز علمی قرآن اشاره می‌کند.

۲. آیاتی که از شگفتی‌های علمی قرآن به شمار می‌آید.

۳. آیاتی که از اشارات علمی قرآن به مسایل پزشکی محسوب می‌شود.

۱. آیات اعجاز علمی قرآن:

الف: چینش مراحل خلقت انسان:

نمایش تصویر

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۱۲

نمایش تصویر

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۱۳

نمایش تصویر

۲. شگفتی‌های علمی قرآن در زمینه‌ی پزشکی:

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۱۴

۳. اشارات علمی قرآن در زمینه‌ی پزشکی:

نمایش تصویر

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۱۵

نمایش تصویر

۲. اشارات علمی اعجازآمیز قرآن، همان، دفتر نشر معارف.

۳. اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، نیازمند شیرازی، چاپ میهن.

۴. طب در قرآن، عبد الحمید دیاب، احمد قرقوز، مؤسسه‌ی علوم قرآن.

۵. اوّلین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر پاک‌نژاد، ج ۴ و ۵ و ۶، کتابفروشی اسلامی.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۱۶

۶. آموزه‌های تندرستی در قرآن، حسن رضا رضایی، انتشارات عطرآگین.

۷. اسلام پزشک بی‌دارو، احمد امین شیرازی، انتشارات اسلامی.

۸. التمهید، محمدهادی معرفت، ج ۶، نشر اسلامی.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۱۸

پرسش:

آیا طب اسلامی و قرآنی از طب جالینوس و بقراط متأثر شده است؟

پاسخ:

قبل از پاسخ توجه به چند نکته ضروری است:

اوّل: هدف نزول قرآن، تربیت معنوی و هدایت انسان‌ها به سوی سعادت و کمال است، و در این راه نیازی به بیان همه‌ی معارف تجربی و غیر تجربی برای بشر نیست؛ چون انسان دارای عقل و احساس است و خود می‌تواند مسائل تجربی و علوم را به دست آورد. بنابراین منظور از «تِبْیاناً لِکُلِّ شَیْ‌ءٍ؛ «۱» قرآن بیان کننده‌ی همه چیز است» مقصود همه‌ی آن چیزهایی است که در راستای هدایت معنوی بشر باشد، نه علوم تجربی و پزشکی. «۲»

ذکر بعضی از مسائل علمی و پزشکی در قرآن به صورت اشاره و فرعی است و موضوعیت ندارد و هدف قرآن از بیان مسائل علمی

و پزشکی این است که:

راه خداشناسی را هموار کند؛

و کنجکاوی بشر در معارف قرآن را تحریک نماید؛

و همچنین مسلمانان را، به علم و مطالب علمی تشویق نماید. «۳»

دوم: قرآن کریم با علوم و فرهنگ عصر خویش برخورد سه گانه‌ای داشته است:

---

(۱). نحل / ۸۹

(۲). تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه، ج ۱۲، ص ۴۹۵

(۳) ر. ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات اسوه، ص ۱۷۷.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۱۹

۱. برخورد انکاری؛ ۲. برخورد اثباتی؛ ۳. برخورد اصلاحی.

قرآن وحی الهی و معجزه‌ی جاویدان پیامبر اسلام (ص) است و ممکن نیست علوم بی‌پایه و خرافی را در خود جای دهد، «لا يَأْتِيهِ الْباطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ؛ «۱» که هیچ گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی‌آید.»

بنابراین قرآن و روایت صحیح، مطالب علمی و پزشکی بی‌پایه و نادرست را در خود جای نداده‌اند. «۲» علاوه بر آن، ترجمه‌ی متون طب جالینوس و بقراط، تا زمان پیامبر اسلام (ص) در جزیره العرب مرسوم نبوده تا قرآن از آن متأثر شده باشد.

سوم: قرآن کتاب پزشکی و بهداشتی نیست تا از آن انتظار علم پزشکی داشته باشیم. اما برای تفکّر در آیات الهی و ... بعضی از مسائل مانند: جنین‌شناسی، انگشت‌نگاری، شفاگری عسل و بهداشت جسمی و روانی و تغذیه و ... را مطرح کرده امّا نه به صورت دائره المعارف پزشکی، بلکه به صورت کنایه و اشاره‌ای و در بعضی موارد نیز به صورت مبهم گذشته است.

مطالب مطرح شده در قرآن با علم قطعی روز مطابقت دارد و هیچ گونه تعارضی ندارد و بعضی از مسائل پزشکی قرآن در زمان طب جالینوس موضوعیت نداشت؛ ولی امروزه با آزمایش‌های پیشرفته موضوعیت پیدا کرده است.

چهارم: جابجایی علم بین تمدّن‌ها و مناطق زمین از جمله بین شرق و غرب سابقه‌ای طولانی دارد (که در ادامه اشاره می‌کنیم) و این یک امر طبیعی است که ملت‌ها علوم را به همدیگر وام می‌دهند.

با این مقدمه، به معرفی طب جالینوس و برخورد مسلمانان با آن می‌پردازیم.

---

(۱). فصلت / ۴۲

(۲). قرآن و فرهنگ زمانه، حسن رضا رضایی، مرکز مطالعات و پژوهش‌های حوزه علمیه قم، چ ۱، ۱۳۸۳، ص ۲۲ به بعد.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۲۰

طب جالینوس و بقراط و تاثیر آن بر طب اسلامی:

«بُقراط» یا «ابقراط»، طبیب بزرگ یونانی (۲۵۰۰ Hippocrlle) سال قبل می‌زیست. هر چند نوشته‌های بقراطی به طور گسترده مورد استفاده‌ی برخی پزشکان مسلمان قرار گرفت؛ امّا به طور کل تأثیر تعیین کننده و مستقیم نوشته‌های جالینوس را نداشت. از این رو در این مقاله به تأثیر طب جالینوس بر طب اسلامی می‌پردازیم:

«جالینوس» (۱۳۱- ۲۰۱ م) در زمان «مارک اورل»، امپراطور روم می‌زیست. ایشان در ابتدا به سوی فلسفه رفت و بعد به طب روی آورد و شروع به آموختن آن کرد و برای تکمیل داروشناسی به جزیره‌ی «قبرس» و سپس به «فلسطین» رفت.

قریب به ۱۰۰ جلد (بعضی تا ۴۰۰ جلد نیز گفته‌اند) کتاب و رساله دارد و مهمترین آنها سته عشر (شانزده کتاب) جالینوس است. «۱» از سال ۴۵۷ م دولت روم، نسطوره‌ها «۲» را از قلمرو خود رانـد و در سال ۴۸۱ میلادی رسـماً مرکز علمی این فرقه را بست و سپس رؤسای روحانی نسطوری آن مرکز را در نصیبین قرار دادند. پس از آن نسطوریان به سوی مشرق و به ویژه قلمرو ایران انتقال یافتند. مرکز روحانی نسـطوریان بعدها در ۴۹۸ م به پـایتخت ایران، یعنی سـلوکیه و تیسـفون منتقل شـد. آنها مرکز علم خود را در جنـدی شاپور برقرار نمودند و در آنجا یک مدرسه‌ی طبی دایر شد که در آن علم طب یونانی- که حامل آن نسـطوریان روم بودند- و طب هندی- که از سواحل سند به آنجا راه یافت- آمیخته شد. جندی شاپور یک بیمارستان و یک دانشکده‌ی پزشکی مهم داشت. «۳»

---

(۱). ر. ک: تاریخ طب ایران پس از اسلام، محمود نجم‌آبادی، دانشگاه تهران، ص ۲۵- ۱۵

(۲). نسطوریان یا نساطره، عده‌ای از دانشمندان تابع نسطوریوس بزرگ قسطنطنیه بودند

(۳). ر. ک: پویـای فرهنگ و تمـدن اسـلام و ایران، علی اکبر ولایتی، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۲، چ ۱، ج ۱، ص ۲۱۶.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۲۱

در واقع علم طب به معنای معروف آن در دوره‌ی اسـلامی، با ترجمه‌ی کتاب‌های یونانی و هنـدی آغاز شـده است. همچنین مرکزی به نام «بیت الحکمه» برای ترجمه‌ی متون خارجی در بغداد تأسیس شد.

برای مثال: حنین بن اسـحاق عبادی از مسـیحیان نسـطوره‌ای، از اهل حیره در جنوب عراق بود و ده سال قبل از مرگ خود نوشت: از آثار جالینوس ۹۵ اثر را به سـریانی و ۳۴ اثر را به عربی برگردانـده است، ایشـان نقش بسـزایی در تکوین واژگان علمی و پزشکی کلاسیک اسلامی ایفا کرد. «۱»

در دوران خلفای عباسی، کار ترجمه در مقیاس بزرگی رونق گرفت. نظریه‌ها و اعمال پزشکی یونان و روم شرقی کاملًا پذیرفته شد، و در روش پزشکی افراد جای گرفت. این روش تا پایان سده‌ی سوم ادامه داشت.

در سده‌ی سوم هجری نوع تازه‌ای از نوشته‌های پزشکی پدید آمد، که «الطب النبوی» نامیده می‌شد.

و هدف از تدوین آن، ارائه‌ی راه دیگری در برابر نظام‌های پزشکی موجود بود که منحصراً بر پایه‌ی پزشکی یونان قرار داشت.

مؤلفان این نوشـته‌ها، بیشتر عالمان دینی بودنـد تا پزشک، و روش‌های پزشـکی زمان پیامبر (ص) و قرآن و حدیث را از طب یونانی برتر می‌دانسـتند. و گاهی آنها دو رویکرد را در هم می‌آمیختند. «۲» مانند: «رساله‌ی مختصر فی طب» از ابن حبیب اندلسی (۱۷۴ ه-)، «طب الرضا» و «الطب النبوی» از ابی عاصم (۲۸۷ ق) «۳».

---

(۱) همان، ص ۲۱۷

(۲). همان، ص ۲۱۸

(۳). مجله پژوهش حوزه، شماره ۱۸- ۱۷، سال پنجم، مقاله نگارش احادیث طبی، ص ۱۱۵- ۱۱۰.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۲۲

برخورد پزشکان مسلمان با طب جالینوس:

علم طب اسـلامی در جـوی از سـتایش و تحسین برای بقراط و بـا الهـام مسـتقیم از تعـالیم جـالینوس پیشـرفت کرده است. «۱» مقام جالینوس در میان پزشـکان مسلمان آن‌قدر با اهمیت بود که تمام آثار وی را به زبان عربی ترجمه کردند و نظرات او با اهمیت تلقّی می‌شد، و پزشکان مسلمان خود را شاگرد جالینوس می‌دانسته‌اند.

مهم‌ترین کاری که پزشکان مسلمان برای پیشرفت طب جالینوس انجام دادند به شرح ذیل است.

۱. طب پراکنده و مشوش یونانی را مرتب نمودند.

۲. طب را از صورت نظری بیرون آورده و طب عملی و تجربی را ایجاد کردند.

۳. علم امراض را توسعه داده و بسیاری از بیماری‌ها را که تا آن زمان از آنها اطلاعاتی در دست نبود در علم طب وارد کردند.

۴. اثر داروها را در طب براساس «وظایف الاعضاء» بررسی کردند و به نتایج قابل توجهی دست یافتند. «۲»

هر چند طب جالینوس و بقراط در میان مسلمانان حاکم بود اما بسیاری از مسایل پزشکان مسلمان که در مواجهه با بیماران خود با آن روبرو بودند؛ اختصاص به سرزمین اسلامی و شرایط خاص آن داشت، و در نوشته‌های یونانی از آن ذکری به میان نیامده بود.

درباره‌ی گیاهان دارویی نیز در کتاب «حشائش» دیوسکوریدس، ۵۰۰ گیاه بررسی شده، امّا در کتاب «الحاوی» زکریا، ۷۰۰ گیاه و در کتاب «الجامع لمفردات الادویه و الاغذیه» ۱۴۰۰ گیاه بررسی شده است.

---

(۱) تاریخ طب در ایران پس از اسلام، همان، ص ۲۵

(۲). طب اسلامی، ادوارد براون، ترجمه مسعود رجب نیا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۳۷، چ ۱، ص ۱۵.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۲۳

کتاب «قانون» ابن سینا پس از ترجمه به زبان لاتین، مورد توجه دانشمندان و پزشکان غرب قرار گرفت. اهمیت «قانون» در این است که پیش از آن که در پزشکی تابع آرای جالینوس باشد؛ با آرای جالینوس و ارسطو در تقابل است. «۱»

جناب محمد بن زکریای رازی (۲۵۱- ۳۱۳ ق) کتابی در رد نظریه‌های جالینوس به نام «الشکوک علی الجالینوس» «۲» به نگارش درآورد که در مقدمه‌ی آن می‌گوید: «مقام جالینوس بر هیچ‌کس پوشیده نیست ممکن است بعضی از کوته نظران مرا مذمّت کنند ولی فیلسوف و حکیم بر من خرده نخواهد گرفت، به دلیل آنکه در حکمت و فلسفه جایز نیست و می‌بایست از روی دلیل و برهان گفتگو به عمل آید و اگر شخص جالینوس زنده بود مرا به خاطر این تألیفات، ستایش می‌کرد.» «۳»

همچنین ایشان آرای جالینوس را درباره‌ی دیدن، شنیدن، رسیدن شعاعات نوری از جسم به چشم، نقد کرده است.

و ابو نصر فارابی نیز در کتاب «الرد علی الجالینوس فیما نقض علی ارسطاطیس لاعضاء الانسان» نظرات جالینوس را به نقد کشید. «۴»

همچنین ابن نفیس دمشقی (قرن ششم) نظرات جالینوس را در مورد گردش خون مورد نقد قرار داده است.

نتیجه‌گیری:

۱. قرآن وحی الهی است و هیچ تفکر بشری حتی پیامبر (ص) در محتوا و نقل آن دخالتی ندارد و از هیچ علم و فرهنگی متأثر نشده است؛ چون خود ریشه و

---

(۱). پویای فرهنگ و تمدن اسلامی، همان، ج ۱، ص ۲۳۴

(۲). انتشارات موسسه مطالعات اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ ش

(۳). به نقل از طب اسلامی، ادوارد براون، همان، ص ۱۳

(۴). فوائد سزگین، تاریخ نگارش‌های عربی، پزشکی، تهران، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۴۱۷.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۲۴

مبدا افاضه‌ی علوم است. و همچنین روایات صحیح معصومین (ع) که منشأ آن قرآن است؛ از زبان معصومی که حامل علم لدنی

است صادر شده است.

۲. قرآن کتاب پزشکی نیست؛ ولی بعضی از مسائل پزشکی را به صورت کنایه و اشاره‌ای بیان کرده است و با جدیدترین نظریات پزشکی، مطابقت دارد.

۳. جابجایی علمی از منطقه‌ای از جهان به منطقه‌ی دیگر، امری طبیعی است و بارها علم پزشکی بین شرق و غرب تبادل شده است.

۴. طب جالینوس تأثیر بسزایی بر پزشکان مسلمان گذاشت نه بر قرآن و احادیث صحیح؛ تا جایی که پزشکان مسلمان پیشرفت خود را مدیون متون ترجمه شده‌ی «جالینوس و بقراط» می‌دانند. اما از قرن سوم به بعد، مسلمانان با الهام از وحی الهی و احادیث و تجربه‌های فراوان در زمینه‌ی پزشکی با توجه به شرایط جغرافیایی و انسانی، به پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای دست یافتند، که به «عصر طلایی» معروف شد. و نظرات جالینوس را به نقد کشیده‌اند و دیدگاه‌های ابتدایی او را «تقویت»، «رد» و یا «اصلاح» نمودند.

معرفی کتاب:

۱. پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، ج ۱.

۲. تاریخ طب در ایران پس از اسلام، نجم‌آبادی.

۳. طب اسلامی، ادوارد براون، ترجمه از رجب نیا.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۲۶

پرسش:

تاریخچه طب اسلامی را بیان کنید؟

پاسخ:

آغاز پزشکی، دارای تاریخ معین نمی‌باشد و نظرات مختلفی درباره آن ارائه شده است. عده‌ای «هرمس لول» (ارس یا همان ادریس پیامبر) را به عنوان بنیانگذار پزشکی و طب معرفی نموده‌اند و برخی دیگر به تمدن‌های بابل، یمن، مصر، فارس، هند، یونان و ... نسبت داده‌اند و بعضی می‌گویند: پزشکی به صورت یک هنر آغاز شد و در طی قرن‌ها به شکل یک علم درآمد.

ولی معلوم است که تاریخ پزشکی با تاریخ آفرینش انسان گره خورده زیرا درد و بیماری از انسان جدا شدنی نبوده است. اما به صورت مدوّن و کلاسیک در زمان جالینوس (۲۰۱ میلادی) و بقراط و افلاطون نظمی به خود بخشیده «۱» و با ظهور اسلام در شبه جزیره‌ی عربستان رشته‌ی پزشکی شکوفایی فزاینده‌ای به خود گرفته است.

قرآن و روایات معصومین:

علاوه بر تشویق به کلیات علم، به فراگیری یک علم خاص نیز توصیه می‌کردند. برای مثال از آنها حکایت شده که علم پزشکی را هم ردیف علم دین

---

(۱). جالینوس و بقراط معتقدند: پزشکی با الهام از سوی خداوند به افراد و پزشکان- در حالت رویا یا ظهور روشی برای درمان درد- ایجاد شده است. و افلاطون پزشکی را به صورت قیاسی و تجربه می‌داند. (ر. ك: نگرش نوین به طب، دکتر غلامرضا نور محمدی، ص ۱۰- ۵، مجله پژوهش حوزه، شماره ۱۸- ۱۷. سال پنجم.)

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۲۷

قرار داده‌اند: «العلم علمان، علم الادیان و علم الابدان» «۱» و در این باره توصیه‌های مؤکّد بهداشتی و درمانی معصومین (ع) به صورت مجموعه‌های پزشکی و بهداشتی مدون شده که از جمله: «طب النبی»، «طب الصادق» و «طلب الرضا» مشهور است و

دانشمندان مسلمان اعم از؛ سنی و شیعه کتاب‌های فراوانی در مورد احادیث طبی به نگارش در آوردند که خود زمینه‌ی رشد و شکوفایی پزشکی در بین مسلمانان شده است. «۲»

مراحل رشد پزشکی در اسلام

با نگاهی گذرا می‌توان دوران ظهور اسلام در عرصه‌ی پزشکی را به چهار مرحله تقسیم نمود:

مرحله‌ی اول:

ابتدای ظهور دین اسلام تا سال ۱۳۳ هجری قمری (۷۵۰ میلادی) که شامل پزشکی در دوران نبوت، خلفا و عصر اموی بوده است.

در این دوره به علّت نو پا بودن حکومت اسلامی و گسترش ممالك اسلامی به علم پزشکی توجه چندانی نشد و در نتیجه نام پزشك مسلمان برجسته‌ای گزارش نشده است.

در دوران حیات رسول اکرم (ص) افراد زیر به عنوان پزشك مطرح بودند:

الف. شمردل بن قباب کعبی نجرانی: وی نبوت پیامبر اسلام (ص) را پذیرفت و مسلمان شد.

ب. ضماد بن ثعلبه ازدی: ایشان نیز در زمان پیامبر مسلمان شد.

د. ابن ابی رمثه تمیمی: ایشان در جراحی مهارت داشت.

---

(۱). بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۰

(۲). ر. ك: نگارش احادیث طبی، دکتر غلامرضا نورمحمدی، ص ۱۱۰، مجله پژوهش حوزه، سال پنجم، ۱۸- ۱۷.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۲۸

دوران اموی:

الف. تیاذوق: وی یکی از پزشکان مسیحی در اواخر قرن اول هجری بوده است. وی طبیب مخصوص حجاج بن یوسف ثقفی بود و در سال ۹۰ ه-. ق، در شهر واسط درگذشت. کتاب «ابدال الادویه و کناش» از تالیف‌های اوست.

ب. ابن آثال: طبیب مخصوص معاویه بود، و ریاست پزشکان شام را به عهده داشته، و در علم خواص ادویه و ترکیب سموم کشنده، بسیار ماهر بوده است. معاویه از سموم ساخته شده این طبیب برای شهادت امام حسن مجتبی (ع)، مالك اشتر نخعی، عبد الرحمن بن خالد بن ولید بهره برد.

مرحله‌ی دوم:

این مرحله همزمان با دوران عباسی است که از سال ۱۳۳ هجری قمری (۷۵۰ میلادی) تا سال ۲۸۷ ه-. ق (۹۰۰ م) را فرا می‌گیرد و به دو بخش تقسیم می‌گردد.

الف. عصر ترجمه: تاسیس بیت الحکمه، در زمان هارون، که افراد فراوانی به ترجمه‌ی آثار تمدن یونانی، رومی و هندی روی آوردند و سرآمد آنان ابو زید حنین بن اسحاق عبادی «۱» و فرزندش اسحاق بن حنین بوده است.

ب. عصر تالیف: پس از ترجمه‌ی آثار پزشکی، افرادی به صورت پراکنده به تالیف کتاب‌های پزشکی پرداختند. آغاز عصر تالیف با نام «ابو الحسن علی بن

---

(۱). ایشان از مسیحیان نسطوره‌ای اهل حیره در جنوب بغداد بود و متن‌ها را به عربی و سریانی ترجمه می‌کرد و ۹۵ اثر از جالینوس را به سریانی و ۳۴ اثر او را به عربی ترجمه کرد، و نقش بسزایی در تکوین واژگان علمی و پزشکی کلاسیك اسلامی ایفا کرد. (پویای فرهنگ، ولایتی، ج ۱، ص ۲۱۷)

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۲۹

سهل بن طبری» «۱» گره خورده است. کتاب «فردوس الحکمه‌ی» او، شروع حرکت نوین، در پزشکی تمدّن اسلامی می‌باشد. «۲»

مرحله‌ی سوم:

این دوران، عصر طلایی پزشکان مسلمان است که از سال ۲۸۷ تا ۷۰۰ هجری قمری (۹۰۰- ۱۳۰۰ م) را در بر می‌گیرد. بیشترین پزشکان و نوآوری‌ها و بالاترین رشد را در این دوره داشتند و تمام دانشمندان غرب، این دوره را «عصر طلایی» رشد مسلمانان نامیده‌اند؛ تا جایی که دکتر «جی ای پارک» می‌گوید:

«در حالی که اروپائیان در دوران سیاه به سر می‌بردند، مسلمانان در بقیه‌ی نقاط متمدن جهان به پیش می‌رفتند، آنان در بغداد، دمشق، قاهره و دیگر شهرها مدارس پزشکی و بیمارستان بر پا می‌کردند. آنها مشعل فروزانی از دانش پزشکی بر افروختند.

بیش از ۶۰ بیمارستان در بغداد و ۳۳ بیمارستان در قاهره ساخته شد. در حالی که در اروپا اولین بیمارستان در سال ۱۷۹۳ م در شهر یورک انگلستان بناشد. «۳»»

لازم به ذکر است پزشکان مشهور مانند ابن سینا، رازی، اهوازی، جرجانی و ... در این دوره بودند.

مرحله‌ی چهارم:

این مرحله دوران افول دانش پزشکی مسلمانان است که علل و عوامل زیادی مانند: جنگ‌ها، اختلافات مذهبی، فرار دانشمندان به نقاط دیگر، آتش زدن

---

(۱). ایشان در خدمت معتصم، واثق و متوکل عباسی بود. (۲۳۰ ه-. ق)

(۲). ر. ک: دوران تالیف و تصنیف کتب طبی در تمدن اسلام و ایران، محمود نجم‌آبادی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۷

(۳). پزشکی پیشگیری اجتماعی، جی ای پارک، پارک، ج ۲، ص ۹. به نقل از غلام رضا نورمحمدی، مفهوم طب اسلامی، ص ۲۲.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۳۰

کتابخانه‌ها و ... سبب سستی و شروع انحطاط مسلمانان شده است. و از قرن شانزدهم میلادی طلوع علوم پزشکی در غرب آغاز شد، و نهضت احیای علم پزشکی راه‌اندازی گردید. «۱»

نتیجه:

حاصل سخن اینکه، طب اسلامی از ترجمه‌ی متون آثار یونانی و هندی شروع شده، امّا با توجه به وجود قرآن در بین مسلمانان و توصیه به فراگیری علم و بیان برخی مطالب پزشکی مانند: مراحل خلقت انسان و ... موجب تحریک و کنجکاوی بشر درباره‌ی مسائل پزشکی شد، و همچنین می‌توان گفت: مطرح نمودن بحث شفاء مانند: قرآن و عسل و وجود احادیث طبی و ... عامل رشد پزشکی در تمدن اسلامی بوده و «عصر طلائی پزشکی» را از سال ۲۸۷ تا ۷۰۰ ه- به وجود آورده است.

برای مطالعه بیشتر به منابع زیر مراجعه فرمایید:

۱. ادوارد براون، طب اسلامی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، انتشارات بنگاه و نشر کتاب.

۲. تاریخ پزشکی ایران، الگود سیریل، ترجمه باهر فرقانی، امیرکبیر.

۳. تاریخ علوم در اسلام، سید حسن تقی‌زاده، فردوس.

۴. تاریخ طب در ایران پس از اسلام، محمود نجم‌آبادی، دانشگاه تهران.

۵. پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی در ایران، علی اکبر ولایتی، ج ۱.

۶. مجله پژوهش حوزه، شماره ۱۸- ۱۷، سال پنجم، غلامرضا نورمحمدی، مقاله‌ای با نام نگرشی به مفهوم طب اسلامی.

۷. پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان از آغاز تا عصر حاضر، محمدتقی سرمدی، تهران، انتشارات سرمدی، اسفند ۱۳۷۹.

---

(۱). پارا سلوس (۱۵۴۱– ۱۴۹۳ م) را احیا کننده‌ی پزشکی نوین می‌دانند. این فرد سوئیسی تمام آثار جالینوس و ابن سینا را به آتش کشید و بحث پژوهش عقلی را مطرح نمود

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۳۲

پرسش:

مهمترین پزشکان مسلمان و نوشته‌هایشان را بنویسید؟

پاسخ:

نام مهمترین پزشکان مسلمان همراه با آثارشان به شرح ذیل است:

۱. تیاذق، طبیب حجاج بن یوسف ثقفی (م ۹۰ ق):

درباره‌ی بیوگرافی او اطلاعات جزیی در دست است. برخی قصیده‌ی عربی درباره «حفظ الصحه» را به او نسبت داده‌اند و ترجمه‌ی منظوم فارسی آن را به ابن سینا نسبت داده‌اند. این قطعه عربی ظاهراً مشتمل بر هشتاد بیت بوده است. «۱»

ابن ابی اصیبعه، یک کناش بزرگ و دو کتاب کبیر در تهیه ادویه و تفسیر اسامی ادویه را به او نسبت می‌دهد. «۲»

۲. حنین بن اسحاق عبادی، (قرن دوم):

ایشان از مسیحیان نسطوره‌ای اهل حیره در جنوب عراق بود و متون پزشکی را به عربی و سریانی ترجمه می‌کرد و از آثار جالینوس ۹۵ اثر را به سریانی و ۳۴ اثر را به عربی ترجمه کرد و رساله‌ای درباره‌ی چشم پزشکی دارد.

---

(۱). که با این بیت آغاز می‌شود:

توق اذا استطعت ادخال مطعم علی مطعم من قبل فعل الهواظم

تا طعامی نگذرد از معده به بالای آن هر طعامی کان خوری باشد تو را عین و زبان

(۲). ر. ک: تاریخ علوم در اسلام، سید حسن تقی‌زاده، تهران، فردوسی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۶.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۳۳

تالیفات او: المسائل فی الطب المتعلمین، عشر مقالات فی العین، رساله‌ی چشم پزشکی. «۱»

۳. ابو الحسن علی بن سهل رَبَّن طبری (۲۴۰ ق):

ایشان روش‌های پزشکی یونانی و رومی را کتاب فردوس الحکمه در خلاصه کرد، و فصل جداگانه‌ای نیز به پزشکی هندی اختصاص داد، نظریات او در آسیب‌شناسی، طب بالینی، داروشناسی، اهمیّت فراوان دارد و این کتاب را در سال ۲۳۷ ق به متوکل خلیفه‌ی وقت اهدا کرد. «۲»

۴. علی بن عیسی، (سده سوم)

«تذکره الکحالین» را نوشت که حاوی ۱۳۰ بیماری چشم است.

۵. عمار موصلی (سده سوم)،

در «رساله‌ای در بیماری چشم»، ۴۸ بیماری را بحث کرد. او به شیوه‌ی در آوردن آب مروارید (کاتاراکت) از راه سوزن توخالی همراه با مکش اشاره دارد.

۶. ابو بکر محمد بن زکریای رازی (م ۳۱۱ ق)،

کتاب‌های او عبارتند از: المنصور فی الطب و کتاب الحاوی و ...

رازی هم در طب و هم در کیمیا تبحّر داشت و در بغداد بیمارستانی تأسیس کرد. کتاب «الحاوی» او بزرگ‌ترین و جامع‌ترین کتاب طبی عصر خویش است. وی رساله‌ای برای تشخیص «آبله» و «سرخک» دارند که پیش از آن هیچ طبیب یونانی یا اسلامی درباره‌ی آن چیزی ننوشته‌اند و ۷۰۰ داروی گیاهی را شناسایی کرد. ایشان به نقد نظریات طب جالینوس پرداخت و مهم‌ترین آن‌ها درباره‌ی

---

(۱). ر. ك: فواد سزگین، تاریخ نگارش‌های عربی، پزشکی، ص ۴۵- ۳۲۸، تهران، ۱۳۸۰، ج ۳، تاریخ تمدن، ولایتی، ج ۱، ص ۲۱۷

(۲). پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی در ایران، علی‌اکبر ولایتی، ج ۱، ص ۲۱۸.

دیدن، شنیدن، رسیدن شعاعات نوری از جسم به چشم و ... می‌باشد. «۱» و کتاب نقد آن به زبان لاتین از سال ۱۴۹۸ تا ۱۸۶۶ چهل بار تجدید چاپ شده است؛ و آقای «نویبورگ» این کتاب را زینتی برای طب اسلامی می‌داند. «۲»

۷. اخوینی بخاری (۳۷۳ ه‍- ق)

صاحب «هدایه المتعلمین فی الطب» می‌باشد [اولین پزشکی نامه ۸. علی ابن عباس اهوازی: (م ۳۸۴ ه‍- ق)

وی دارای کتاب «کامل الصناعه» است و این کتاب که طب ملکی نیز خوانده می‌شود؛ به نام ملك دیلمی عضد الدوله می‌باشد و در پنج قرن، مرجع طب در مدارس اروپاییان بود. ایشان اهمیت زیادی به «سیستم عروق شعریه» می‌دادند و مطالب زیادی به رشته‌ی تحریر در آوردند.

۹. ابن سینا (۴۲۷ ه‍- ق):

وی دارای کتاب «القانون فی الطب» (دانشنامه پزشکی) است. کتاب قانون، مشتمل بر ۵ کتاب است؛ اصول عمومی پزشکی- مفردات پزشکی- بیماری‌های مخصوص بخش‌هایی از بدن- علایم امراض مانند: تب، داروهای مرکب.

کتاب قانون بعد از ترجمه‌ی لاتین، مورد توجه دانشمندان و پزشکان غرب قرار گرفت و کتاب پایه‌ی درسی دانشگاه شد. و از سال ۱۴۷۳ تا ۱۵۰۵ م، ۱۵ مرتبه تجدید چاپ شده «۳» و در قرن ۱۶ م، ۲۰ چاپ آن موجود است.

---

(۱). همان، ص ۲۱۵؛ ر. ك: قواعد سزگین، تاریخ نگارش‌های عربی، پزشکی، تهران، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۷۷؛ ر. ك: کارنامه‌ی اسلام، دکتر عبد الحسین زرین کوب، امیرکبیر، ۱۳۸۰، تهران، ص ۵۳ به بعد

(۲). همان، ر. ك: تمدن اسلامی از زبان بیگانگان، محمد تقی صرفی، نشر برگزیده، چ ۱، ۱۳۷۴، ص ۱۸

(۳). همان.

ایشان رساله‌ای نیز درباره‌ی قولنج، الادویه القلبیه، ارجوزه فی الطب (منظومه‌ی آموزشی پزشکی) نگاشته‌اند.

۱۰. اسحاق بن سلیمان اسرائیلی (سده چهارم)،

رساله‌ای درباره‌ی تب دارد.

۱۱. سعید بن هبه الله (۴۹۵ ق)،

صاحب «المغنی فی تدبیر الامراض» و رساله طبی- فلسفی «فی خلق الانسان» است.

۱۲. ابو القاسم زهراوی (سده چهارم):

ایشان دارای کتاب «التصریف لمن عجز عن التالیف»، (دانشنامه‌ی ۳۰ جلدی) می‌باشد. وی به مسائل جراحی پرداخته و در مورد خرد کردن سنگ مثانه مهارت داشته است.

۱۳. سید اسماعیل جرجانی (۵۳۱ ق):

«ذخیره‌ی پزشکی» از آثار اوست وی به قلم فارسی نگارش می‌نمود و آثار عربی و یونانی را به فارسی ترجمه می‌کرد. مانند خوارزمشاهی، شامل: بیمارشناسی، علاج بیماری‌ها، داروشناسی، گیاه‌شناسی و ...

کتاب «ذخیره‌ی پزشکی» او تنها کتاب پزشکی است که به زبان عبری ترجمه و تا کنون چهار بار در ایران به چاپ رسیده است. «۱»

۱۴. محمد بن قسّوم بن اسلم غافقی، (سده ششم و هفتم)

«المرشد فی طب العین» را نگاشت.

---

(۱) پویای فرهنگ و تمدن اسلامی در ایران، همان، ج ۱، ص ۲۲۰.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۳۶

۱۵. مهذب الدین عبد الرحیم بن علی، مشهور به دخوار (م ۶۲۸ ق):

ایشان شاگردان زیادی در پزشکی پرورش داد و مدرسه‌ای در دمشق ساخت.

۱۶. ابن ابی اصیبعه:

وی در قرن هفتم می‌زیست و شاگرد «دخوار» و چشم پزشک بود و نام کتاب او «عیون الانباء فی طبقات الاطباء» می‌باشد.

۱۷. ابن نفیس (دمشق/ م ۶۸۷ ق):

دارای کتاب «الشامل فی الصناعه الطبیه». (۸۰ مجلد) است. ایشان در مصر تدریس می‌کرد. و شرحی بر کتاب «حنین» بنام «المسائل فی الطب» (چشم پزشکی) نوشته‌اند.- پرخواننده‌ترین تلخیص قانون، کتاب الموجز ابن نفیس بود.

ایشان گردش ریوی خون را، حدود سه قرن پیش از آن که این جریان را اروپایی‌ها کشف کنند؛ در کتاب خود توصیف کرد و نظریه جالینوسی را رد کرد.

۱۸. ابو روح محمد بن منصور، مشهور به زرین دست (قرن هفتم):

وی کتاب «نور العیون» را به زبان فارسی نوشت.

این چشم پزشک و جراح، در عهد ملکشاه سلجوقی می‌زیست. مردی که یک چشم داشت، ایشان با اطمینان کامل چشم دیگرش را جراحی کرد. «۱»

۱۹. فتح الدین قیسی (م ۶۵۷ ق):

در کتاب «نتیجه الفکر فی علاج امراض البصر»، ۱۲۴ ناراحتی چشم را بر می‌شمارد.

---

(۱). کارنامه اسلام، ص ۵۳.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۳۷

۲۰. ابن خطیب اندلسی (م ۷۷۶) مشهور به لسان الدین:

ایشان رساله‌ای به نام «طاعون» دارد. طاعون که در آن زمان در اروپا شایع بود، ایشان برای درمان آن همت گماشت و بر این باور بود که این بیماری واگیردار است و از طریق لباس، ظرف، گوشواره، و ... منتقل می‌شود. «۱»

برای آگاهی بیشتر به کتاب‌های زیر مراجعه شود:

۱. پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی در ایران، علی اکبر ولایتی، ج ۱، ص ۲۱۵.

۲. کارنامه اسلام، دکتر عبد الحسین زرین کوب، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰، ص ۵۳ به بعد.

۳. علوم اسلام و نقش آن در تحولات علمی جهان، آلدومیدی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۱ ترجمه از محمدرضا شجاعی رضوی و علوی، ص ۷۹ به بعد.

۴. تاریخ علوم در اسلام، سید حسن تقی‌زاده، تهران، فردوسی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۴.

۵. ر. ک: تاریخ طب در ایران پس از اسلام، دکتر محمود نجم‌آبادی، دانشگاه تهران، چ ۲، ۱۳۶۶.

۶. تاریخ پزشکی ایران، الگود سیریل، ترجمه باهر فرقانی، امیرکبیر، تهران، چ ۱.

۷. ادوارد براون، طب اسلامی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، چ ۱، ۱۳۳۷.

۸. مجله‌ی حوزه و پژوهش، ش ۱۷ و ۱۸.

---

(۱). همان.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۳۸

پرسش:

مقصود از «علق» در قرآن و علم پزشکی چیست؟

آیا درست است که واژه‌ی «علق» در قرآن به معنای «خون بسته» است؟ آیا علم پزشکی جدید تأیید می‌کند؟

پاسخ:

قرآن کریم در آیات مختلف، به مراحل خلقت انسان اشاره دارد؛ یکی از این مراحل «علق» است.

واژه‌ی «علق» شش بار «۱» و در پنج آیه به صورت‌های مختلف به کار رفته است و همچنین سوره‌ای از قرآن با نام «علق» نازل شده است. «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِی خَلَقَ. خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ عَلَقٍ؛ بخوان به نام پروردگارت که آفرید، انسان را از علق آفرید.»

اکثر مفسران «۲» اتفاق نظر دارند که ۵ آیه‌ی اول سوره‌ی علق، نخستین آیات نازل شده بر پیامبر اکرم (ص) است.

علق در لغت:

واژه‌ی «علق» جمع «عَلَقَه» در اصل به معنای «چیزی که به چیز بالاتر آویزان شود» آمده است و موارد استعمال آن در خون بسته، زالو، خون منعقد که در اثر رطوبت به هر چیز می‌چسبد، کرم سیاه که به عضو آدمی می‌چسبد و خون

---

(۱). علق/ ۱ و ۲، حج/ ۵، مومنون/ ۱۴، غافر/ ۶۷، قیامت/ ۳۸

(۲). ر. ک: تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ج ۲۷، ص ۱۵۳.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۳۹

را می‌مکد و ... می‌باشد. «۱» پس می‌توان گفت: در مواردی که علق استعمال شده: یکی چسبندگی و دیگری آویزان بودن، لحاظ شده است مانند: زالو، خون بسته و کرم که به عضو بدن می‌چسبد و آویزان می‌شود.

علق از نگاه علم:

«علق»، همان خون بسته‌ای است که از ترکیب اسپرم مرد با اوول زن حاصل و پس از ورود به رحم زن بدان آویزان می‌شود. پس از

پیوستن نطفه‌ی مرد به تخمک زن، تکثیر سلولی آغاز می‌شود و به صورت یک توده‌ی سلوی در می‌آید که به شکل توت است (به آن مارولاMarula گویند) و در رحم لایه‌گزینی می‌کند یعنی، سلول‌های تغذیه کننده به درون لایه‌ی مخاطی رحم نفوذ می‌کند و به آن (رحم) معلق (آویزان نه کاملًا چسبیده) می‌شوند. قرآن این مطلب را با تعبیر زیبای «علق» بیان کرده است. «۲»

اگر واژه‌ی «علق» را به معنای خون بسته بپذیریم، می‌توانیم تناسب آن را با موارد استعمال این‌گونه بیان کنیم:

۱. چسبنده بودن آن. «۳» (خون بسته‌ای که برای مکیدن خون به بدن می‌چسبد)

۲. آویزان شدن آن به جداره‌ی رحم.

۳. مشابه زالو است: زالو هر بار می‌تواند به اندازه یک فنجان قهوه، خون انسان یا حیوانی را بمکد. نطفه در رحم، زالو وار به رحم می‌چسبد و از خون تغذیه

---

(۱). التحقیق فی کلمات قرآن کریم، حسن مصطفوی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران، تهران، مفردات راغب اصفهانی، المکتبه الرضویه، تهران، ذیل ماده «علق»؛ ر. ک: قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ذیل ماده «علق»

(۲). طب در قرآن، دکتر دیاب و قرقوز، ترجمه چراغی، ص ۸۶ انتشارات حفظی، تهران

(۳). تفسیر نمونه، همان، ج ۲۷، ص ۱۵۶.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۴۰

می‌کند. «۱» همچنین در وجه تشبیه به زالو گفته شده است که در مرحله‌ی ایجاد جنین، از هر دو ماده‌ای به نام «هپارین» ترشح می‌شود تا اینکه خون در موضع منعقد نشود و قابل تغذیه باشد. «۲» شکل علقه مانند زالو است این حالت در چهار هفته اول ادامه دارد. «۳»

۴. تغذیه از خون است. «۴»

در نتیجه می‌توان گفت: «۵» با توجّه به دیدگاه دانشمندان و مفسّران و اهل لغت، «علق» به معنای «خون بسته» آویزان به رحم است. به ویژه آنکه این مرحله از خلقت انسان در علم جنین‌شناسی جدید، به عنوان واسطه‌ای بین نطفه و مضغه (گوشت شدن) محسوب می‌شود.

یعنی حدود ۲۴ ساعت این خون بسته به جدار رحم آویزان است و از خون آن تغذیه می‌کند.

خداوند می‌توانست با بیان «الدم المنقبضه؛ خون بسته» مطلب را ذکر نماید اما با آوردن واژه‌ی «علق» هم معنای خون بسته و هم معنای آویزان بودن را رسانده است که با نظریات جدید پزشکی همخوانی دارد.

---

(۱). مطالب شگفت‌انگیز قرآن، گودرز نجفی، ص ۹۹، نشر سبحان، تهران

(۲). اولین پیامبر آخرین دانشگاه، دکتر پاک‌نژاد، ج ۱۱، ص ۱۱۰، کتابفروشی اسلامی، تهران

(۳). اسلام و طب جدید یا معجزات علمی قرآن، دکتر عبد العزیز اسماعیل پاشا، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، انتشارات برهان، ص ۱۸۲

(۴). حضرت آیت‌الله معرفت بعد از پذیرفتن این نظریه که علق خون بسته است می‌گوید: علقه در روز هفتم به جداره رحم می‌چسبد. (التمهید، محمدهادی معرفت، ج ۶، ص ۸۲)

(۵). لازم به ذکر است احتمالات دیگری درباره «علق» داده شده از جمله، بعضی‌ها علق را به معنای نطفه مرد (اسپرماتوزئید) معنا کرده‌اند (مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۹۹) و بعضی دیگر به معنای موجود صاحب علاقه که اشاره به روح اجتماعی انسان است،

معنا نموده‌اند. و بعضی دیگر اشاره به گل حضرت آدم (ع) که حالت چسبندگی دارد نموده‌اند. (ر. ك: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر رضایی اصفهانی، ج ۲، ص ۴۸۷- ۴۸۱)

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۴۱

با توجه به عدم پیشرفت علم پزشکی در ۱۴ قرن قبل، می‌توان مسئله‌ی «علق» را یکی از شگفتی‌های علمی قرآن نامید؛ که بعد از ۱۴ قرن کشف شده است. «۱»

برای مطالعه‌ی بیشتر به کتاب‌های ذیل مراجعه شود:

۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر رضایی اصفهانی، ج ۲، ص ۴۸۷- ۴۸۱.

۲. طب در قرآن، دکتر دیاب و قرقوز، ترجمه از چراغی، ص ۸۶.

۳. اولین پیامبر آخرین دانشگاه، دکتر پاک نژاد، ج ۱۱، ص ۱۱۰.

۴. مطالب شگفت‌انگیز قرآن، گودرز نجفی، ص ۹۹.

---

(۱). ر. ك: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مبین، رشت، ج ۲، ص ۴۸۷- ۴۸۱.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۴۲

پرسش:

منظور از «صلب و ترائب» در قرآن و علوم پزشکی چیست؟

آیا آیه‌ی ۵ سوره‌ی طارق با یافته‌های علوم پزشکی مطابقت دارد؟

پاسخ:

برای اینکه با نکات علمی آیه آشنا شویم، لازم است معنای برخی واژه‌های آیه بررسی شود:

«فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسانُ مِمَّ خُلِقَ* خُلِقَ مِنْ ماءٍ دافِقٍ* يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرائِبِ» «۱»

«انسان باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده است؟! از یک آب جهنده آفریده شده است، آبی که از میان پشت و دو استخوان جلوی بدن مرد (آلت تناسلی) خارج می‌شود.»

واژه‌شناسی:

واژه‌ی «دافق» از «دفق» به معنای «صبُ الماء» (ریختن آب) آمده است و «ماء دافق»، همان منی مرد است که به صورت جهنده از او خارج می‌شود. «۲»

---

(۱). طارق/ ۷- ۵

(۲). قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ذیل ماده «دفق»؛ تفسیر المیزان علامه طباطبایی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ج ۲۰، ص ۳۷۹؛ برای ماء دافق، معانی دیگری ذکر کرده‌اند؛ مانند: آب مشترك زن و مرد، آب زنان که از رحم خارج می‌شود. اما با توجه به معنای دافق که دارای جهندگی است؛ شامل منی مرد می‌باشد.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۴۳

«صُلب» به معنای استخوان‌های تیره پشت از پس گردن تا آخر ران‌ها، کمر، و به معنای چیز شدید و سخت و ... آمده است. «۱»

«ترائب» از ریشه‌ی «تراب» به معنای دو چیز مساوی در بدن است. لذا صاحب‌نظران مصادیق زیادی برای آن ذکر کرده‌اند، مانند:

بین دو سینه‌ی زن، بین دو کتف و سر، استخوان سینه و گلو، «۲» عصاره‌ی قلب، «۳» سرتا سر بدن، (چشم، دست، پا،) «۴» بین نخاع و سینه‌ی هر شخص، «۵» و بین پشت و دو استخوان پا (محل آلت تناسلی). «۶»

نگاه تفسیری:

آیه‌ی فوق اشاره به منشاء و ریشه‌ی منی دارد به این معنا که منی از صلب و ترائب سرچشمه می گیرد. «۷»

با توجه به مصادیق و احتمالات در مورد واژه‌ی «صلب و ترائب» مفسران «۸» نیز احتمالات مختلفی بیان کرده‌اند: آن چه مشهور و موافق علم و لغت است

---

(۱). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، ذیل ماده‌ی «صلب و ترائب»

(۲). مجمع البیان، طبرسی، دار المعرفه، بیروت، ذیل آیه ۷ سوره طارق

(۳). ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۵۳۲

(۴). مجمع، همان

(۵). البصائر، ذیل آیه

(۶). التمهید، محمدهادی معرفت، انتشارات التمهید، قم، ج ۶، ص ۶۴

(۷). در سوره اعراف آیه‌ی ۱۷۲ نیز اشاره به منشاء منی دارد، و آمده است «و اذ اخذ ربک من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم ...؛ و هنگامی که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریه‌ی آنان را برگرفت.»

(۸). منی از میان پشت و روی او خارج می‌شود با توجه به هیجانات کل بدن، می‌توان گفت: منی از تمام بدن خارج می‌شود. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ذیل آیه‌ی کل بدن بین استخوان سینه و پشت واقع شده است. (المیزان، علامه طباطبایی، ذیل آیه)

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۴۴

عبارت است از اینکه: آب منی از بین ستون فقرات پشت و دو استخوان ران پا (محل آلت تناسلی) خارج می‌شود. «۱»

قرآن برای حفظ عفت کلام، بعضی از مسائل جنسی را به صورت کنایه یا تشبیه، یا تمثیل بیان می کند و از مطرح کردن مستقیم آن خودداری می کند. از این رو برای پرهیز کردن از استفاده از نام آلت تناسلی به صورت کنایه، واژه‌ی «ترائب» یعنی دو استخوان جلوی بدن مرد را به کار برده است.

منشاء منی در نگاه علم:

منی در لغت به معنای «تقدیر و اندازه‌گیری» آمده و به آب مرد اطلاق شده است و در مورد زن به کار نرفته است. «۲»

منی، حاوی ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون اسپرماتوزئید است. برخی تعداد آن را ۲ تا ۵۰۰ میلیون عدد متغیّر می‌دانند. «۳» نطفه‌ی مرد را کرمک می گویند و طول آن ۱۰- ۱۰۰ مو (هر مو یک میلیونیم متر است) و دارای سر و گردن و یک دم بسیار متحرک می‌باشد و در هر ثانیه ۱۴- ۲۳ میکرون حرکت می کند. اسپرم‌ها داخل مهبل ریخته می‌شود. از ۳۰۰ تا ۵۰۰ عدد آن فقط یکی از آن‌ها مورد نیاز است و ما بقی وارد زهدان می گردد. «۴»

صاحب نظران درباره‌ی منشاء منی می گویند: وقتی به کتب لغت مراجعه می کنیم، محل منی را صُلب و ترائب می‌دانند که مربوط به قسمت پشتی و

---

(۱). التمهید، محمد هادی معرفت، انتشارات نشر اسلامی، قم، ج ۶، ص ۶۴؛ طب در قرآن، دکتر عبد الحمید دیاب و قرقوز، انتشارات حفظی، تهران، ص ۳۲

(۲). قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ذیل ماده «منی»

(۳). اولین دانشگاه آخرین پیامبر، دکتر پاک‌نژاد، کتابفروشی اسلامی، ج ۶، ص ۶۴؛ طب در قرآن، همان، ص ۳۲

(۴). رویان شناسی لانگمن، پرفسور توماس، ترجمه بهادری و مشکور، سهامی چهر، ص ۲۹.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۴۵

قدامی ستون فقرات یعنی جای اولیه‌ای که بیضه و رحم قرار می‌گیرند. (قبل از شش ماهگی جنین، تخم و تخمدان هر دو در پشت قرار دارند و پس از شش ماهگی در جنس نر هر دو به پایین کشیده شده و در پوسته‌ی بیضه قرار می‌گیرند و به وضع عادی در می‌آیند و در جنس ماده نیز مختصر جابجا شده و در دو طرف پهلو محاذی لوله‌های رحم جایگزین می‌شوند.) «۱»

نظریه‌ی علمی دیگری درباره‌ی منشاء منی وجود دارد که مطابق با لغت و قول مشهور است و آن این است که: منی مرد که از میان صُلب و ترائب (استخوان پاها) او خارج می‌شود، در تمام نقاط و مجاری عبور منی- از نظر کالبد شکافی- در محدوده صُلب و ترائب (استخوان پاها) قرار دارند. غدد کیسه‌ای پشت پروستات (که ترشحات آنها قسمتی از منی را تشکیل می‌دهد) نیز در این محدوده قرار دارند. پس می‌توان گفت: منی از میان صلب مرد به عنوان یک مرکز عصبی- تناسل امر کننده- و ترائب او به عنوان رشته‌های عصبی مأمور به اجرا، خارج می‌شوند. «۲»

نتیجه گیری:

با توجه به کتب لغت و نظرات مفسرین و دیدگاه‌های دانشمندان می‌توان گفت: «صلب» به معنای پشت مرد، به عنوان یک مرکز عصبی، و «ترائب» به معنای ما بین دو استخوان ران است، که کنایه از دستگاه تناسلی مرد دارد. پس آیه‌ی «صلب و ترائب» با نظرات دانشمندان جنین‌شناسی همخوانی دارد.

اما آیا می‌توان آن را «اعجاز علمی» دانست؟ در پاسخ باید گفت: مسئله‌ی خروج منی از بدن انسان، و دستگاه تناسلی که بین پشت و دو استخوان جلوی

---

(۱). اولین دانشگاه آخرین پیامبر، پاک‌نژاد، ج ۱، ص ۲۴۰

(۲). طب در قرآن، دکتر عبد الحمید دیاب و قرقوز، ص ۳۲ با تلخیص.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۴۶

بدن است فی الجمله (تا حدودی) برای بشر قابل حس بوده است و لذا آیه‌ی فوق را نمی‌توان در ردیف اعجاز علمی قرآن دانست؛ بلکه می‌توان یکی از «اشارات علمی قرآن» قلمداد کرد. «۱»

برای مطالعه‌ی بیشتر به کتاب‌های زیر مراجعه فرمائید:

۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی، انتشارات مبین، ج ۲، ص ۴۵۷- ۴۴۵.

۲. التمهید، محمدهادی معرفت، انتشارات نشر اسلامی، ج ۶، ص ۶۴.

۳. طب در قرآن، دکتر عبد الحمید دیاب و قرقوز، انتشارات حفظی، ترجمه علی چراغی، ص ۳۲.

۴. رویان شناسی لانگمن، پروفسور توماس، وی، ترجمه بهادری، انتشارات سهامی چهر.

---

(۱). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مبین، چ ۱، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۴۵- ۴۵۷.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۴۸

پرسش:

بارداری حضرت مریم (س) از طریق بکرزایی بوده یا منشاء اعجاز الهی داشته است؟

پاسخ:

بکرزایی در آئینه‌ی علم

تصوّر ولادت فرزند بدون دخالت پدر، اگر در گذشته باور کردنی نبوده اما امروزه از نظر علوم زیستی ممکن است.

امروزه با پیشرفت علم، بحثی مطرح شده، به نام «تولید مثل‌های غیر مزدوج». یعنی، تولیدی که در آن فرد ماده، ظاهراً بدون تماس با فرد نر، بارور می‌شود. و شواهدی از این قبیل باروری‌ها را ذکر می‌نمایند. و نیز از نظر علمی نشان می‌دهند که در نوع انسان هم بعضی از زن‌ها ذو جنبتین (دارای دو جنبه) می‌باشند. یعنی، ساختمان درونی خاصی دارند که خود به تنهایی قادر به تولید فرد جدید می‌باشند، این ویژگی را در اصطلاح «نرمادگی» و چنین زایشی را «بکرزایی» می‌گویند، که بیشتر، در زن‌ها بروز می‌کند. چنین زن‌هایی ممکن است علاوه بر داشتن غده‌های تناسلی مختلط، بعضی از صفات ظاهری مردها مانند موی صورت را نیز داشته باشند. «۱»

همچنین افرادی دیده شده‌اند که در آن‌ها لزوماً «اسپرماتوژنزیس» همراه با «اوول اسیون» و قاعدگی وجود داشته است. «۲»

---

(۱). خلقت انسان، ید الله سحابی، شرکت سهامی، چ ۱۳، ص ۱۶۲- ۱۵۸

(۲). بافت‌شناسی انسانی پایه، ص ۵۶۷.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۴۹

بکرزایی در نوعی از حشرات، مانند: شته، و بعضی از جانداران، مانند: ستاره‌ی دریایی و کرم ابریشم وجود دارد؛ که بدون عمل لقاح رشد و نمو خود را شروع می‌کنند. و جانداران ذره‌بینی، مانند: باکتری‌ها و ویروس‌ها، تولید مثل بدون لقاح دارند. حتی «فیلدوکسرا و استاتریکس» می‌تواند تا ۱۰ نسل بدون دخالت نر تولید مثل کند. «۱» قورباغه‌ها نیز می‌توانند، بکرزایی داشته باشند. «۲»

حتی برخی نویسندگان نام افرادی را ذکر کرده‌اند که بدون تماس با مرد، باردار شده‌اند. برای مثال: خانم «امی ماری جونز» فرزند بدون پدر به دنیا آورد. پزشکان بعد از آزمایشات به این نتیجه رسیداند که در خون دختر او (مونیکا) کوچک‌ترین علامت یا اثر مرد خارجی وجود ندارد. «۳»

با توجه به اینکه بکرزایی در میان حشرات و باکتری‌ها اثبات شده است و اگر در مورد انسان نیز اثبات شود. «۴»

صاحب نظران می‌گویند: وجود شخص دو جنسی حقیقی، که دارای بافت‌های بیضه و تخمدان باشد می‌تواند بدون تماس، تولید مثل نماید، در حالی که در تاریخ بشر چنین افرادی به ندرت دیده می‌شوند و حالت عادی و طبیعی ندارد؛ بلکه استثناء است.

زایمان حضرت مریم (س) بکرزایی یا معجزه:

موضوع باروری و بارداری حضرت مریم (س) از مسائل پر سر و صدا و پر گفتگوی تاریخ بشر است. نه تنها قرآن به مسئله‌ی باردار شدن حضرت مریم (س)

---

(۱). مطالب شگفت‌انگیز قرآن، گودرز نجفی، نشر سبحان، تهران، ص ۱۱۰

(۲). انسان موجود ناشناخته، الکیس کارل، ترجمه دکتر دبیری، ص ۱۰۴

(۳). مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۱۱۲، از روزنامه اطلاعات ۲۰۸۲۰

(۴). در آزمایشات بکرزائی بر روی پستانداران تا خرگوش پیش رفته‌اند و جنینی در مرحله‌ی بسیار ابتدایی به دست آوردند. (مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۱۱۸؛ ر. ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر رضایی اصفهانی، ج ۲، ص ۴۶۱).

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۵۰

پرسش‌های قرآنی جوانان ۱۹۴

بدون تماس با مردی اشاره کرده، کتاب انجیل نیز به این مسئله پرداخته و آن را معجزه‌ی الهی می‌داند. «۱» قرآن کریم در سوره‌ی مریم، به بیان داستان تولد حضرت عیسی (ع) پرداخته و می‌فرماید:

«ما روح خود (جبرئیل) را به سوی او فرستادیم تا به شکل بشری خوش اندام بر او نمایان شد. مریم گفت: اگر پرهیزگاری، من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم. گفت: من فقط فرستاده‌ی پروردگار توام، برای اینکه به تو پسری پاکیزه ببخشم. گفت: چگونه مرا پسری باشد با آنکه دست بشری به من نرسیده و بدکار نبودم؟ گفت: فرمان چنین است. پروردگار تو گفته که آن بر من آسان است، تا او را نشانه‌ای برای مردم و رحمتی از جانب خویش قرار دهیم. پس حضرت مریم (س) حضرت عیسی (ع) را آبستن شد.» «۲»

آیه بیان گر آن است که حضرت عیسی (ع) از طریق معجزه‌ی الهی و قدرت ماوراء طبیعت به دنیا آمد و طبیعت و امور عادی یا بکرزایی، در تولّد آن حضرت نقشی نداشته است.

تعبیر «کانَ أَمْراً مَقْضِیًّا» «۳» اشاره به اراده‌ی خداوند، و قضا و قدر او دارد که حضرت عیسی (ع) متولد شوند و تعبیر «وَ لِنَجْعَلَهُ آیَةً لِلنَّاسِ وَ رَحْمَةً مِنَّا؛ «۴» تا او را نشانه‌ای برای مردم و رحمتی از جانب خویش قرار دهیم.»؛ نشانگر خارق العاده بودن تولد و معجزه بودن آن است. «۵»

---

(۱). مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، موریس بوکای، ترجمه ذبیح الله دبیر، ص ۱۱۸. دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، به نقل از انجیل متی، ۱۳/ ۴۶

(۲). مریم/ ۱۶- ۲۲

(۳). مریم/ ۲۲. (این دستور قطعی بود)

(۴). همان

(۵). تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، دار الکتب الاسلامی، تهران، ج ۱۴، ذیل آیه و نیز تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، دار الکتاب الاسلامیه، تهران، ذیل آیه.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۵۱

البته این مطلب بدان معنا نیست که عیسی بدون علّت بوجود آمده است، بلکه علّت وجودی او، مریم و روح الهی بود که در وی دمیده شد. هر چند برخی تلاش دارند تولّد حضرت عیسی (ع) را «بکرزایی» بنامند؛ «۱» اما با ظاهر آیه سازگار نیست.

---

(۱). دکتر محمد صادق رجحان، بافت‌شناسی انسانی پایه، انتشارات چهره، ۱۳۷۰، چ ۱۰، ص ۷۶۵.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۵۲

فصل سوم: قرآن و بهداشت

اشاره

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۵۴

پرسش:

راهکارهای مقابله با چشم چرانی و خود ارضایی را بیان کنید؟

پاسخ:

چشم چرانی و نگاه آلوده، آغاز انحرافات جنسی از جمله، خودارضایی است. «۱» بنابراین در مرحله‌ی اوّل لازم است دیده‌ها را پاک کرد تا بتوان دل را کنترل کرد.

ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند دل کند یاد

قرآن کریم پیش از دعوت به عفت جنسی، به عفت چشم دعوت می‌کند و می‌فرماید:

«به مردان با ایمان بگو: عفت چشم و عفت جنسی را رعایت کنند «۲» ... به زنان با ایمان بگو: عفت چشم و عفت جنسی را رعایت کنند «۳»»

از پیامبر اسلام (ص) حکایت شده: «النظر سهم مسموم من سهام ابلیس؛ نگاه (به نامحرم) تیر زهرآگینی از تیرهای شیطان است.» «۴» شیطان با نگاه آلوده، جوانان را به دام عشق ناپاک و انحرافات جنسی می‌کشاند، از حضرت علی (ع) نقل شده: «چه بسا عشقی که با یک نگاه، بذر افشانی می‌شود.» «۵»

---

(۱). خودارضایی یا استمناء یا جلق زدن، عملی است که انسان برای ارضای جنسی خود با خود کاری انجام دهد که شهوت او تحریک شود و از او منی خارج شود

(۲). نور/ ۳۰

(۳). نور/ ۳۲

(۴). بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۳۸، چاپ بیروت

(۵). غرر الحکم و در رالکلم، محمد تمیمی، دانشگاه تهران، حدیث ۵۳۱۴.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۵۵

چشم چرانی از محرومیت‌های جنسی، محیط نامساعد و ضعف اراده و ... به وجود می‌آید. و عصب «لی بیدو» که در اعصاب چشم متمرکز است با اعصاب جنسی متصل است و شخص با چشم چرانی لذت می‌برد و به طور مستمر تبدیل به یک عادت می‌شود.

برای مقابله با چشم چرانی و استمناء لازم است از ضررهای آن دو آگاهی پیدا کنیم:

ضررهای چشم چرانی:

۱. غالباً چشم چرانی در مردها زیاد دیده می‌شود و بیماری «سادیسم» را به وجود می‌آورد و در زن‌ها، غالباً خودنمایی است و بیماری «مازوشیسم» را به وجود می‌آورد. «۱»

۲. چشم چرانی، سبب درشتی چشم، ضعف اعصاب و روان، بی‌خوابی، کم خوابی، بی‌اشتهایی، خیال پردازی واهی، تشویش ذهن و ... می‌شود. «۲»

خودارضایی:

خود ارضـایی یکی از گناهـان کبیره است و براسـاس برخی آیـات قرآن کریم، کسانی که خودارضایی می‌کننـد، تجاوز کار معرفی شده است:

«فَمَنِ ابْتَغی وَراءَ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ العادُونَ؛** و کسانی که فراتر از این جُویند، پس تنها آنان تجاوزگرند.»

حکایت شـده: شخصـی از امام صادق (ع) در مورد خودارضایی سوال کرد. امام در پاسـخ فرمودند: خودارضایی گناه بزرگی است. کسی که مرتکب این کار زشت شود، همانند: کسی است که با خود ازدواج کند و اگر من بدانم کسی با خود این

(۱). مسائل درمانی و طب روحانی، عبد الکریم بی‌آزار شیرازی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۲۵۸

(۲). همان و آموزه‌های تندرستی در قرآن، حسن رضا رضایی، عطرآگین، چ ۱، ۱۳۸۴، ص ۸۴.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۵۶

عمل را انجام می‌دهد با او غذا نخواهم خورد. و حضرت برای اثبات دلیل خود به آیه‌ی فوق استدلال کرده است. «۱»

پیامبر گرامی اسلام (ص) حکایت شده که فرمودند: «ناکح الکف ملعون؛ کسی که خود ارضایی کند ملعون [/ از رحمت خدا دور] است.» «۲»

همچنین امام صادق (ع) حکایت شـده که فرمودند: «برای کسـی که خودارضایی کند در قیامت عذاب دردناکی در نظر گرفته شده است.» «۳»

ضررهای جسمانی و روانی خود ارضایی:

۱. ضعف و تحلیل قوای جسمانی: خود ارضایی باعث کاهش انرژی بدن، خستگی، و پیری زودرس می‌شود.

۲. ضعف بینایی: خود ارضایی به تدریج در نور چشم و قدرت بینایی اثر می‌گذارد و آن را کاهش می‌دهد.

۳. آسیب به دستگاه تناسلی و ناتوانی‌های جنسی.

۴. ضعف حافظه، هواس پرتی، ناتوانی در تمرکز فکری.

۵. اضطراب و افسردگی.

۶. پرخاشگری و بداخلاقی.

۷. احساس گناه، عذاب وجدان.

۸. بی‌عاطفه، کم رویی و خجالت.

۹. آفت تحصیلی، مشکلات ازدواج.

۱۰. بی‌میلی به همسر و ناسازگاری خانوادگی. «۴»

(۱). مستدرک الوسائل، حسین نوری، ج ۱۴، ص ۳۵۶

(۲). میزان الحکمه، ری‌شهری، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۲، ج ۹، ص ۱۵۰

(۳). همان

(۴). ر. ک: علی قائمی، خانواده و مسائل جنسـی کودکان، انتشارات انجمن اولیا و مربیان و ر. ک: فتنه نفس، صـدری، سـبط النبی، قم.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۵۷

کیفیت درمان چشم چرانی و خود ارضایی:

ایستادگی در برابر شهوت و کشش‌های انحرافی درونی، تنها با تکیه به ایمان و قدرت اراده، امکان‌پذیر است هر چه ایمان و اراده قوی‌تر باشد، مقاومت او در برابر جاذبه‌های جنسی بیشتر و عفت او افزوده می‌گردد.

برخی از عواملی که سبب دوری از چشم چرانی و خود ارضایی می‌گردد؛ به شرح زیر است:

۱. عفت چشم: از پیامبر اسلام (ص) حکایت شده است: «هر مسلمانی بی‌اختیار چشمش به زیبایی‌های زنی بیفتد و چشم فرو نهد، خداوند به او توفیق عبادتی می‌دهد که شیرینی آن را احساس می‌کند.» «۱»

۲. حیاء: حضرت علی (ع) می‌فرمایند: حیا سبب عفت و عفت ثمره‌ی حیاست. «۲» شرم مانع کار زشت است. «۳»

۳. روزه: از پیامبر اسلام (ص) حکایت شده است که فرمودند: «جوان‌ها، ازدواج کنید، اگر نمی‌توانید، حتماً روزه بگیرید که روزه غریزه‌ی جنسی را کنترل می‌کند.» «۴» و همچنین فرمودند: «راه کنترل غریزه‌ی جنسی، روزه است.» «۵»

۴. توجّه به زیان‌های چشم چرانی و خود ارضایی که در صدر بحث بیان شد.

۵. ازدواج: در اوّلین فرصت ازدواج کنید.

۶. سعی کنید در مکان‌های خلوت و تنها نمانید، چون تنهایی، خود عامل مهمی برای تحریک خودارضایی و زمینه ساز ارتکاب این عمل است.

---

(۱). میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۸

(۲). غرر الحکم، حدیث ۵۵۲۷

(۳). همان، حدیث ۴۶۱۲

(۴). وسائل الشیعه، حر عاملی، موسسه آل البیت، بیروت، ج ۱۰، ص ۴۱۰

(۵). همان.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۵۸

۷. تلاش برای تقویت اراده از گام‌های مهم در امر بهبود است، نگوییم اراده از ما سلب شده است، زیرا ممکن است اراده‌ی انسان ضعیف شود، ولی هیچ گاه از بین نمی‌رود، برای تقویت اراده راه‌های زیادی پیشنهاد شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف. تلقین به خود: همواره به خود بگوییم من می‌توانم این عمل را ترک کنم.

ب. به پایان رساندن کارهای نیمه تمام نیز در تقویت اراده موثر است. سعی کنید هیچ کار نیمه تمامی را از خود به جای نگذارید.

ج. تمرکز بخشیدن به فعالیت‌های گوناگون و پراکنده: تلاش شود از کارهای متعدد و متنوع پرهیز شود، چون موجب پراکندگی و به هم ریختگی انسجام فکر می‌شوند.

د. نماز، سحر خیزی، کم خوری، دوری از گناه، از عوامل مهم تقویت اراده است.

۸. افکار جنسی را که به ذهن خطور می‌کند بلافاصله با ذکر خدا و یاد آسیب‌های معنوی، جسمی، روانی، و اجتماعی این عمل زشت، از خود دور نمایید.

۹. تنبیه: راه دیگر مقابله با این تحریکات تنبیه خود است، مثلًا با خود شرط کنیم اگر یک بار چنین گناهی را مرتکب شوم مثلًا یک یا چند روز، روزه می‌گیرم یا مبلغی را صدقه می‌دهم.

۱۰. اوقات فراغت خود را با مطالعه، ورزش، زیارت و دعا پر کنید.

۱۱. راه دیگر خنثی نمودن تحریکات، گرفتن دوش آب سرد، البته اگر از سلامت جسمی برخوردارید، یا شستن اعضا با آب سرد است و هیچ گاه در حمام کاملا عریان نشوید و به اندام جنسی خود نگاه نکنید.

۱۲. از نگاه کردن به مواضع جنسی و برجستگی‌های بدن دیگران (حتی از روی لباس) پرهیز شود.

۱۳. به هنگام خواب سعی شود شکم بیش از معمول پر نباشد، و هرگز به رو نخوابید.

۱۴. ایمان مذهبی خود را روز به روز تقویت کنیم و توسل به ائمه (ع) را فراموش نکنیم و امیدوار به رحمت الهی باشیم و هیچ گاه مأیوس نشویم.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۵۹

۱۵. از پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان اجتناب شود.

۱۶. از نگاه کردن به تصاویر و فیلم‌های تحریک کننده و لباس جنس مخالف، جداً پرهیز شود.

۱۷. از فکر کردن و تصور و تخیل در مورد جنس مخالف و مسائل جنسی خودداری شود.

۱۸. از معاشرت و سخن گفتن و نگاه به جنس مخالف- حتی کودکان جذاب و خوش سیما- خودداری ورزیم و از دوستی با آنان اجتناب کنیم.

۱۹. به بدی گناه و عواقب آن توجه کنیم.

۲۰. از مشاهده‌ی اعمال، رفتار و گفتار زوج‌های جوان جداً خودداری کنید.

نتیجه:

حاصل سخن اینکه چشم چرانی پایه و اساس انحرافات جنسی است. لازم است با تقویت اراده و ایمان و عفت و حیا و شرم، چشم‌ها را از نامحرم بپوشانیم و خودارضایی که خود یک عمل زنا با خود است؛ علاوه بر مضرات جسمی و روحی و روانی که بر فرد می‌گذارد اثرات نامطلوب اجتماعی و خانوادگی نیز دارد که باید با تقویت اراده و توکّل به خدا از کمند این عمل زشت رهایی یابیم.

برای مطالعه بیشتر به کتاب‌های زیر مراجعه شود:

۱. گناهان کبیره، آیت الله دستغیب، ج ۲، کانون اندیشه‌های اسلامی، ۱۳۶۱.

۲. فتنه نفس، نوروز، صوری، سبط النبی، ۱۳۸۲، قم.

۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، ج ۲، انتشارات مبین، ص ۳۹۱.

۴. آموزه‌های تندرستی در قرآن، حسن رضا رضایی، عطرآگین، ص ۸۲.

۵. جشن تکلیف، ری شهری، دار الحدیث، ۱۳۷۸.

۶. دنیای نوجوان، محمدرضا شرفی، انتشارات تربیت، ۱۳۷۰.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۶۰

پرسش:

چرا قرآن بعضی غذاها را حرام و برخی را حلال کرده است؟ آیا اسرار و فواید پزشکی داشته است؟

پاسخ:

خداوند متعال به عنوان خالق بشر و کل کائنات و عالم به مسائل مختلف حیات و جهان در قرآن کریم نیک و بدها، پاک و ناپاک‌ها و مطلوب و نامطلوب‌هایی را که تأمین کننده یا تهدید کننده‌ی سلامت جسم و جان انسان است با رهنمودهایی مشخص نموده است.

با بیان مفاهیمی مثل حلال و حرام و طیّب و خبیث برخورداری انسان را از غذاهای معین مجاز و آزاد گذاشته و از مصرف مواد

غذایی مشخص دیگر نهی کرده است.

چیزهـای پـاکیزه‌ای که طبع انسـان سـالم آنها را بپـذیرد و بلع و هضم و جـذب و دفعش مناسب، و در جهت سـلامت انسان باشـد را تجویز و چیزهایی که طبع سالم انسان از آن متنفر و استفاده‌اش مضر یا مشمئز کننده باشد را منع کرده است.

با گذشت ۱۴ قرن از این مرزبنـدی قرآن، اگر اندیشـمندانه و بـا انصـاف حکمت‌هـای این حلاـل و حرام‌های الهی را بررسـی کنیم، می‌بینیم که تمام این دستورات توجیه علمی داشته که می‌توان در بررسی علمی به برخی از آن حکمت‌ها دست یافت.

قرآن در مورد تغذیه، از جهتی انسان را به خوردن غذاهای پاکیزه [/ طیب توصیه می‌کند و به کیفیت استفاده از آن هم عنایت دارد و از طرفی از خوردن

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۶۱

غذاهای غیر بهداشتی [/ خبیث منع می‌کند؛ این دستورات را می‌توان به سه تقسیم کرد:

۱. دستور به اعتدال در خوردن غذا.

۲. ممنوعیت چیزهای ناپسند (تحریم خبائث).

۳. سفارش در مورد چیزهای پاک و پاکیزه (توصیه به طیّبات).

اول: قاعده اعتدال در خوردن غذا:

قرآن یک قاعده و چهارچوب کلی و اساسی برای تغذیه ارائه می‌دهد و می‌فرماید:

«کُلُوا وَ اشْـرَبُوا وَ لاـ تُسْـرِفُوا إِنَّهُ لا یُحِبُّ الْمُسْـرِفِینَ؛ «۱» و بخوریـد و بیاشامیـد، [ولی زیاده‌روی نکنید؛ که او اسـرافکاران را دوسـت نمی‌دارد.»

«اسـراف» کلمه‌ی جـامعی است که هر گـونه زیـاده‌روی در کمیّت و کیفیت و بیهوده‌گرایی و اتلاـف و ماننـد آن را شامـل می‌شود. اسـراف مصادیق گوناگونی داردماننـد: زیاد خوردن و آشامیـدن، فرو دادن سـریع غـذا بدون جویدن کامل، زیاده روی در خوردن یک نوع غذا، و تجاوز از خوردن خوراکی‌های حلال و روی آوردن به حرام و ... «۲»

پیامدهای اسراف در غذا:

صاحب‌نظران برای اسراف در تغذیه ضررهایی را بر شمرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. سوء هاضمه و فراخ شدن معده و بزرگی شکم؛

۲. پیچ خوردن معده؛

---

(۱). اعراف/ ۳۱

(۲). طب در قرآن، ص ۱۳۸- ۱۴۰.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۶۲

۳. حمله خُنّاق سینه یا سوزش قلب؛

۴. دچار شدن به وبا و تیفوئید و ...؛

۵. چاقی که خود یک بیماری خطرناک است؛

۶. پوسیدگی دندان؛

۷. بالا رفتن غلظت خون (تصلب شرائین)؛

۸. بیماری‌های مفصلی و سنگ کلیه (اسراف در خوردن یک نوع غذا)؛

۹. آثار روانی، مثل کودنی و تنبلی و افزایش شهوت جنسی.

دوم: ممنوع کردن چیزهای ناپسند (خبائث):

پس از بررسی آیاتی که غذاهای مضر را «خبائث» نامیده است در می‌یابیم خداوند هر چه را تحریم فرموده براساس حکمت و برای پیشگیری از زیان‌های مترتب بر آن بوده است و نیز روشن می‌گردد به رغم تمام پیشرفت‌های علمی، باز انسان نیازمند هدایت از جانب کسی است که علم او ما فوق تمام دست‌آوردهای بشری باشد.

قرآن کریم در برخی آیات به صورت کلّی می‌فرماید:

«وَ یُحِلُّ لَهُمُ الطَّیِّباتِ وَ یُحَرِّمُ عَلَیْهِمُ الْخَبائِثَ؛ «۱» و برایشان [خوارکی‌های پاکیزه را حلال می‌شمرد، و پلیدی‌ها را بر آنان حرام می‌کند.»

خبائث به چیزهایی گفته می‌شود که پلید است، یعنی امور پست و فاسد و متعفن، به طوری که طبع انسان آنها را نمی‌پسندد. «۲»

و قرآن کریم در برخی آیات به طور مشخص از خوردن برخی غذاها منع می‌کند و می‌فرماید:

---

(۱). اعراف/ ۱۵۷

(۲). مفردات راغب اصفهانی، ماده (خبث).

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۶۳

«حُرِّمَتْ عَلَیْکُمُ الْمَیْتَةُ وَ الدَّمُ وَ لَحْمُ الْخِنْزِیرِ وَ ما أُهِلَّ لِغَیْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَنِقَةُ؛ «۱» گوشت مردار و خون و گوشت خوک و حیواناتی که به غیر نام خدا ذبح شوند و حیوانات خفه شده ... بر شما حرام شده است.»

صاحب‌نظران در بررسی حکمت این گونه غذاها به نتایجی رسیده‌اند که برخی از آنها را یادآور می‌شویم:

۱. مردار: در اصطلاح فقهی مردار به جانوری اطلاق می‌شود که از طریق ذبح شرعی، جان نداده باشد.

برای ذبح شرعی نیز حکمت‌هایی بیان شده که خود نیز دارای تاثیراتی بهداشتی است از جمله اینکه چون خون پس از مرگ جانور به محل مناسبی برای رشد میکروب‌ها تبدیل خواهد شد، ذبح شرعی با بریده شدن رگ‌ها و شریان‌های بزرگ گردن، باعث خروج تمام خون بدن حیوان خواهد شد و دست و پا زدن حیوان ذبح شده نیز به این امر کمک خواهد کرد. «۲»

ممنوعیت خوردن گوشت مردار در سوره‌های انعام، نحل، بقره و مائده (با الفاظ مختلف تکرار شده) بیانگر خطرات جسمی و روحی استفاده از آن و آلودگی مردم آن روزگار به این مسئله است. «۳»

استفاده از گوشت مردار از نگاه روایات:

در روایات نیز به برخی از مضرات استفاده از گوشت مردار اشاره شده است به عنوان مثال از امام صادق (ع) حکایت شده:

---

(۱). مائده/ ۳

(۲). طب در قرآن، ص ۱۴۱

(۳). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۱۳.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۶۴

«هیچ کس مردار نمی‌خورد مگر اینکه بدنش ضعیف و رنجور می‌شود. نیروی او را می‌کاهد و نسل او را قطع می‌کند و آن کس که به این کار ادامه دهد با مرگ ناگهانی (مثل سکته) از دنیا می‌رود.» «۱»

ضررهای دیگری برای خوردن گوشت مردار در روایات برشمرده‌اند که عبارتند از: بدبویی بدن، ایجاد صفراء، بد اخلاقی،

عصبانیت، قساوت قلب و از بین رفتن مهر و عطوفت، منجمد شدن خون و غیره. «۲»

یادآوری: از این روایات روشن می‌گردد استفاده از مردار علاوه بر ضررهای جسمی، دارای ضررهای روانی و اخلاقی هم می‌باشد. و در روایت آمده است به قدری گوشت مردار مهر و محبت را می‌برد که شخص حتی از کشتن فرزند و پدر خویش ایمنی نخواهد داشت.» «۳»

دستگاه گوارش نمی‌تواند از مردار، خون سالم و زنده بسازد و به علاوه مردار کانونی از انواع میکروب‌ها است. «۴» صاحب نظران و پزشکان به ضررهای دیگر خوردن مردار در کتب خویش اشاره کرده‌اند. «۵»

۲. خون: حرمت خوردن خون در چهار سوره‌ی قرآن کریم با الفاظ مختلف تکرار شده است. «۶»

موضوع خوردن خون در میان اقوام و ملل جهان سابقه‌ای طولانی داشته است و در دوران جاهلیت نیز از آن استفاده می‌کردند. متخصصان علوم پزشکی و

---

(۱). وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۱۰ به نقل از همان

(۲). بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۶۵

(۳). بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۶۲

(۴). تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۸۵، به نقل پژوهشی ص ۲۱۶

(۵). ر. ك: طب در قرآن، ص ۱۴۱ و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۱۶. فلسفه احکام، اهتمام، ص ۱۵۱؛ اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۸، ص ۲۱۰ و ..

(۶). «إِنَّما حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ ...»* (نحل/ ۱۱۵، بقره/ ۱۷۳، مائده/ ۳، انعام/ ۱۴۵)

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۶۵

غذایی اسرار علمی و فلسفه‌های مختلفی در مورد حرام بودن خوردن خون برشمرده و گفته‌اند: خون محیط مناسبی برای رشد انواع میکروب‌ها می‌باشد و در آزمایشگاه‌های طبی از خون برای کشت انواع باکتری‌ها به منظور مطالعه‌ی آنها استفاده می‌کنند و خون در معده بسیار سخت هضم می‌گردد. «۱»

در روایات نیز به برخی از ضررهای آن اشاراتی شده است از جمله:

امام صادق (ع) می‌فرمایند: خوردن خون باعث قساوت قلب و رفتن مهر و عاطفه و موجب تعفن بدن و تغییر رنگ چهره می‌شود. «۲»

ادیان الهی خوردن خون را از لیست غذاهای بشری حذف کرده‌اند، که نشان می‌دهد که تمدّن فعلی بشر تا چه حد مرهون زحمات انبیا است.

۳. گوشت خوک: خوردن گوشت این حیوان از نظر اسلام در لیست غذاهای ممنوع قرار گرفته است. «إِنَّما حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ ...»** (بقره/ ۱۷۳، مائده/ ۳، انعام/ ۱۴۵، نحل/ ۱۱۵)

مصرف گوشت خوک هم ضررهای جسمی دارد و هم ضررهای معنوی و اخلاقی، مانند:

خوک غیرت ناموسی ندارد و جفت خود را در معرض استفاده‌ی خوک‌های نر دیگر قرار می‌دهد و لذت می‌برد و این خوی بی‌غیرتی در گوشتش تاثیراتی دارد. پس تغذیه از این گوشت باعث انتقال این صفت رذیله به انسان می‌گردد. «۳»

بیماری‌هایی که توسط مصرف گوشت خوک به انسان منتقل می‌گردد به طور خلاصه عبارتند از:

---

(۱). طب در قرآن، ص ۱۴۴

(۲). بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۶۲

(۳). فلسفه احکام، ص ۱۶۲.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۶۶

الف. کرم کدوی خوک که موجب نارسایی‌هایی در دستگاه گوارش می گردد.

ب. مرض لادردی که در مناطق مسیحی نشین زیاد یافت می گردد اما در میان مسلمانان یافت نمی‌شود.

ج. تری شینوز که اثرش التهاب جداره امعا: پیدایش جوش‌ها و دمل‌های پراکنده در تمام بدن و ...

د. بیماری «بوتولیسم» که بر اثر ثقیل الهضم بودن گوشت خوک ایجاد می گردد.

گوشت خوک در بیماری‌هایی مثل: اسهال خونی، یرقان عفونی، اسهال آسیبی، بیماری شبه باد سرخ و تصلب شرائین و دردهای مفصلی و مسمومیت‌ها موثر است. خوک از خوردن چیزهای پلید و کثافت حتی مدفوع خود باک ندارد و از این رو معده‌اش لانه‌ی انواع میکروب‌ها و امراض است. «۱»

۴. ممنوعیّت نوشیدن شراب (خمر):

خدای متعال در قرآن کریم در چهار مرحله با مسئله‌ی شراب برخورد می کند در ابتدا مسلمانان را برای پذیرش این حکم آماده می کند و به تدریج اجتماع مسلمانان آن روز را از این خوی پلید پاک می کند.

قبل از ظهور اسلام، شراب خواری در بین بسیاری از ملت‌ها یک عادت و رسمی بود که این عادت هنوز هم در بسیاری از کشورهای غیر مسلمان رواج دارد.

حرمت و نجاست شراب و مسکرات از چند جهت قابل بررسی است و در روایات اهل بیت (ع) و سخنان متخصصان علوم پزشکی مطالب مختلفی در مورد ضررهای معنوی، اجتماعی و بهداشتی شراب آمده است که به اختصار بدانها اشاره می کنیم: «۲»

---

(۱). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۱۵- ۳۲۴

(۲). ر. ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۳۱.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۶۷

الف. شراب عقل را زایل و انسان را از حوزه‌ی انسانیت خارج و تبدیل به یک حیوان می کند تا آنجا که حتّی کشتن خانواده و فرزندان برایش عادی جلوه می‌نمایند.

ب. ابتلا به زخم معده‌ی حاد که ممکن است به مرگ منجر شود.

ج. اعتیاد مزمن به الکل به دستگاه عصبی آسیب وارد می کند و منجر به بیماری‌های عصبی در زمینه‌های مختلف می‌شود.

د. استفاده‌ی الکل به دستگاه گوارش صدمه وارد کرده و باعث بیماری‌های گوارشی مثل سرطان مری، التهاب حاد معده و ... می گردد.

م. نوشیدن الکل رابطه‌ی نزدیکی با بسیاری از بیماری‌های قلبی از جمله: ضعف ماهیچه‌های قلب و ... دارد.

ه‍. نوشیدن شراب باعث نارسایی‌های خونی مثل کاهش آهن خون و کاهش اسید کولیک در خون و ... می‌شود.

و. مصرف الکل تاثیر زیادی روی فعالیت‌های جنسی دارد، از جمله میل جنسی را افزایش می‌دهد ولی توان انجام فعالیت‌های جنسی را کم می کند و ...

ز. الکل یکی از علل پنج گانه‌ی اصلی ابتلا به سرطان مغز است.

همچنین استفاده از شراب و مشروبات الکلی عوارض روحی و ذهنی بسیاری دارد که صاحب‌نظران و پزشکان در مورد ضررهای آن به طور مفصّل در کتاب‌های مختلف به آن پرداخته‌اند.

سوم: توصیه به غذاهای حلال و پاک (طیّب):

قرآن کریم توجّه خود را فقط معطوف به تحریم خبائث ننموده بلکه مردم را به غذاهایی مفید و مؤثر در سلامتی، راهنمایی کرده است و در این راستا می‌فرماید:

«یَسْئَلُونَکَ ما ذا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَکُمُ الطَّیِّباتُ؛ از تو می‌پرسند: چه چیزهایی برای شان حلال شده است؟ بگو: [همه‌ی پاکیزه‌ها برای شما حلال گردیده.» (مائده/ ۴، اعراف/ ۳۳، مائده/ ۸۷ و ۸۸، نحل/ ۵)

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۶۸

البته معنای کلمه‌ی «طیّب» در منفعت و ارزش غذایی محدود نمی‌گردد بلکه فواید روانی غذا را نیز در بر می‌گیرد و غذایی طیب باید حلال هم باشد:

«وَ کُلُوا مِمَّا رَزَقَکُمُ اللَّهُ حَلالًا طَیِّباً» «۱» زیرا هنگامی که شخص از دسترنج خود غذا می‌خورد ضمن دستیابی به یک لذّت و نشئه خاص، احساس سعادت و بزرگی نیز به وی دست می‌دهد. «۲»

انواع طیبات از دیدگاه قرآن:

۱. گوشت چهارپایان: (نحل/ ۵) شکی نیست که اگر گوشت را از رژیم غذایی انسان حذف کنیم، قادر به ادامه یک زندگی بهداشتی و طبیعی نخواهد بود؛ زیرا گوشت از هر غذای دیگری بیشتر پروتئین دارد.

کمبود پروتئین بدن در دراز مدت باعث اختلال در رشد طبیعی بدن، ضعف عضلات، کم خونی، کودنی و کم عقلی ... می‌گردد.

۲. صید دریا: قرآن کریم می‌فرماید:

«وَ هُوَ الَّذِی سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْکُلُوا مِنْهُ لَحْماً طَرِیًّا؛ «۳» و او کسی است که دریا را رام ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید.»

نعمت‌های دریا شگفت‌انگیز و بیشمارند که از جمله‌ی آن، ماهی را می‌توان نام برد. گوشت ماهی دارای پروتئین زیادی با کیفیت خوب است و مقدار زیادی ویتامین از جمله ویتامین A و ویتامین D دارد که ویتامین A ضد شب کوری و برای رشد بافت‌های پوست ضروری است و ویتامین D برای رشد و نمو استخوان بسیار مفید است.

---

(۱). مائده/ ۸۸

(۲). طب در قرآن، ص ۱۶۲

(۳). نحل/ ۱۴.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۶۹

ماهی حاوی کلسیم است و دیگر امتیاز ماهی و محصولات غذایی دریایی غنی بودن آنها از نظر یُد است که عنصری ضروری و مورد نیاز برای غده تیروئید است. «۱»

۳. شیر چهارپایان: (نحل/ ۶۶) شیر به تنهایی غذایی خالص، خوش طعم و کامل که خداوند به انسان‌ها ارزانی داشته است. شیر مملو از کلسیم است، کلسیم نمک مخصوصی برای استحکام استخوان‌های بدن، ناخن‌ها و موها است بدون کلسیم استخوان‌ها سست می‌شوند. دندان‌ها می‌پوسند، ناخن‌ها می‌شکنند و موها می‌ریزند.

۴. زیتون: (انعام/ ۹۹ و مومنون/ ۲۰) زیتون یک ماده‌ی غذایی بسیار ارزشمند است که مقدار زیادی چربی، پروتئین، کلسیم آهن و فسفات را در خود دارد و از نظر ویتامین‌های A و D و B کمپلکس بسیار غنی است قرآن با قسم خوردن به این میوه (وَ التِّینِ وَ

الزَّيْتُونِ) توجه و حس کنجاوی بشر را به این میوه جلب کرده است و صاحب نظران فوائد بسیار فراوانی را برای این میوه برشمرده‌اند. «۲»

۵. خرما (نحل/ ۱۱ و عبس/ ۲۹): درصد بسیاری از ترکیبات خرما را مواد قندی تشکیل می‌دهند و از این نظر غنی‌تر از سایر میوه‌هاست. همچنین خرما بر هضم غذا موثر است و خاصیت ضد گرسنگی دارد و مناطقی که از خرما بیشتر مصرف می‌کنند کمتر مبتلا به سرطان می‌شوند خرما برای جوش و غرور جوانی مفید است، بیماران دیابتی به جای قند می‌توانند از خرما استفاده کنند. متخصصین فواید بسیاری برای خرما برشمرده‌اند که به ذکر همین مقدار اکتفا می‌کنیم. «۳»

---

(۱). همان

(۲). ر. ک: سوگندهای قرآن، ابو القاسم رزاقی، ص ۴۴۱

(۳). ر. ک: آموزه‌های تندرستی در قرآن، حسن رضا رضایی، ص ۷۳.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۷۰

در روایات نیز اشاراتی به خواص پر اهمیت خرما شده است. «۱»

۶. انجیر (تین ۱- ۴): خداوند از یک طرف به انجیر قسم یاد می‌کند و از طرف دیگر بحث قوام انسان را مطرح می‌کند پس بین انجیر و قوام انسان ارتباط وجود دارد (وَ التِّينِ. .. لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ) دانشمندان بعد از تحقیقات در انجیر، به این نتیجه رسیده‌اند که انجیر تاثیر مستقیم در قوام و قدرت انسان و سلامتی بدن دارد و فوائد دیگری نیز برای انجیر برشمرده‌اند. «۲»

و در روایات اهل بیت نیز فوائد فراوانی برای انجیر حکایت شده است.

۷. عسل: قرآن عسل را مایه‌ی شفا معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِها شَرابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوانُهُ فِيهِ شِفاءٌ لِلنَّاسِ؛ «۳» از شکم‌هایشان نوشیدنی (/ عسل) بیرون می‌آید که رنگ‌هایش متفاوت [و] در آن برای مردم درمانی است.»

بسیاری از صاحب‌نظران، مفسّران و پزشکان در مورد اهمیت غذایی و دارویی (شفا بخش) عسل سخن گفته و به قرآن آفرین گفته‌اند که آن را «شفا» خوانده است.

اینک به طور خلاصه اشاراتی به آنها می‌کنیم:

الف. عسل دارای بیش از ۷۰ ماده‌ی مختلف است که برای بدن بسیار مفید است.

ب. عسل خاصیت ضد میکروبی و ضد عفونی دارد و میکروب‌ها قادر به حیات در عسل نیستند.

ج. عسل برای کودکان، هم یک ماده‌ی غذایی، و هم یک داروی ارزشمند است.

د. عسل در پیشگیری از عوارض تابش انواع اشعه و سرطان نقش بسزایی دارد.

---

(۱) سفینه، ج ۱، ص ۱۲۴ و بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۱۴۱

(۲). آموزه‌های تندرستی در قرآن، ص ۷۷

(۳). نحل/ ۶۱ و ۶۲.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۷۱

کاربرد درمانی عسل:

۱. عسل در درمان بیماری‌های پوستی بویژه جوش‌های چرکی و زخم‌های کهنه و عفونی موثر است.

۲. عسل تاثیرات نیکویی بر بیماری‌های گوارشی دارد.

۳. عسل در درمان بیماری‌های تنفسی مثل بیماری سل، سیاه سرفه و التهاب ریه نقش موثر دارد.

۴. عسل از قدیم الایام در درمان بیماری‌های چشم به کار برده می‌شد.

همچنین عسل در بیماری‌های زنان و زایمان و بیماری‌های گوش، حلق و بینی و بیماری‌های قلبی و کلیه و دستگاه عصبی موثر است که صاحب‌نظران به طور مفصل به تشریح آنها پرداخته‌اند. «۱»

بنابراین:

۱. قرآن چیزهای را که طبع سالم انسان از آن متنفر و استفاده از آن برای او ناراحتی و بیماری‌های جسمی و روحی ایجاد می‌نماید حرام کرده است.

۲. علت و فلسفه‌ی حرمت برخی از امور، برای بشر با توجه به پیشرفت علم، روشن شده و ممکن است علت حرمت این‌گونه غذاها منحصر به این امور نباشد و علت‌های دیگری هم در حرمت این غذا دخیل باشد که هنوز بشر پی به آن نبرده است. «۲»

۳. ممکن است در آینده حکم و اسرار و علل بهتری از آنچه تا حال کشف شده برای بشر آشکار گردد زیرا علم بشر خیلی محدود و به تصدیق دانشمندان

---

(۱). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۴۰۶- ۴۱۷

(۲). فلسفه احکام، ص ۲۳ با تصرف.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۷۲

این عصر نسبت معلومات بشر به مجهولات او اندک است، و هر چه معلومات تازه برای بشر پیدا می‌شود مجهولات او زیادتر می‌گردد. «۱»

۴. فلسفه و علت برخی از احکام و قوانین اسلام هنوز روشن نشده است که به این موارد احکام تعبّدی می‌گویند و باید هر مسلمان بدانها عمل کند. و مسلّماً عقل و علم آنها را می‌پذیرد و ممکن است در آینده حکمت‌های آنها برای ما روشن شود چرا که این قوانین از طرف خدای حکیم وضع شده است.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی‌اصفهانی.

۲. تغذیه در قرآن، دکتر محمدرضا نوری.

۳. فلسفه احکام، آیت الله احمد اهتمام.

۴. اسلام و بهداشت روان، مجموعه مقالات، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی ایران.

---

(۱). همان.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۷۴

پرسش:

رابطه‌ی وضو و غسل با بهداشت جسمانی چیست؟

پاسخ:

در اسلام عباداتی وجود دارد که دارای دو جنبه است: یکی بُعد عبادی، که موجب تقرب انسان به خدا و کمال معنوی او می‌شود و دوم بُعد بهداشتی و درمانی، که برای محیط اجتماعی یا شخصی انسان آثار مفیدی دارد و سلامت انسان را تأمین می کند. مانند: نماز، وضو، غسل و روزه از این قبیل عبادات هستند. «۱»

وضو:

در قرآن مجید علت و فلسفه‌ی برخی احکام را، نظافت و پاکیزگی نشان می‌دهد برای مثال: در آیه‌ی وضو و تیمم می‌فرماید: «ما یُرِیدُ اللَّهُ لِیَجْعَلَ عَلَیْکُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لکِنْ یُرِیدُ لِیُطَهِّرَکُمْ وَ لِیُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَیْکُمْ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ؛ «۲» یعنی خدا نمی‌خواهد، تا بر شما هیچ تنگ بگیرد، و لیکن می‌خواهد، تا شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید؛ تا شاید شما سپاسگزاری کنید.»

البته ناگفته نماند که وضو و غسل نیز مثل سایر عبادات فلسفه‌ی آن بالاتر از فوائد مادی و نتایج جسمانی است؛ بلکه حکمت آن معنوی و روحانی و وصول به

---

(۱). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج، ص ۳۴۸

(۲). مائده/ ۶.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۷۵

مقام قرب به مبدأ است و اشاره به همین معنا است حدیث «الوضوء نور و الوضوء علی الوضو نورٌ علی نور» که سر او از نور در فائده‌ی وضوء، صفا و قلب و حصول قرب می‌باشد و چراغی است که مؤمن را از ظلمات و مادیات نجات می‌دهد و به معنویات و ورود به ساحت قدس خداوند متعال رهبری می‌نماید. «۱»

اما اگر بخواهیم از دریچه‌ی بهداشت به مقوله‌ی وضو و غسل نگاه کنیم، جنبه‌های زیادی در این زمینه نمایان خواهد شد که اندیشمندان و پزشکان به آن اشاره کرده‌اند و در این زمینه کتاب‌هایی نیز نوشته‌اند و در روایات هم به جنبه‌ی بهداشتی آن اشاراتی شده است از جمله از امام رضا (ع) حکایت شده که در مورد حکمت وضو می‌فرمایند:

«و [وضو] برای این است که بنده در مقابل پروردگار خود پاکیزه باشد و قابل مذاکره و مکالمه گردد و اطاعت امر مولی نموده، از کثافات و نجاسات پاک گردد- و کسالت تن او بر طرف شود- و خواب از چشم او بیرون رود. تا این معارف به پاکی قلب او در مقابل عظمت خالق منتهی شود- و سبب وجوب شستن صورت و دست‌ها و مسح سر و پاها، آن است که این اعضا در نماز بیشتر به کار می‌آید زیرا نمازگزار با صورت سجده و خضوع می کند. و با دست خود حاجات خویش را عرضه می‌دارد و با سر خویش جهت قبله را حفظ می‌نماید و با پاهایش قیام و قعود نماز را انجام می‌دهد.» «۲»

برخی از صاحب نظران در مورد وضو حکمت‌هایی بیان کرده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می کنیم:

---

(۱). فلسفه احکام، ص ۱۸۶

(۲). اسرار الصلوه، به نقل از فلسفه احکام، ص ۲۵۱ (با تصرف مختصر در عبارت) و شیخ صدوق در علل الشرایع، ص ۲۷۹- ۲۸۱ به برخی علل بهداشتی وضو اشاره کرده است.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۷۶

۱. دست و صورت که غالباً در معرض میکروب‌های مختلفند باید هر روز چند مرتبه با عنوان وضو شسته شود به طوری که آب به پوست برسد و چربی و کثیفی‌ها را رفع نماید.

زیرا غیر از اعضای وضو (که زیر لباس است) کمتر آلوده به میکروب و کثافات محیط می‌شود. «۱»

۲. پیش از این گمان می‌کردند ورود میکروب به داخل بدن منحصر به سوراخ‌های بدن (مثل دهان) است؛ ولی اخیراً ثابت شده است که ممکن است میکروب از سطح پوست نیز وارد بدن شود و چون دست و صورت بیشتر در معرض آلودگی‌ها واقع می‌شود دستور به شستن داده شد و در پا و سر به مسح اکتفاء شده تا موجب سختی نشود. «۲»

۳. در مسح سر و پا اگر مانعی باشد لازم است برای صحت وضوء، آن موانع را برطرف نماییم در نتیجه نظافت محل سر و پا هم تحقق می‌یابد و این خود یک نکته‌ی بهداشتی است، «۳» و یا حد اقل احتمال آن را دارد.

۴. ماساژ دادن به روش‌های مختلف خاصیت و فوائد فراوانی برای بدن دارد که وضو نیز همان خاصیت ماساژ را دارا می‌باشد، زیرا وقتی سطح اعضای وضو، آب سرد رسید و محل آن سرد شد برای حفظ درجه حرارت طبیعی بدن و جبران حرارت از دست رفته‌ی اعضای وضو، دستگاه گردش خون به فعالیت سریع مشغول می‌شود تا درجه حرارت بدن متعادل شود. و در نتیجه نشاط و سلامتی و تعدیل در دستگاه گردش خون که مهم‌ترین عنصر بدن است بوجود آید و بهداشت بدن را تأمین می‌نماید. «۴»

---

(۱). فلسفه احکام، ص ۱۸۸

(۲). همان

(۳). همان

(۴). همان، ص ۱۹۰.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۷۷

۵. در مورد نوع آب وضو (سرد بودن و پاک و مطلق بودن) و استنشاق (آب در بینی کردن) و مضمضمه (آب در دهان کردن) و مسواک قبل از وضو، مطالب بهداشتی جالبی است که در روایات و سخنان صاحب نظران و پزشکان بدان اشاره شده است. «۱»

غسل:

غسل، همانند وضو دارای دو بعد عبادی و بهداشتی می‌باشد. ما در اسلام غسل‌های متعددی داریم که برخی از آنها مستحب و برخی واجب است: مثل غسل جنابت- حیض- نفاس- استحاضه- مس میت- میت و ...

غسل علاوه بر اینکه باعث نورانیت باطنی انسان می‌شود و حالت معنوی در انسان ایجاد می‌کند و روح را طهارت و نشاط می‌بخشد؛ فواید بهداشتی و جسمانی نیز برای بدن دارد. که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

هر کدام از غسل‌ها فلسفه و علت خاصی دارد، مثلًا: در مورد غسل جمعه و غسل عیدهای مختلف، یکی از علت‌ها این است که چون در روزهای جمعه و أعیاد اسلامی برخی اجتماعات برپا می‌شود؛ مثل نماز جمعه و نماز عید و ... و مردم از جاهای دور و نزدیک در یک جا دورهم جمع می‌شوند؛ بنابراین غسل موجب پاکیزگی می‌شود و بهداشت جسم و محیط را تأمین می‌کند و از طرفی بوی عرق و ... را از بین می‌برد و انس بین افراد بیشتر می‌گردد. «۲» برخی از پزشکان و صاحب‌نظران در مورد غسل جنابت فوایدی ذکر کرده‌اند، از جمله:

۱. غسل باعث نشاط بخشیدن به بدن و ورزیده شدن آن از طریق تحریک پایانه‌های عصبی موجود در پوست می‌گردد.

۲. غسل موجب احتقان خون در پوست و دستگاه تناسلی و دفع خون‌های جمع شده در این قسمت‌ها به سایر قسمت‌های بدن به ویژه قلب و مغز می‌شود.

---

(۱). فلسفه احکام، ص ۲- ۲۴۱ و ۲۴۶

(۲). فلسفه احکام (اهتمام)، ص ۲۰۹.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۷۸

۳. عمل غسل یک فعالیت عضلانی است که موجب نشاط قلب و حس جریان خون در بدن، و ورزش عضلات ارادی بدن است.

۴. غسل، سلامتی پوست را تأمین می‌کند تا بهتر به وظایف متعدد خود عمل نماید که از مهم‌ترین آنها انتقال احساسات و تنظیم دمای بدن و حفظ سلامتی است.

۵. زدودن سلول‌های مرده، مواد چربی زائد و گرد و غبار و سایر آلودگی‌ها از پوست از دیگر فوائد غسل می‌باشد. «۱»

۶. در روایت آمده که در زمان جنابت، منی از تمام بدن بیرون می‌آید و از این رو لازم است، تمام بدن شسته شود. «۲»

دانشمندان امروز به این نتیجه رسیده‌اند که خارج شدن منی از انسان، یک عمل موضعی نیست (مانند بول و سایر زواید)؛ بدلیل اینکه اثر آن در تمام بدن آشکار می‌گردد و تمام سلول‌های تن به دنبال خروج آن در یک حالت سستی مخصوص فرو می‌روند. «۳»

۷. برخی در مورد ترتیب غسل (سر و گردن، سمت راست و سمت چپ) نیز نکات بهداشتی و جسمانی ذکر کرده‌اند، از جمله: وقتی انسان با آب سرد مشغول به شستن یک عضو شد درجه حرارت در اعضای بدن مختلف می‌گردد؛ در نتیجه گردش خون به آن سمت شدید می‌شود و به دنبال آن عمل حیاتی دوران خون شدت پیدا می‌کند. همانطور که در وضو صورت می‌گیرد حتی اگر با آب گرم هم انجام شود باز این فرایند جریان پیدا می‌کند. «۴»

---

(۱). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۵۸

(۲). بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۱ و همان

(۳). نمونه، ج ۴، ص ۲۸۴ و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۵۸

(۴). فلسفه احکام، ص ۲۰۶.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۷۹

۸. پوست انسان هم دارای تنفس است و قریب ۲ میلیون منافذ جلدی روی پوست وجود دارد که در اثر برخی رسوب‌ها این منفذها مسدود می‌گردد؛ و تنفس پوست که از لوازم سلامتی و حیات است قطع و یا کم می‌شود؛ و در اثر غسل این روزنه‌ها باز و حیات و نشاط به آن بر می‌گردد، و فایده‌های بهداشتی دیگر که در کتب مربوطه به آن اشاره کرده‌اند.

یادآوری:

در پایان چند نکته لازم به ذکر است که:

وضو و غسل یک عبادت است که مقدمه‌ی نماز قرار می‌گیرد و پایین آوردن آن در حد یک عمل بهداشتی صحیح به نظر نمی‌رسد، هر چند که آثار بهداشتی این دستور الهی بر کسی پوشیده نیست.

آثار و فوایدی که برای وضو و غسل شمرده شد علت منحصر و تامه برای وضو و غسل نیست. بلکه ممکن است مصالح و مفاسد دیگری مثل مسائل معنوی و اجتماعی هم مورد نظر شارع بوده است. و آیندگان نکات علمی و دقیق‌تری از این عمل عبادی کشف کنند.

برخی از این آثار بهداشتی که از شستشوی بدن حاصل می‌شود، با شستشوی ساده بدن (بدون نیت و شرایط غسل) نیز حاصل می‌شود، پس معلوم می‌شود که این آثار، هدف اصلی شارع مقدس اسلام نبوده است، بلکه حد اکثر می‌توان گفت: در دستور غسل و وضو برخی از این آثار نیز لحاظ شده است. «۱»

منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی‌اصفهانی، انتشارات کتاب مبین.

۲. فلسفه احکام، احمد اهتمام.

---

(۱). ر. ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۶۱.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۸۰

پرسش:

دستورات بهداشتی قرآن چیست؟

پاسخ:

دستورات بهداشتی قرآن را می‌توان در چهار محور خلاصه کرد:

۱. بهداشت تغذیه؛

۲. بهداشت جسم؛

۳. بهداشت مسائل جنسی؛

۴. بهداشت روح و روان.

در اینجا لازم است هر کدام از این موارد به صورت جداگانه پرداخته شود:

۱. بهداشت تغذیه:

توضیح آن در پاسخ پرسش‌های قبلی گذشت.

۲. بهداشت جسم:

در برخی از آیات قرآن اشارتی به بهداشت جسم شده است که علاوه بر جنبه‌ی تقرّب و پاکی و لطافت روح، حاوی نکات بهداشتی فراوانی نیز می‌باشد. اشارات بهداشتی قرآن عبارتند از: وضو، غسل، طهارت لباس و پاکیزگی محیط زیست و ...

وضو: «۱» (مائده/ ۶) نماز در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد که مقدمات آن از جمله، وضو گرفتن یا غسل کردن (مثل: غسل جنابت) و پاک کردن بدن و لباس از نجاسات و همچنین پاکی مکان نمازگزار و ... موجب رعایت بهداشت شخصی می‌شود.

---

(۱). در مورد وضو و غسل در پاسخ به پرسش‌های قبلی مطالب مبسوطی بیان شد.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۸۱

وضو از نظر بهداشتی و شستن صورت و دست‌ها در وضوء، پنج بار و یا حد اقل سه بار در شبانه روز اثر قابل ملاحظه‌ای در نظافت بدن دارد. «۱» که البته صاحب‌نظران فواید بهداشتی دیگری نیز برای آن برشمرده‌اند. «۲»

غسل: «۳» (مائده/ ۶) غسل همانند وضو، دارای دو جنبه‌ی (بهداشتی و عبادی) است. در مورد غسل جنابت روایتی از امام رضا (ع) وارد شده است که حضرت فرمودند:

«علّت غسل جنابت نظافت است و آدمی خود را از کثافات که به او رسیده پاکیزه کند و سایر بدن را پاک گرداند؛ زیرا منی از تمام بدن بیرون می‌آید از این رو لازم است تمام بدن را پاکیزه کند.» «۴»

متخصصان علوم پزشکی هم به این نتیجه رسیده‌اند که خارج شدن منی، یک عمل موضعی نیست (مانند بول و سایر زواید که لازم باشد فقط همان موضع شستشو شود)

به دلیل اینکه اثر آن در تمام بدن آشکار می‌گردد و تمام سلول‌های بدن به دنبال خروج آن، در یک حالت سستی مخصوص فرو می‌روند. «۵» البته غسل حاوی برخی مطالب بهداشتی دیگر نیز هست که صاحب نظران به آن اشاره کرده‌اند. «۶»

۳. طهارت لباس: قرآن می‌فرماید: «وَ ثِیابَکَ فَطَهِّرْ» «۷» پاکیزگی لباس یکی از خواسته‌های طبیعی انسان است که اسلام نیز بر آن تاکید کرده است. البته در

---

(۱). تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۹۱

(۲). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۴۸، فلسفه احکام، ص ۲۳۲ و ۲۳۵

(۳). در مورد وضو و غسل در پاسخ به پرسش‌های قبلی مطالب مبسوطی بیان شد

(۴). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۶۰ و فلسفه احکام، ص ۲۵۹

(۵). تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۹۲- ۲۹۴

(۶). فلسفه احکام، ص ۲۶۰

(۷). مدثر / ۴.

مورد اینکه مقصود از آیه‌ی فوق (طهارت لباس) چیست؟ نظریه‌های مختلفی مطرح است که پرداختن به آن‌ها ما را از بحث خارج می‌کند.

۴. پاکیزگی و بهداشت محیط زیست: قرآن درباره بهداشت محیط زیست می‌فرماید:

«وَ طَهِّرْ بَیْتِیَ لِلطَّائِفِینَ وَ الْقائِمِینَ وَ الرُّکَّعِ السُّجُودِ؛ و خانه مرا برای طواف کنندگان و (به نماز) ایستادگان و رکوع کنندگان سجده‌گر پاک و پاکیزه کن.»

این آیه بر لزوم پاکیزگی محیط زیست به ویژه مساجد اشاره و تأکید دارد و یکی از شروط صحت نماز، اقامه‌ی آن در محلی پاکیزه و دور از نجاسات است. «۱»

۳. بهداشت مسایل جنسی:

یکی دیگر از دستورات بهداشتی قرآن، بهداشت مسایل جنسی است.

قرآن در زمینه‌ی بهداشت مسایل جنسی، موضوعات علمی را مطرح می‌نماید، از جمله:

۱. ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهیانه؛

۲. ممنوعیت زنا؛

۳. ممنوعیت هم جنس بازی (لواط)؛

۴. ممنوعیت خودارضایی (استمناء)؛

در اینجا به اشاراتی در مورد این مسائل اکتفا و بحث‌های مفصل‌تر را به مطالعه‌ی منابع پیشنهادی واگذار می‌کنیم.

---

(۱). طب در قرآن، ص ۱۳۱.

۱. ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهیانه:

قرآن کریم می‌فرماید:

«يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذىً فَاعْتَزِلُوا النِّساءَ فِي الْمَحِيضِ وَ لا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ»؛ «۱»

«و از تو، درباره‌ی عادت ماهانه [زنان می‌پرسند، بگو: آن رنجی است؛ از این رو در عادت ماهانه، از زنان کناره‌گیری کنید، و با آنان نزدیکی ننمایید، تا پاک شوند.»

یکی از حکمت‌های این دستور الهی، مصون ماندن از بیماری هاست که پزشکان مطالب زیادی در این زمینه نوشته‌اند. «۲»

۲. ممنوعیت زنا:

قرآن کریم از آن به عنوان «فاحشه» عمل زشت یاد می‌کند و برای پیشگیری از این عمل دستور به ازدواج می‌دهد و همچنین زنان را به رعایت حجاب و مردان را به کوتاه کردن نگاه فرامی‌خواند. قرآن می‌فرماید:

«وَ لا تَقْرَبُوا الزِّنى إِنَّهُ كانَ فاحِشَةً وَ ساءَ سَبِيلًا»؛ «۳»

«و نزدیک زنا نشوید؛ [چرا] که آن، زشتکاری است، و بد راهی است.»

که در مورد بیماری‌های مختلف آمیزش، صاحب‌نظران به طور مفصل بحث کرده‌اند. «۴»

---

(۱). بقره/ ۲۲۲

(۲). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۷۰- ۳۷۱ و ..

(۳). اسراء/ ۳۲، فرقان/ ۶۸، ممتحنه/ ۱۲، نور ۲- ۳ که با عبارات مختلف از زنا نهی می‌کند

(۴). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۷۹.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۸۴

۳. ممنوعیت هم جنس بازی (لواط):

قرآن در این مورد در آیات ۱۶۵ و ۱۶۶ سوره‌ی شعراء و ۸۱ سوره‌ی اعراف و ۲۹ سوره‌ی عنکبوت مطالبی را در قالب، داستان قوم لوط بیان کرده و در ضمن آن این عمل را سرزنش و ممنوع و حرام کرده است.

این عمل عوارض و ضررهای بهداشتی متعددی (از جمله: سیفلیس، سوزاک، آتشک، گرانولوم آمیزشی و سست شدن عضلات مقعد و ...) دارد. «۱»

۴. ممنوعیت استمناء:

استمناء، یعنی اینکه کسی کاری کند که از خودش منی بیرون آید این عمل در اسلام ممنوع و حرام شمرده شده و قرآن در سوره‌های (مومنون/ ۵- ۷ و مُعارج/ ۲۹- ۳۱) به آن پرداخته است.

متخصصان علوم پزشکی و صاحب‌نظران در مورد آثار زیانبار فراوان این عمل زشت سخن گفته و اثرات سوء آن را در حوزه‌های مختلف روانی و اخلاقی- اجتماعی- جسمی و ... بررسی کرده‌اند. «۲»

۴. بهداشت روح و روان:

محور دیگری که قرآن کریم در مورد آن دارای دستورات بهداشتی ارزشمندی است؛ محور بهداشت روان می‌باشد:

در این زمینه نیز صاحب‌نظران و اندیشمندان علوم قرآنی قلم فرسایی نموده و از دید قرآن و تاثیر شفابخشی آن سخن رانده‌اند که برای طولانی نشدن مطلب اشاراتی در این زمینه می‌نماییم.

---

(۱). همان، ص ۳۸۹

(۲). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۹۲.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۸۵

اضطراب و دلهره و دلواپسی و احساس ناتوانی و بی‌کفایتی فرد برای تعبیر و تفسیر حوادث موضوع نگران کننده و مهمی است که براساس تحقیقات جدید اختلالات اضطرابی از شایع‌ترین اختلالات روانپزشکی است. «۱»

در اینجا به ذکر برخی از راهکارهای قرآن در به وجود آمدن آرامش درونی و بازدارنده اختلالات خفیف روانی می‌پردازیم:

۱. توکل: توکل عبارت است از اعتماد به خدا در انجام کار و واگذاری امور به او؛ به طوری که فعالیت شخصی و تعادل روانی را افزایش می‌دهد و از اضطراب نرسیدن به هدف باز می‌دارد. این اعتقاد حالتی را در شخص به وجود می‌آورد که موجب می‌شود فرد در تمام حالات و رفتار خویش حضور پروردگار را در نظر بگیرد و در این حضور احساس قدرت و توانمندی کند «۲» که قرآن هم بر این مسئله در آیات مختلف تاکید می‌کند. «۳» از جمله:

«فَإِذا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ؛ پس بر خدا توکّل کن؛ چرا که خدا توکّل کنندگان را دوست می‌دارد.»

۲. ایمان: از آثار مطلوب ایمان به خدا، آرامش است؛ آرامشی که موجب سکون نفس، ثبات قلب و ثبات عزم و اراده شده و مانع راهیابی هرگونه اضطراب در انسان می‌شود. «۴»

قرآن کریم می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ «۵»

او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان فرو فرستاد.

---

(۱). اسلام و بهداشت روان، ج ۲، ص ۲۱۳

(۲). همان، ص ۱۳۲

(۳). ر. ک: المعجم المفهرس، واژه‌ی (وکل)

(۴). اسلام و بهداشت روان، ج ۲، ص ۲۱۷

(۵). فتح/ ۴.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۸۶

۳. ذکر و یاد خدا: قرآن کریم می‌فرماید:

«أَلا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ «۱»

آگاه باشید، که تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد!

که البته منظور از ذکر خدا ذکر زبانی و فکر و قلبی و ترک گناه و ... می‌باشد که یاد خداوند در آرامش و بهداشت روان بسیار موثر است.

۴. صبر: یکی از اساسی‌ترین روش‌های مقابله با استرس و عوارض ناشی از آن، صبر است. قرآن کریم می‌فرماید:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»؛ «۲»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بوسیله شکیبایی و نماز، یاری جویید؛ [چرا] که خدا با شکیبایان است.

۵. توبه و استغفار: یکی از عوامل اضطراب‌زا احساس گناه است که تا حد زیادی تعادل روان انسان را به هم می‌زند. قرآن در برخورد با این مسئله توبه و توجه به رحمت وسیع پروردگار را توصیه می‌کند.

قرآن کریم می‌فرماید:

«إِلَّا مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً فَأُولئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لا يُظْلَمُونَ شَيْئاً»؛ «۳»

مگر کسانی که توبه کنند، و ایمان آورند، و [کار] شایسته انجام دهند؛ پس اینان داخل بهشت می‌شوند، و هیچ ستمی بر آنان نخواهد شد.

راهکارهایی که قرآن درباره بهداشت روان فرا سوی بشر قرار می‌دهد؛ بسیار زیاد است که ذکر همه‌ی آنها در این مجال نمی‌گنجد.

---

(۱). رعد/ ۲۸

(۲). بقره/ ۱۵۳

(۳). مریم/ ۶۰.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۸۷

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی‌اصفهانی، ج ۲، انتشارات مبین، رشت.

۲. تغذیه در قرآن، دکتر محمدرضا نوری.

۳. فلسفه احکام، آیت الله احمد اهتمام.

۴. اسلام و بهداشت روان، مجموعه مقالات، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی ایران، نشر معارف.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۸۸

فصل چهارم: قرآن و غذاشناسی

اشاره

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۹۰

پرسش:

چرا قرآن به زیتون و انجیر قسم یاد کرده است؟

آیا به خاطر فواید غذایی آنهاست؟

پاسخ:

پرسش را در دو بخش بررسی می‌کنیم:

اول: حکمت و فلسفه‌ی سوگند در قرآن؛

دوم: سوگند قرآن به انجیر و زیتون و حکمت آن.

اول: چرا خداوند سوگند یاد کرده است؟

مفسّران و صاحب‌نظران علوم قرآنی دلایل متعددی را برای قسم‌های قرآن بر شمرده‌اند که با بررسی آنها مطلب روشن می‌گردد:

۱. برخی قائلند سوگندهای قرآن به خاطر نشان دادن عظمت و تأکید بر مطلبی است که بعد از قسم می‌آید. یعنی این مطلبی که دنباله‌ی آیات معمولًا بیان می‌کند؛ مطلب مهمی است. «۱»

۲. حکمت دوم قسم‌های قرآن این است که گاهی خداوند می‌خواهد عظمت آن مطلبی را که به آن سوگند یاد کرده، نشان دهد.

«۲»

همچنین سوگندهای قرآن فکر و عقل انسان را توسعه می‌دهد؛ در واقع تمام هستی را جولانگاه فکر بشر قرار می‌دهد و وی را در عالم محسوسات و مادی و

---

(۱). تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۲۷، ص ۳۹

(۲). تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۹.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۹۱

عالم غیب به پرواز در می‌آورد زمین و خورشید و ستارگان و کهکشان‌ها و حتی انجیر و زیتون را در برابر فکر او عرضه می‌کند تا همه و همه را مورد مطالعه قرار دهد و با تحقیق و دقّت آنها را بررسی کند. «۱»

۳. احتمال دارد که در سوگندهای قرآن «رَب» در تقدیر است، یعنی «وَ الْفَجْرِ» در اصل «رب الفجر» بوده، یعنی سوگند به پروردگار سپیده دم و اصولًا هر جا خداوند به امور مادی قسم می‌خورد یک «رب» در تقدیر است. مثلًا سوگند به پروردگار خورشید، سوگند به پروردگار ماه و ...

در نتیجه می‌توان این سه احتمال را با هم جمع کرد، زیرا با هم منافاتی ندارند، به هر حال سوگندهای قرآن هم اشاره به عظمت مطلبی که به آن قسم یاد شده و هم عظمت مطلبی که برایش قسم خورده دارد و هم بر عظمت خالق آنها ناظر است. بنابراین قسم‌ها و سوگندهای قرآن برای اثبات راستگویی خداوند تبارك و تعالی نیست؛ بلکه برای نشان دادن عظمت این‌گونه مطالب و اهمیت آنهاست.

دوم: چرا خداوند به انجیر و زیتون قسم خورده است؟

یکی از قسم‌های قرآن، قسم به انجیر و زیتون است که مفسرین احتمالاتی در مورد این دو قسم ذکر کرده‌اند، مانند:

الف. مراد از «تین»، کوهستانی است که «دمشق» بر بلندی آن واقع شده؛ و منظور از «زیتون» کوهستانی است که «بیت المقدس» بر بالای یکی از کوه‌هایش بنا شده است. و اطلاق نام دو میوه‌ی «انجیر» و «زیتون» بر این دو کوه، شاید برای این بوده که این دو میوه در این دو منطقه می‌روید و سوگند خوردن به این دو منطقه هم شاید به خاطر این بوده که عده‌ی بسیاری از انبیا در این دو منطقه مبعوث شده‌اند.

---

(۱). سوگندهای قرآن، ابو القاسم رزاقی، ص ۴۵.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۹۲

ب: برخی «تین» و «زیتون» را اشاره به دو دوران حضرت آدم و حضرت نوح (ع) می‌دانند؛ چرا که لباسی که آدم و حوا در بهشت پوشیدند از برگ درختان انجیر بود و در پایان طوفان نوح، شاخه‌ی زیتونی از آب بیرون آمد که نوح فهمید طوفان پایان یافته است.

ج. در روایتی وارد شده که «تین» مدینه و «زیتون» بیت المقدس است. «۱» البته احتمالات دیگری در این باره ذکر شده است. «۲»

د: مقصود دو میوه‌ی معروف می‌باشد. اگر این دو قسم را بر معنای ابتدایی آنها حمل کنیم یعنی «انجیر» و «زیتون» دو میوه‌ی معروف؛ باز سوگند با معنایی است. زیرا انجیر و زیتون دارای ارزش غذایی فراوانی است که غذاشناسان و پزشکان فوائد بسیاری را برای آنها بر شمرده‌اند که برخی از آنها را در اینجا مطرح می‌کنیم:

زیتون:

بی‌شک تمامی میوه‌هایی که خداوند منان آفریده، ارزشمند است، ولی نباید تردید کرد که برخی از آنها از لحاظ ارزش و خاصیت

غـذایی، به نوعی بر دیگری برتری دارنـد؛ در این میان «زیتون» از جمله میوه‌هایی است که هم دارای خاصـیت غـذایی، و هم ارزش دارویی و هم منبعی برای سوخت و ایجاد روشنایی است، از برگ و هسته‌ی آن نیز استفاده می‌شود. «۳»

به گفته‌ی برخی متخصصـین زیتون معجزه گراست و برای درمان بسیاری از بیماری‌ها از جمله درمان نقرس، تصلب شرائیین، فشار خون و دردهای عصبی موثر است.

---

(۱). تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۰۶، حدیث ۴، به نقل از همان

(۲). ر. ك: تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۴۰

(۳). از معدود میوه‌هائی است که قرآن از آن نام برده است. نحل/ ۱۱، مومنون/ ۲۰.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۹۳

نکته‌ی قابل توجه اینکه در میان مواد غـذایی چه نباتی و چه حیوانی، هیـچ ماده‌ی غذایی به اندازه‌ی زیتون دارای «پتاسیم» نیست، و اگر بدانیم «پتاسیم» چیست؟ و چه نقشی در حفظ حیات ما دارد؟! خواهیم فهمید چرا باید زیتون را مورد توجّه قرار داد.

به طور خلاصه، «پتاسیم» در سازندگی عضلات بدن و انرژی بدن موثر است و در ساختمان ترشحات غدد داخلی بدن به کار رفته است که در حفظ نیروی فعال و نشاط زندگی لازم است.

و از طرفی کمبود «پتاسیم» در بدن، رشد را متوقف می‌سازد پلکها متورم می‌شود و دستگاه تنفس دچار اختلال می‌شود.

«پتاسیم» در فعالیت و قـدرت تصـفیه و شستشوی سلول‌های کبـدی، مؤثر است، و موجب می‌گردد کبد مواد سمی و اوره و اسید اوریک را بهتر و بیشتر از خون گرفته خارج نماید.

«پتاسیم» در قـدرت دفعی کلیه‌ها نقش اساسی دارد و موجب فعالیت بیشتر کلیه‌ها و دفع مواد سمی از خون می‌گردد و بدین لحاظ «پتاسیم» را، از داروها و درمان کننده‌ی بیماری‌های کلیه می‌دانند.

«پتاسیم» حتی در ساختمان گلبول‌های قرمز خون وجود دارد و در فعالیت و سازندگی و حفظ آن اثر دارد.

غیر از پتاسیم- که وجودش برای ادامه‌ی حیات و حفظ تندرستی ما ضروری است- مواد معدنی دیگری چون فسفر، کلسیم، منیزیم، آهن در زیتون وجود دارد که هر کدام نقش شگرف و سازنده‌ای در زندگی ما دارند. «۱»

---

(۱). قسم‌های قرآن، ابو القاسم رزاقی، ص ۴۴۱.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۹۴

انجیر:

«انجیر» نیز میوه‌ای است که جنبه‌ی دارویی فراوانی دارد و چیز زائـدی نـدارد و تمامش خورده می‌شود غذای لطیف و سریع الهضم است و لینت طبع می‌آورد، بلغم را تحلیل می‌دهـد و کلیه‌ها را پاك و سـنگ مثانه را از بین می‌برد و راه کبد و سپرز را باز می‌کند و بدن را فربه می‌سازد. «۱»

«انجیر» دارای مواد و ترکیبات غذایی و دارویی سبك و خوش‌خوراك است که تازه و خشك آن، گوشت و هسته و پوستش برای همه و هر سنی قابل استفاده و گواراست. «۲»

و در روایتی از امام رضا (ع) آمـده است: «انجیر بوی دهان را می‌برد، لثه‌ها و اسـتخوان‌ها را محکم می‌کند، مو را می‌رویاند، درد را بر طرف می‌سازد، و با وجود آن نیاز به دارو نیست، و همچنین می‌فرماید: انجیر شبیه‌ترین میوه به میوه‌ی بهشتی است.» «۳»

انجیر حاوی مقـدار زیادی «فسفر» می‌باشـد که در تقویت هوش و حافظه بسیار موثر است نیز سرشار از «پتاسیم» که برای سلامتی

کودکان ضعیف و کم خون و بی‌اشتها مفید می‌باشد، مقدار قابل توجهی، کلسیم دارد، که هم سازنده‌ی خون و استخوان و هم در ایجاد عضلات بدن و نیروی اعصاب و افزایش قدرت جسمانی مؤثر است.

---

(۱). سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۲۸، به نقل از سوگندهای قرآن، ص ۴۴۶

(۲). همان

(۳). کافی، ج ۶، ص ۲۵۸ و همچنین علامه مجلسی در بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۱۸۴ روایات متعددی در مورد انجیر آورده است.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۹۵

امروزه کارخانجات بزرگ داروسازی، از مواد موجود در انجیر و خواص حیاتی آن برای ساخت داروهای لازم جهت درمان و دفع سموم بدن استفاده می‌کنند. «۱»

بنابراین:

با در نظر گرفتن کلام مفسرین و صاحب‌نظران و توجه به فوائد غذایی سرشار «زیتون» و «انجیر» می‌توان گفت: قرآن با سوگند به این دو میوه توجه و حس کنجکاوی انسان را نسبت به این دو غذا جلب کرده است و شاید یکی از حکمت‌های مهم سوگند قرآن به این دو میوه به اهمیت و ارزش غذایی آن باشد.

منابع جهت مطالعه:

۱. قسم‌های قرآن، آیت الله مکارم شیرازی.

۲. سوگندهای قرآن، ابو القاسم رزاقی.

۳. تحلیلی بر سوگندهای قرآن، محمد فاکر میبدی.

۴. گیاهان در قرآن، دکتر محمد اقتدار حسین فاروتی.

---

(۱). مکتب اسلام، سال ۱۱، ش ۹، ص ۶۰ و ۶۱ به قلم دکتر محمدحسین حاجبی، به نقل از سوگندهای قرآن رزاقی، ص ۴۴۸.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۹۶

پرسش‌های قرآنی جوانان ۲۱۰

پرسش:

چرا هنگام غذا خوردن توصیه شده که نمک بخورید؟

پاسخ:

پاسخ را در دو بخش ارائه می‌دهم:

بخش اول: «نمک» در آیینه‌ی روایات.

بخش دوم: «نمک» از دریچه علم.

اما بخش اول: با بررسی روایاتی که در مورد نمک آمده، می‌توان آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرد:

۱. دسته‌ای از روایات فقط فواید عام خوردن نمک را بیان می‌کنند.

از حضرت علی (ع) در این مورد حکایت شده که می‌فرماید:

«ابدوا بالملح فی اوّل طعامکم فلو یعلم الناس ما فی الملح لاختاروه علی التریاق المجرب؛ «۱» با نمک خوردن در اول غذا، غذا

خوردن را شروع کنید، که اگر مردم بدانند چه خاصیتی در نمک است، هر آیینه بر تریاق [بهترین دوای موثر] تجربه شده آن را بر می گزیدند.»

۲. دسته‌ای دیگر علاوه بر بیان فواید عام نمک، فواید خاص استعمال نمک را نیز بیان می کنند که نمونه‌های آن به شرح زیر است.

---

(۱). کتاب کافی، مرحوم کلینی، ج ۶، ص ۳۲۵ و کتاب المحاسن، احمد خالد برقی، ج ۲، ص ۵۹۰ و ... که در این دو کتاب و سایر کتب مثل المقنع شیخ صدوق و بحار الانوار علامه مجلسی، ج ۶۳، ص ۳۹۰ به بعد، روایات درباره نمک به طور مفصل آورده شده است.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۹۷

۱. عن الصادق (ع): قال رسول الله (ص) لعلی (ع): «یا علی افتتح بالملح و اختم به فانه من افتتح بالملح و ختم به عوفی من اثنین و سبعون نوعاً من انواع البلاء منها الجنون و الجُذام و البرص؛ از امام صادق (ع) نقل شده که رسول خدا (ص) به حضرت علی (ع) فرمود: ای علی! غذا را با نمک آغاز و با آن پایان ده؛ که هر کس چنین کند از ۷۲ نوع از انواع بلا، در امان است، که از آن جمله جُنون و جذام و پیسی می‌باشد.»

و در ادامه‌ی روایتی دیگر، مشابه همین روایت از پیامبر (ص) نقل شده است: «۱»

«از آن جمله پیسی و دردهای گلو و دندان‌ها و دردهای شکم می‌باشد.» «۲»

و نیز از امام صادق (ع) نقل شده است:

«هر کس اوّل و آخر غذا نمک بخورد، لکه‌های سیاه و سفید صورتش برطرف خواهد شد.» «۳»

بخش دوم: «نمک» از دریچه‌ی علم.

همانطورکه می‌دانید نمک به خاطر داشتن «اسید»، بهترین داروی ضد عفونی کننده است، چرا که هیچ نوع میکروبی نمی‌تواند در نمک رشد و نمو یا زندگی کند.

دانشمند محترم دکتر تومانیانس در کتاب خود به نام «Hygienic ruler in Islam» فوائد استعمال نمک پیش از غذا را، چنین می‌نگارد:

۱. براساس علوم پزشکی، دهان محل جمع شدن انواع و اقسام میکروب‌ها می‌باشد، که در اثر استعمال نمک پیش از غذا آنها بر طرف می‌شوند.

---

(۱). به نقل از کتاب قرآن و علوم روز، سید جواد افتخاریان، چاپ بیستم، ۱۳۶۲

(۲). همان

(۳). کتاب کافی، ج ۶، ص ۳۲۵.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۹۸

۲. آب دهان (بزاق) از چشمه‌هایی به نام غُدد بزاقی ناشی و جاری می‌باشند، که هر چه زیادتر با غذا مخلوط شوند غذا زودتر از گلو پایین می‌رود و زودتر هضم می‌شود.

با وارد شدن نمک در دهان، غدد اطراف دهان تحریک می‌شود و ترشح آنها زودتر می گردد، و از این رو غذا را زودتر هضم و حل می‌سازد، و برای بلع و هضم حاضر می‌نماید.

۳. نمک وقتی وارد معده‌ی خالی از غذا می گردد، غدد معده را هم تحریک می کند و ترشحات زیادتری بوجود می‌آورد. پس

«اسفیورت» نمک سبب زود بلعیدن و زود هضم شدن غذا می‌شود.

۴. از آنجا که نمک پیش از غذا تحریک کننده‌ی غدد هاضمه است. در اثر تحریک غدد هاضمه، انسان به غذا خوردن میل پیدا می‌کند، و سبب زیاد شدن اشتهاء می‌گردد.

۵. چنانچه مواد شیمیایی بیش از مقدار معمول در معده ترشح شود موجب سوء هاضمه می‌گردد و نمک پیش از طعام به خاطر اثر اسیدی که دارد آن را خنثی و بی‌اثر می‌کند و سوء هاضمه را بر طرف می‌نماید.

۶. در بدن و خون و ساختمان جسم مقدار معینی نمک وجود دارد که اگر از آن کم شود موجب امراض مختلفی در اعضاء بدن می‌گردد، در این صورت وقتی نمک پیش از طعام وارد معده شد مقدار مورد نیاز را برای کمبود در خود نگه می‌دارد و در حقیقت مقدار از دست رفته را جبران می‌کند.

۷. بدن انسان برای برطرف کردن نمک، احتیاج به آب دارد و استعمال نمک پیش از خوراک، انسان را به نوشیدن آب مجبور می‌نماید و این خود سبب ازدیاد «ادرار» و شستشوی کلیه و مثانه می‌شود.

۸. نمک، زیاد کننده‌ی ترشحات غدد امعاء مخصوصاً در قسمت هضم و جذب می‌باشد از این رو استعمال آن پیش از صرف طعام بهترین وسیله برای زود هضم شدن و هضم گردیدن مواد غذایی است.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۱۹۹

۹. در اثر نمک خوردن، مقداری از آب‌ها از روزنه‌های پوست بدن بیرون می‌آید، در نتیجه سوراخ‌های تنفسی پوستی، پاک و پاکیزه می‌شوند.

۱۰. استعمال نمک بعد از صرف غذا، غدد بزاقی را تحریک می‌کند و باعث زیاد شدن، آب دهان می‌گردد و انسان ناگزیر به فرو بردن و یا بیرون کردن آن از دهان می‌شود که در هر دو صورت چربی یا غذای باقی مانده در دهان و بین دندان‌ها، به همراه آب دهان برطرف می‌شود.

۱۱. اگر انسان طعامی را بخورد و نمک آن کم باشد، و یا در معده ترشحات مواد نمکی نباشد، باعث دیر هضم شدن یعنی سوء هاضمه می‌گردد، پس در این صورت اگر پیش از غذا نمک خورده شود این دو ضرر را جبران می‌نماید.

یادآوری:

بدیهی است که این فوائد، برای استعمال مقدار مناسب نمک می‌باشد، و اگر در مصرف نمک افراط و تفریط شود باعث تحریک قلب و امراض گوناگون نیز خواهد گردید.

در ضمن فواید نمک برای انسان‌های سالم و متعادل و به صورت غالبی است، ولی برای افراد بیمار، یا گاهی برای افرادی خاص، ممکن است برخی داروها نیز ضرر داشته باشد که باید مصرف آن را پزشکان تجویز کنند.

منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. قرآن و علوم روز، سید جواد افتخاریان.

۲. اصول کافی، کلینی، ج ۶، ص ۳۲۵ به بعد.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۲۰۰

پرسش:

مقصود از شفا بودن عسل چیست؟

قرآن خوردن عسل را شفا می‌داند، لطفاً فواید علمی و پزشکی آن را بیان کنید؟

پاسخ:

عسل غذای لذیذی است که زنبور عسل آن را تولید می کند و قرآن نیز بدان توصیه کرده است:

«فِيهِ شِفاءٌ لِلنَّاسِ «۱» خوردن عسل برای مردم شفاء است»

پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «لم یستشف المریض بمثل شربه العسل؛ «۲» هیچ مریضی، به مانند نوشیدن عسل شفاء پیدا نمی کند.»

واژه‌ی «شفاء» در قرآن، درباره‌ی خوردنی‌ها به کار نرفته و فقط عسل را شفا دانسته است. و نام یک سوره از قرآن، به نحل (/ زنبور عسل) اختصاص داده شده است و قرآن درباره‌ی وحی به زنبور عسل می‌فرماید:

«پروردگار تو به زنبور عسل وحی (و الهام غریزی) نمود که از کوه‌ها و درختان و داربست‌هایی که (مردم) می‌سازند، خانه‌هایی برگزین و تمام ثمرات (و شیره‌ی گلها) بخور (خوردن در اینجا مجاز است منظور نوشیدن خاص است) و

---

(۱). نحل / ۶۹

(۲). بحار الانوار، علامه مجلسی، موسسه الوفاء، بیروت، ج ۶۶، ص ۲۹۲.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۲۰۱

راه‌هایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است براحتی بپیما ... و از شکم‌هایشان شرابی با رنگ‌های مختلف خارج می‌شود که در آن برای مردم شفا است بیقین در این امر نشانه‌ی روشنی است برای جمعیّتی که می‌اندیشیدند.» «۱»

فواید عسل:

دانشمندان با تحقیقات خود، فواید زیادی برای عسل ارائه داده‌اند. ما در اینجا به طور خلاصه به آن‌ها اشاره می کنیم:

مواد معدنی: پتاسیم، آهن، فسفر، ید، منیزیم، سرب، منگنز، آلومینیوم، مس، سولفور، کرومیوم، لیتیوم، نیکل، روی، اسمیوم، تیتانیم، سدیم، و مواد آلی، مانیت‌ها، ضمغ، پولن، اسید لاکتیک، اسید فرمیک (که ترکیب عسل با آن از فساد عسل جلوگیری می کند و ضد رماتیسم است)، اسید مالیک، اسید تارتاریم، اسید اگزالیک، اسید سیتریک، رنگ‌ها، روغن‌های معطر، ازته و از مواد معدنی عسل به شمار می‌آیند.

مواد تخمیری: انورتاز، آمیلاز، کاتالاز که در هضم غذا مفید است.

عناصر دیگر عسل: گلوکز، لولز، ساکارز، دکسترین، مواد البرمینوئید، سولفات‌ها، انورتین، آب ...

عسل دارای ویتامین‌های شش گانه‌ی (A ,B ,C ,D ,K ,E) و برخی هم گفته‌اند که ویتامین «PP» دارد. «۲»

* حدود ۷۰ مواد معدنی «۳» تخمیری و ویتامین‌ها در عسل وجود دارد، و برای درمان یا تقویت یا پیشگیری امراض پوستی، (دمل‌ها، جوش‌ها ترمیم

---

(۱). نحل / ۶۹- ۶۸

(۲). اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر پاک‌نژاد، کتابفروشی اسلامی، ج ۵، ص ۱۲۹

(۳). نفحات من اعجاز طبی قرآن، ص ۶۰.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۲۰۲

ضایعات بافت‌ها و ...) گوارشی، قلب و دندان، تقویت رشد طفل، سرطان، تنفس، کبد، صفرا، چشم و گوش، بینی، مرض زنان و برای تقویت نسل و بچه و ... مؤثر است. «۱»

* عسل از مهم‌ترین مواد قندی طبیعی است و تاکنون ۱۵ نوع قند در آن کشف شده است. مانند: فرکتوز ۴۰ خ، گلوکز ۳۰ خ،

نیشکر ۴۰ خ.

* یک کیلوگرم عسل، حاوی ۳۲۵۰ کالری حرارت است.

* عسل، پادزهر افیون خوردگی و نیش حشرات است.

* عسل آب‌پز، برای ریزش بول تأثیر بسزائی دارد.» «۲»

* عسل از جمله بیماری‌های: اعصاب، بی‌خوابی، درد پهلو، سیاتیک، دیفتری، مرض کم خونی، امراض کبد، بیماری‌های استخوان، ریه، ایجاد رشد و نیرو، کمی و زیادی فشار خون را علاج می‌کند، و همچنین فوائد زیادی برای درمان «یرقان» دارد.

* خوردن عسل، در حال ناشتا، برای زخم معده و اثنی‌عشر و کاهش ترش کردن معده مفید است. برای تنظیم قند خون موثر است. ضد عفونی کننده مجاری ادرار و هم چنین در پیشگیری از زکام مفید است. «۳»

* نوشته‌اند که در مصر، عسلی چندین هزار ساله پیدا شد که فاسد نشده است، «۴» چون دارای اسید فرمیک است و عسل را فاسد نمی‌کند.

---

(۱). دکتر عبد الحمید دیاب و دکتر قرقوز، طب در قرآن، انتشارات حفظی، تهران، ترجمه چراغی، ص ۲۵

(۲). قانون طب، بوعلی سینا، ص ۲۶۹

(۳). اسلام پزشک بی‌دارو، احمد امین شیرازی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۳، ص ۱۱۷ به نقل از اسرار خوراکی‌ها، ص ۲۷۴

(۴). اسرار خوراکی‌ها، جزایری، ص ۲۸۱.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۲۰۳

* عسل دارای عوامل قوی ضد میکروب است. و میکروب‌هایی که عامل بیماری انسان‌ها هستند قادر به ادامه حیات در عسل نیستند، از جمله وجود آب اکسیژنه در عسل، موجب از بین رفتن میکروب است و هیچ گونه قارچی در آن رشد نمی‌کند.

* برای رشد کودکان و نیز برای درآمدن دندان، جلوگیری از اسهال و سوء تغذیه و ... مفید است.

* تحقیقات نشان داده است که زنبور داران کمتر به سرطان مبتلا می‌شوند.

* عسل برای زخم معده و التهاب معده مفید است، و نقش موثری در تنظیم اسیدهای معده دارد.

* عسل برای بیماری‌های چشم مانند: التهاب پلک‌ها، التهابات قرنیه (سل چشم، سیفلیس، تراخم) زخم قرنیه، سوزش چشم، موثر است.

نکته:

با توجه به موارد فوق، عسل غذایی است که مردمان قبل از اسلام و ادیان گذشته بر آن تأکید داشته‌اند و بیان قرآن به مسئله شفا بودن عسل، یک شگفتی علمی است نه اعجاز علمی، به سبب اینکه قبل از اسلام اهمیّت و فواید آن را یافته بودند و در طب جالینوسی و بقراطی یونانی فواید آن آمده است.

یادآوری:

لازم به ذکر است که عسل زمینه‌ساز آثار فوق است نه علت تامه. یعنی ممکن است به خاطر وجود موانعی، اثر نکند، یا برای بیماری خاصی اثر منفی داشته باشد. در نتیجه شفا بخشی عسل غالبی است نه در همه‌ی موارد.

برای مطالعه بیشتر به کتاب‌های زیر مراجعه فرمایید:

۱. اسلام پزشک بی‌دارو، احمد امین شیرازی، انتشارات اسلامی، ص ۱۱۷.

۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مبین، ص ۴۰۶- ۴۱۷.

۳. دکتر عبد الحمید دیاب و قرقوز، طب در قرآن، ترجمه چراغی، انتشارات حفظی، ص ۲۵.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۲۰۴

پرسش:

منظور از شفاء بودن قرآن چیست؟

پاسخ:

شفا بودن قرآن در آیات متعددی مطرح شده از جمله در سوره‌ی اسراء می‌فرماید:

«وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَساراً؛ «۱» و از قرآن آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می‌کنیم؛ و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی‌افزاید.»

و در سوره‌ی یونس می‌فرماید:

«يا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفاءٌ لِما فِي الصُّدُورِ وَ هُدىً وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ «۲» ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است؛ و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست؛ (درمانی برای دل‌های شما؛) و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان.»

در اینجا لازم است به چند مطلب اشاره شود:

الف: مفهوم‌شناسی:

واژه‌ی «شفاء» به معنای صحت و سلامت است «۳» و در مقابل بیماری، عیب و نقص می‌آید.

---

(۱). اسراء/ ۸۲

(۲). یونس/ ۵۷ و با تعبیر دیگر فصلت/ ۴۴

(۳). قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ذیل ماده شفاء.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۲۰۵

ب: بیماری‌های انسان:

با بررسی ابعاد مختلف انسان در می‌یابیم نمی‌توان برای انسان فقط بیماری جسم را در نظر گرفت و در بهبودی آن تلاش کرد بلکه انسان دارای دو بعد جسمی و روحی می‌باشد که ممکن است هر کدام در معرض بیماری قرار گیرند و بیماری هر کدام موجب اختلال در کارایی ابعاد دیگر انسان شود. از این رو می‌توان بیماری‌های انسان را به سه نوع تقسیم کرد:

۱. اعتقادی؛ ۲. روحی- روانی؛ ۳. جسمی.

برای توضیح بیشتر، ضرورت دارد به هر کدام از آنها به صورت جداگانه پرداخته شود.

۱. قرآن و درمان بیماری‌های اعتقادی:

نزول قرآن در مرحله‌ی اول برای درمان بیماری‌های اعتقادی مردم بوده است تا آنها را از شرک و کفر و تاریکی‌ها به توحید و اسلام و روشنایی رهنمون سازد؛ در آیات متعددی به این مسئله پرداخته شده که هدف قرآن این است که شما را از ظلمت جهل به نور دانش، از کفر به نور ایمان، از ظلمات ستمگری به نور عدالت، از فساد به صلاح، از گناه به نور تقوی رهبری کند. «۱»

امراض اعتقادی و قلبی از امراض جسم شدیدتر است. از این رو قرآن شفاء و رحمت است؛ یعنی درمان برای امراض اعتقادی مانند کفر، نفاق، شرک، و در نفوذ معرفت و شناخت، توحید و ... در قلب رحمت است.

۲. قرآن و درمان بیماری‌های روحی:

برای رعایت اختصار به دو بخش از این بیماری‌ها می‌پردازیم:

---

(۱). ابراهیم/ ۵ و ۱؛ مائده/ ۱۵ و ۱۴؛ ر. ک: قرآن در قرآن، مهدی احمدی، ۱۳۷۴، اشراق، قم، ص ۲۳۲.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۲۰۶

بدون شک بیماری‌های روحی و اخلاقی انسان، شباهت زیادی با بیماری‌های جسمی او دارد. هر دو کشنده است. هر دو نیاز به طبیب و درمان و پرهیز دارد. قرآن نسخه‌ای حیات بخش برای کسانی است که می‌خواهند با کبر، غرور، حسد و نفاق به مبارزه برخیزند. و همچنین برای برطرف کردن ضعف‌ها و ترس‌ها، اختلاف‌ها و پراکندگی‌ها و برای کسانی که عشق به دنیا و وابستگی به مادیات و تسلیم بی‌قید و شرط در برابر شهوت‌ها می‌باشند؛ شفا بخش است. «۱»

حضرت علی (ع) درباره‌ی شفا بخش بودن قرآن می‌فرماید:

«از این کتاب بزرگ آسمانی برای بیماری‌های خود شفا بخواهید و برای حل مشکلاتتان از آن یاری بجویید، زیرا درمان بزرگترین دردها در این کتاب است؛» «۲»

بهترین دلیل برای اثبات این کلام مقایسه وضع عرب جاهلی با تربیت شدگان مکتب پیامبر (ص) در آغاز اسلام است. آن قوم جاهل و نادان که انواع بیماری‌های اجتماعی و اخلاقی سر تا پای وجودشان را فرا گرفته بود. با استفاده از این نسخه شفا بخش نه تنها درمان یافتند، بلکه آن‌چنان نیرومند و قوی شدند که هیچ نیرویی نمی‌توانست در مقابلشان ایستادگی کند. «۳»

ب. بیماری‌های روانی:

برخی از روانشناسان با تحقیق در آیات قرآن دریافته‌اند که قرآن تاثیر زیادی بر روان انسان می‌گذارد و شفابخشی قرآن را با علوم تجربی مقایسه نموده‌اند. و نتایج حاصل از آن تحت عنوان تاثیر قرائت قرآن بر بهداشت روانی انسان منتشر شده است.

---

(۱). تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ج ۱۲، ص ۲۳۹

(۲). نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۷۶، و در خطبه‌ی ۱۵۶ و ۱۵۸ با تعابیر دیگر به شفا بخش بودن قرآن اشاره دارد

(۳). تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ترجمه از همدانی، بنیاد علمی و فکری علامه، قم، ج ۱۳، ص ۳۰۶.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۲۰۷

دستورات و توصیه‌های قرآن، تاثیر بسزایی در بهداشت روانی فردی و اجتماعی انسان دارد. تا جایی که می‌توان گفت: عمل به توصیه‌های قرآن، بالاترین و بهترین نسخه‌ی بهداشت روانی است. برای نمونه به برخی از آیات و تاثیرات آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. مداومت بر قرائت قرآن کریم، نقش موثری در مقابله با استرس دارد. همچنین فهم قرآن نیز در مقابله با استرس مؤثر است. «۱»

۲. نتیجه‌ی تحقیقی که از ۶۰ دختر به دست آمده این است که گروهی که حد اقل ۶ ماه روزانه نیم ساعت به قرائت قرآن می‌پرداختند، میزان اضطراب و افسردگی آنان به طور چشمگیری کمتر از دیگران بوده است. «۲»

۳. دمیدن روح امید، و دوری از یأس و تاثیر آن در کاهش افسردگی. «۳»

۴. دعوت قرآن به صبر و تاثیر آن در کاهش فشارهای روانی. «۴»

۵. دعوت قرآن به توکل به خدا «۵» و نقش آن در آرامش انسان.

۶. یاد خدا و آرامش دل. «۶»

۷. ممنوعیت خودکشی در دین «۷» و پایین آمدن آمار خودکشی در مجامع اسلامی.

۸. احترام و محبت به پدر و مادر «۸» و تاثیر آن در سلامت خانواده.

۹. حجاب برای زنان و سلامتی روانی. «۹»

---

(۱). ر. ک: مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان، دانشگاه علوم پزشکی، آذر ۱۳۷۶، ص ۸۸

(۲). همان، ص ۷۹

(۳). یوسف/ ۸۷

(۴). بقره/ ۱۵۳ و ۱۵۵ و آل عمران/ ۲۰۰

(۵). احزاب/ ۳، آل عمران/ ۱۵۹

(۶). اسراء/ ۲۴، بقره/ ۸۳

(۷). نور/ ۳۱، احزاب/ ۵۹

(۸). طه/ ۱۴

(۹). نور/ ۳۱، احزاب/ ۵۹.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۲۰۸

۱۰. نماز و آرامش روانی. «۱»

۱۱. ازدواج و تشکیل خانواده و تأمین آرامش فردی و سلامت محیط اجتماع. «۲»

۱۲. ممنوعیت سوء ظن، تجسس و غیبت، و اثرات آن بر سلامتی جامعه و شخصیت افراد. «۳»

به عبارت دیگر می‌توان گفت: همه‌ی دستورات الهی به نوعی برای آرامش فردی و اجتماعی و رشد و بالندگی فرد و جامعه آمده است. «۴»

۳. قرآن و درمان بیماری‌ها جسمی:

قبل از هر چیز، لازم است گفته شود؛ قرآن کتاب بهداشت و درمان و پزشکی نیست؛ بلکه کتاب هدایت و تربیت معنوی افراد و جامعه است.

و اگر به مطالب پزشکی و بهداشتی و علمی اشاره‌ای کرده است به خاطر این است که:

۱. راه خداشناسی را هموار کند.

۲. حس کنجکاوی بشر را تحریک نماید تا در زمینه‌ی علوم تجربی رشد نمایند و در پی کشف آن برآیند.

۳. اعجاز علمی قرآن را به اثبات برساند.

۴. علت مهم‌تر این که به خاطر پیوستگی نیازهای جسمی و روحی با همدیگر و تاثیر آنها بر همدیگر قرآن بر خود لازم می‌داند که به بهداشت جسمی انسان نیز

---

(۱). طه/ ۱۴

(۲). روم/ ۲۱

(۳). حجرات/ ۱۲- ۱۱

(۴). ر. ک: خلاصه مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان، دانشگاه پزشکی تهران، ۱۳۷۶ آذر ماه.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۲۰۹

توجه ویژه کند زیرا در کمال روحی او تاثیر دارد بنابراین قرآن برای تامین سلامتی و بهداشت جسم مطالبی بیان فرموده که اگر در حد اعجاز علمی نباشد قطعاً برخی آنها جزء شگفتی‌های علمی است. برای مثال:

الف: بهداشت غذایی: مانند: خوردن غذاهای پاک «۱»- ممنوعیت غذاهای غیر بهداشتی «۲»- عدم اسراف در غذا «۳»- دوری از گوشت مردار «۴»- دوری از گوشت خوک و خوردن خون «۵»- دوری از شراب. «۶»

ب: بهداشت شخصی (جسمی): مانند: وضو، «۷» غسل، «۸» طهارت لباس، «۹» پاکیزگی محیط زیست «۱۰» و ...

ج: بهداشت مسائل جنسی: مانند: ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهیانه «۱۱»- دوری از زنا «۱۲»- دوری از لواط «۱۳»- دوری از استمناء. «۱۴»

---

(۱). بقره/ ۱۷۲

(۲). اعراف/ ۱۷۵

(۳). اعراف/ ۳۱

(۴). انعام/ ۱۴۵

(۵). بقره/ ۱۷۳

(۶). بقره/ ۲۱۹

(۷). مائده/ ۶

(۸). همان

(۹). مدثر/ ۴

(۱۰). حج/ ۲۶

(۱۱). بقره/ ۲۲۲

(۱۲). اسراء/ ۳۲

(۱۳). اعراف/ ۸۱- ۸۰

(۱۴). مومنون/ ۷- ۵.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۲۱۰

د. عسل و درمان بیماری‌های جسمی. «۱»

ه- روزه و درمان بیماری‌های جسمی. «۲»

و. تاثیر آوای قرآن بر کاهش دردهای جسمی بعد از عمل جراحی. «۳»

حاصل سخن اینکه، قرآن برای بیماری‌های اعتقادی، روحی، روانی، اخلاقی و اجتماعی به صورت مستقیم دستور دارد حتی هدف از نزول خود را نجات انسان‌ها از بیماری اعتقادی و روحی و اخلاقی می‌داند.

اما برای بیماری‌های جسمی و بهداشت فردی و اجتماعی و درمانی آن به صورت کنایه‌ای و در پرتو دستورات و در قالب باید و نباید (حرام و حلال) و هست و نیست (ارشادی) بیان کرده است.

معرفی کتاب جهت مطالعه بیشتر:

۱. اسلام و بهداشت روان، مجموعه مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان، نشر معارف.

۲. استعانت از قرآن کریم، علیرضا نیک بخت، نشر قبله، تهران.

۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی‌اصفهانی، ج ۲، انتشارات مبین.

۴. آموزه‌های تندرستی در قرآن، حسن رضا رضایی، انتشارات عطر آگین.

---

(۱). نحل / ۶۹- ۶۸

(۲). احزاب / ۳۵

(۳). نک: استعانت از قرآن کریم در شفای جسمانی، نشر قبله، علیرضا نیکبخت نصرآبادی، ۱۳۷۸.

پرسش‌های قرآنی جوانان، ص: ۲۱۱

۵. طب در قرآن، دکتر عبد الحمید دیاب، دکتر قرقوز، ترجمه چراغی، انتشارات حفظی.

۶. اولین پیامبر آخرین دانشگاه، دکتر پاک‌نژاد، ج ۴ و ۵ و ۶، کتابفروشی اسلامی.

۷. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، دار الکتب اسلامیه، تهران، ج ۱۲، ص ۲۳۹. ذیل آیات مورد بحث و بررسی.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



